





۱۷

پیامدهای مثبت کاهش رشد نقدینگی سال آینده نمایان می‌شود

محمد علی دهقان دهنوی، رئیس
سابق سازمان بورس و اوراق بهادار

۳۵



اخبار گرانی‌ها به تورم ترکیه دامن زد!

"رجب ارچین"، رئیس هیات
مدیره انجمن روزنامه‌نگاران
اقتصادی ترکیه

۱۲



رسانه‌ها انتظارات در جامعه را مدیریت می‌کنند

سیدعباس حسینی، مدیرعامل بانک مسکن

۲۸



جهت‌گیری نظام بانکی در پرداخت تسهیلات خرد از وثیقه محوری به اعتبار محوری

رضا قاسم‌پور، مدیرعامل شرکت
مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران

۳۲



بازیگری رسانه‌ها برای تحریک انتظارات تورمی

"رابرت شاپیرو"، استاد دانشگاه
کلمبیا آمریکا

۱۶

سیاست تثبیت را با سرکوب نرخ ارز مقایسه نکنیم

۳۹

روسای بانک‌های مرکزی کانون توجه مخاطبان اخبار اقتصادی

۴۲

اثر جریان‌های پُر قدرت رسانه‌ای بر پیش‌بینی‌های اقتصادی

۴۵

تیم رسانه‌ای بانک مرکزی انگلیس چگونه در بحران برگزیت عمل کرد؟

۴۸

۱۰ پیش‌بینی مهم اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴



قیمت ارز رابطه مستقیمی با انتظارات دارد

دوکارشناس اقتصادی در میزگرد تازه‌های اقتصاد

۵



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• شورای سیاستگذاری:

اصغر بالاسینی، حسین لطفی و حسین میرزایی

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

مرتضی کریمی، جواد حیران نیا، سید مهدی میرحسینی

امین محمودی، هانیه اسماعیلی، پوریا صادقی

امیرحسین موسوی، مژگان فرجی، حمید کمار

محمد رضا مقامی فرد

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیک و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول

بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن:

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۰

• نمابر:

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۱

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

سرمقاله

۴	شکست پروژه روایت سازی های نادرست اقتصادی
۵	قیمت ارز رابطه مستقیمی با انتظارات دارد
۱۲	رسانه ها انتظارات در جامعه را مدیریت می کنند
۱۴	تدوین برنامه زمانبندی اصلاح ناترازی بانک ها
۱۶	سیاست تثبیت را با سرکوب نرخ ارز مقایسه نکنیم
۱۷	پیامدهای مثبت کاهش رشد نقدینگی سال آینده نمایان می شود
۲۸	جهت گیری نظام بانکی در پرداخت تسهیلات خرد از وثیقه محوری به اعتبار محوری
۳۲	بازیگری رسانه ها برای تحریک انتظارات تورمی
۳۵	اخبار گرانی ها به تورم ترکیه دامن زد!
۳۹	روسای بانک های مرکزی کانون توجه مخاطبان اخبار اقتصادی
۴۲	اثر جریان های پُر قدرت رسانه ای بر پیش بینی های اقتصادی
۴۵	تیم رسانه ای بانک مرکزی انگلیس چگونه در بحران برگزیت عمل کرد؟
۴۸	۱۰ پیش بینی مهم اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴
۵۶	اقتصاددان برجسته کویتی نظام بانکی جهان عرب را متحول کرد
۶۴	اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز در بانک ملی اتیوپی
۷۲	بمباران اخبار منفی برای ایجاد اختلال در بازار!
۷۶	چگونه رسانه ها بر انتظارات تورمی تأثیر می گذارند؟
۷۹	سیاست تثبیت اقتصادی نرخ تورم را کاهش می دهد
۸۰	بازدید مدیرعامل شرکت رتبه بندی اعتباری ایران از موسسه بازار پول و ارز

شکست پروژه روایت سازی های نادرست اقتصادی

سیاست گذاری برای تداوم همراهی بخش های مختلف فراهم شود. آگاهی عموم جامعه و سایر نهادهای سیاست گذاری از فرایند سیاست اعلامی و آثار آن کمک ویژه ای به توفیق این سیاست خواهد کرد. به عنوان نمونه، پس از راه اندازی مرکز مبادله ارز و طلا، به واسطه آگاهی صحیح عمومی از نهاد سازی بانک مرکزی و عبور از سیاست های ناکارآمد مداخلات صرفا قیمتی در گذشته، منجر به انتقال تقاضای رسمی ارز از بازار غیررسمی به بازار رسمی در مرکز مبادله ارز و طلا شد. به عنوان نمونه موفق دیگر در عملکرد یک پیوست رسانه ای برای همراهی عمومی، می توان فرایند اطلاع رسانی هدفمند سازی یارانه ها در سال ۸۹ یا مردمی سازی یارانه ها در سال ۱۴۰۱ را عنوان کرد که با توجه به آگاهی رسانی صحیح برای مردم، منجر به همراهی آنها در اجرای موفق طرح شد.

در نهایت باید به این موضوع نیز تاکید کرد، علاوه بر اینکه نهاد سیاست گذار اقتصادی وظیفه آگاهی رسانی عمومی نسبت به سیاست های خود را دارد، رسانه های کشور نیز باید نسبت به بهبود وضعیت کشور احساس مسئولیت داشته باشند. شرط لازم توفیق همراهی عمومی، ارائه شفاف از نحوه اجرای سیاست توسط سیاست گذار است، اما شرط کافی نیست. شرط دیگر همسویی جامعه، همراهی رسانه ها در حمایت از سیاست اتخاذ شده و پرداخت به سایر ابعاد است که می تواند در عملکرد صحیح سیاست و همراهی جامعه کمک کند. بعضا در طی یکسال گذشته مشاهده شد که در مقاطعی برخی رسانه ها تلاش کردند تا با آمار سازی و خبرپراکنی های کذب، انتظارات تورمی را در سطح جامعه تهییج کنند. این رسانه ها را نمی توان در دسته حامیان بهبود اقتصاد ایران قرار داد و در واقع معاند اقتصاد ایران هستند. اطلاع عموم مردم از وضعیت حقیقی اقتصاد ایران، توجه فعالان اقتصادی به آمارهای مراجع رسمی کشور و اعتماد عمومی به نهادهای سیاست گذار اقتصادی، امری حیاتی در تداوم روند رشد اقتصادی، مهار تورم و شکست پروژه روایت سازی ها و عملیات های روانی در اقتصاد است.

یکی از الزامات توفیق در امر سیاست گذاری اقتصادی، همراهی فضای عمومی جامعه با سیاست های اعلامی نهاد سیاست گذار در بخش مالی و پولی است. اعتماد عمومی با همسویی رسانه ها در مرتبیین صحیح اثرات و فرایند اجرای سیاست های اقتصادی میسر خواهد شد. در واقع رسانه ها می توانند با ارائه صحیح آثار مطلوب سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت و بانک مرکزی در کنار آگاهی رسانی عمومی، زمینه و بستر همراهی جامعه را در اجرای سیاست های اقتصادی فراهم کنند. عدم همراهی رسانه ها یا سنگ اندازی رسانه های معاند در روند سیاست های اقتصادی، می تواند به عنوان یکی از موانع اجرای موفق سیاست های اقتصادی به شمار آید.

با توجه به اینکه یکسال از اجرای سیاست تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی سپری می شود و تداوم توفیق این سیاست در سال دوم نیازمند همراهی رسانه ها است، بازنمایی صحیح رسانه ها از تحولات واقعی در بخش متغیرهای پولی همچون کاهش نرخ رشد نقدینگی از ۳۳.۴ درصد در پایان آذرماه ۱۴۰۱ به ۲۷ درصد در پایان آذرماه ۱۴۰۲ و افت نرخ رشد پایه پولی از ۴۵ درصد در ابتدای امسال به ۳۳.۵ درصد در پایان پاییز امسال، که ناشی از عملکرد صحیح سیاست های تثبیت در بازار پول بوده است، می تواند تصویر شفافی را از اجرای سیاست های تثبیت ارائه دهد.

ارائه تصویر صحیح از تحولات شاخص های مختلف اقتصاد کلان همچون تداوم رشد اقتصادی در تمام فصول دو سال گذشته، روند نزولی کل های پولی، تحقق پایین ترین سطح نرخ رشد بیکاری ۴ دهه گذشته و ثبات نرخ ارز در طول یکسال اخیر، روند بهبود متغیرهای اقتصادی را می تواند برای عموم جامعه ملموس تر کند. در گام دوم اجرای سیاست های تثبیت نیز لازم است یک پیوست رسانه ای طراحی و اجرا شود تا در کنار اطلاع رسانی به موقع از سیاست های پولی کشور، بستری برای افزایش شفافیت در امر



دو کارشناس اقتصادی در میزگرد تازه‌های اقتصاد:

قیمت ارز رابطه مستقیمی با انتظارات دارد



مولایی:

- آرامش بازار حاصل انتظاراتی است که پیش‌بینی می‌کند بازار به یک ثباتی خواهد رسید
- ثبات ایجاد شده قابلیت تداوم دارد و اگر شرایط همین‌گونه پیش‌برود، مشکلی در بازار ارز نخواهیم داشت
- سیاست‌های بانک مرکزی به تقویت عرضه ارز کمک کرده، اما تاثیر مهم‌ترین است که می‌توانیم انتظار ثبات را به بازار تزریق کنیم

باقرپور:

- عوامل بی‌ثبات‌کننده اقتصاد که یکی از آنها نرخ ارز است، با اتخاذ سیاست تثبیت به نوعی با ثبات روبرو شد
- سپردن قیمت ارز به بازار تعادل را حفظ نخواهد کرد
- بانک مرکزی شاید بتواند نرخ ارز را تثبیت کند، ولی به محض اینکه شوک‌های سیاسی خارجی در اقتصاد روی دهد، عاملی برای تشدید انتظارات تورمی فعال می‌شود

اقدامات بانک مرکزی در یک سال گذشته تا حدی توانست ثبات انتظارات تورمی را شکل دهد و مانع از بالاتر رفتن انتظارات و به دنبال آن مارپیچ ارز و تورم شود

از زمستان پارسال تا کنون، سیاست تثبیت اثرات مهمی را در بازارهای مختلف مانند ارز، طلا و خودرو داشته است که با بررسی آمارهای اقتصادی، به وضوح می‌توان ثبات قیمت و کنترل نوسانات غیرمتعارف را در این بازارها مشاهده کرد. ثبات در حوزه بازار ارز، از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین پارامترها در اقتصاد است، چرا که عدم ثبات در آن سبب بروز سفته‌بازی‌های شدید در اقتصاد و هدایت جریان‌های مالی به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌شود که خوشبختانه از زمان روی کار آمدن دکتر فرزین در جایگاه ریاست کل بانک مرکزی، به این حوزه توجه ویژه‌ای شده که موفقیت آن نیز مشهود است.

کنترل بازار ارز در ایران همواره به دنبال خود کاهش انتظارات تورمی را هم به همراه داشته است. این موضوع در کنار سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی که منجر به کاهش تورم و نقدینگی در یکسال اخیر شده است، فضای اقتصادی کشور را برای مردم و فعالان اقتصادی قابل پیش‌بینی کرده که نتایج آن در آمارهای اخیر رشد اقتصادی کشور قابل رویت است. سعید مولایی، مدرس دانشگاه و الناز باقرپور اسکویی، مدرس دانشگاه علامه طباطبائی در میزگردی که در هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برگزار شد، درباره تأثیر سیاست تثبیت بر بازار ارز گفت‌وگو کردند که متن آن به شرح زیر است:

بازار ارز در سال جاری روند

پایثباتی داشته و خبری از

نوسانات پیشین در این بازار

نبوده است. حتی در مواردی

مانند جنگ غزه هم تنها شاهد

نوسان مقطعی اندکی بودیم

که نرخ‌ها در یک بازه زمانی

کوتاه باز به روند اصلی خود

بازگشت. علل آرامش بازار ارز

در سال جاری را چه می‌دانید؟

مولایی: علت آرامش در بازار

ارز ترکیبی از دو اتفاق است،

یکی تعدیل انتظارات که

برداشت عوامل اقتصادی

این است که منتظر بمانیم وضعیت به چه

سمتی پیش خواهد رفت؟ و دیگری اینکه بازار

ارز با شوک خبری یا اتفاق فاندامنالتی که تأثیری در بازار بگذارد، روبرو نشود. بانک مرکزی همه تلاش خود را می‌کند تا همه عواملی که در نوسانات بازار تأثیر می‌گذارند را کنترل کند، چرا که وقتی انتظارات به سمتی برود که پول ملی تضعیف شود، خروج سرمایه نیز شدت خواهد گرفت.

وقتی بتوان از این طریق جلوی اتفاقات را گرفت و کنترلی بر حوزه بازگشت ارز صادراتی توسط صادرکنندگان غیرنفی داشت، این عوامل می‌توانند این اتفاق را توضیح دهند و سیاست‌های بانک مرکزی در این راستای تأثیر نیست و آرامش بازار حاصل انتظاراتی است که پیش‌بینی می‌کند بازار به یک ثباتی خواهد رسید.

باقی‌پور: برای پاسخ به این

سوال از زمان حذف ارز

ترجیحی که در اردیبهشت

۱۴۰۱ اتفاق افتاد را مرور

می‌کنیم که بعد از آن شاهد بی‌ثباتی در قیمت

ارز بودیم و در آن مقطع نرخ دلار به سمت ۶۰ و ۵۰

هزار تومان در حرکت بود. در این مقطع، بانک

مرکزی با توجه به تغییرات نرخ ارز و از بین رفتن

ثبات در اقتصاد ایران تصمیم به تثبیت نرخ ارز

گرفت، عوامل بی‌ثبات‌کننده اقتصاد که یکی

از آنها نرخ ارز است، با این اقدام بانک مرکزی با

نوعی ثبات روبرو شد.

با توجه به اینکه انتظارات تورمی از سال ۹۷ به

بعد، از سمت تورم فشار هزینه که مربوط به

افزایش نرخ ارز است در اقتصاد ایران اتفاق

می‌افتد، اقدامات بانک مرکزی در یک سال

گذشته تا حدی توانست ثبات انتظارات تورمی

را شکل دهد و مانع از بالاتر رفتن انتظارات

تورمی و به دنبال آن مارپیچ ارز و تورم شود.

با توجه به اینکه بانک مرکزی

اعلام کرده سیاست تثبیت

ادامه خواهد داشت و ثبات

ارزی یکی از اولویت‌های این

بانک است، چه چشم‌اندازی

را برای بازار ارز تا پایان سال

متصورید؟

مولایی: برای ارائه

چشم‌انداز، متغیرهای

متعددی تاثیرگذار است،

پیش‌بینی مستلزم این

است که افق‌هایی برای سیاست خارجی و

متغیرهای پایه‌ای اقتصادی در نظر بگیریم،



• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

بنابراین نااطمینانی در این پیش‌بینی‌ها خیلی بالاست و بسته به تکانه‌های سیاست خارجی و تنش‌هایی که بازار ارز ایران را با نوساناتی مواجه می‌کند، نتیجه متفاوت است. بخش دیگری نیز به سیاست‌هایی که بانک مرکزی در حوزه نظارت بانکی و کنترل ترازنامه اعمال می‌کند، مربوط می‌شود.

کنترل رشد نقدینگی متغیر خیلی مهمی است و اتفاقاتی که در آینده قرار است رخ دهد را توضیح می‌دهد، برداشت من این است که ثبات قابلیت این را دارد که همچنان ادامه داشته باشد و اگر شرایط همین گونه پیش برود مشکلی در بازار ارز نخواهیم داشت. از سویی معتقدم نرخ ارز از روند بلندمدت هم فراتر رفته است، اما متغیر نرخ تورم که پس از وقفه‌ای تأثیر سیاست‌های بانک مرکزی را نشان می‌دهد، هنوز نمی‌تواند به ثبات نسبی برسد و براساس این متغیر احساس می‌شود نرخ ارز در حدی قرار گرفته که انتظار افزایش بیشتر آن نمی‌رود، اما جهت سیاست‌ها به سمتی است که اثرات آن را کمتری بینیم.

باقرپور: اولین موضوعی که

برای بازار ارز و اقتصاد ایران باید مشخص کنیم این است که آیا بازار ارز به مفهوم رقابتی در اقتصاد ایران وجود دارد یا خیر؟ که این مفهوم پاسخگوی بسیاری از سوالات است.

در بازار ارز بیشترین ارزآوری از سمت درآمدهای نفتی است که عاملی برون‌زا است و ایران در تعیین قیمت آن نقشی ندارد، عمده صادرات غیرنفتی نیز مانند محصولات پتروشیمی و میعانات گازی وابسته به نفت است. براین اساس، در بخش عرضه ارز عوامل فراوان برای شکل‌گیری بازار رقابتی وجود ندارد و در سمت تقاضای ارز نیز عوامل فراوان قرار دارد و در بخش تقاضای معاملاتی برای کالاها و خدمات به ارز نیاز داریم.



از دهه ۵۰ به بعد، در اقتصاد ایران همیشه با مازاد یا کمبود عرضه ارز مواجه بودیم و هیچ وقت مکانیسم قیمت، خود را به تعادل نرسانده تا عرضه و تقاضا یکدیگر را تسویه کنند.

در شرایطی که کمبود ارز رخ می‌دهد تقاضای سوداگری در اقتصاد اتفاق می‌افتد، خرید و فروش ارز توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و حتی مردم صورت می‌گیرد و از سوی دیگر خروج سرمایه رخ می‌دهد.

در شرایطی که قرار داریم اگر قیمت به بازار سپرده شود، قیمت ارز هر نرخ نامرتبلی را به خود خواهد گرفت و هر قیمت ارزی که بالاتر از تغییرات مربوط به تورم داخلی و خارجی باشد، باعث برهم زدن قیمت‌های نسبی در اقتصاد می‌شود.

اکنون به طرز عجیبی نیروی کار ارزان شده و افزایش نرخ دستمزد کمتر از نرخ تورم صورت می‌گیرد، اینکه گفته می‌شد با افزایش نرخ ارز، صادرات و تولید رشد می‌کند در یک دهه گذشته اتفاق نیفتاده و رشد سرمایه‌گذاری و اقتصادی منفی شده است، اقتصاد ایران در شرایط بی‌ثبات قرار گرفته که چاره‌ای به جز تثبیت نداشتیم. در اقتصاد ایران مفهوم آزادسازی با رهاسازی اشتباه گرفته شده، سپردن قیمت ارز به بازار تعادل را حفظ نخواهد کرد و در شرایط فعلی چاره‌ای به جز تثبیت نرخ ارز نیست. باید این موضوع را نیز در نظر گرفت که صاحبان قدرت قیمت‌گذاری دلخواه نیز بر تورم در اقتصاد ایران تأثیرگذار هستند.

مهم‌ترین ابزار بانک مرکزی

برای مدیریت بازار ارز، مرکز

مبادله بوده که به نظر می‌رسد

تا حد زیادی توانسته مرجعیت

قیمتی را از بازار غیررسمی

بگیرد. کارکرد این مرکز را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از دهه ۵۰ به
بعد در اقتصاد
ایران همیشه با
مازاد یا کمبود
عرضه ارز مواجه
بودیم و هیچ
وقت مکانیسم
قیمت، خود
را به تعادل
نرسانده تا
عرضه و تقاضا
یکدیگر را تسویه
کنند



اعتبار بانک مرکزی، عامل مهار انتظارات تورمی

وقتی نمی‌توان اقدام به ارزآوری به کشور کرد، می‌توان از طریق مهار انتظارات تورمی و انتظارات کاهش ارزش پول ملی، از خروج ارز از کشور جلوگیری کرد. این اقدام مستلزم این است که سیاست‌های بانک مرکزی معتبر و باورپذیر باشد.

در شرایطی که قرار داریم اگر قیمت به بازار سپرده شود قیمت ارز هر نرخ نامربوطی را به خود خواهد گرفت و هر قیمت ارزی که بالاتر از تغییرات مربوط به تورم داخلی و خارجی باشد باعث برهم زدن قیمت‌های نسبی در اقتصاد می‌شود



باقرپور: نقش مثبت مرکز

مبادله طلا و ارز قابل توجه است، اما نرخی که در مرکز مبادله تعیین می‌شود مبتنی بر نرخ بازار غیررسمی است. نرخ ارز در بازار نیز براساس متغیرهای بنیانی اقتصاد شکل نگرفته و دلالت و سفته‌بازان نرخ ارز را تعیین می‌کنند. در اقتصاد ایران، هر قیمت ارزی که مازاد بر نرخ تورم داخلی و خارجی باشد، قیمت‌های نامتناسب را رقم می‌زند و این قیمت‌ها، قیمت‌های نسبی را برهم می‌زند که باید هزینه‌های ناشی از عوامل برهم زننده، قیمت نسبی در اقتصاد را کاهش داد.

در اقتصاد ایران هزینه‌هایی که از این ناحیه شکل می‌گیرد، فضایی را برای عوامل سوداگر ایجاد می‌کند و شرکت‌ها و بانک‌ها در زمان اختلاف قیمت به خرید و فروش ارز روی می‌آورند که مرکز مبادله تا حدودی توانسته به ثبات بازار ارز کمک کند، اما اینکه نرخ ارز نزدیک به بازار آزاد تعیین شود، نیاز به بررسی و بازبینی دارد.

برای کاهش قیمت ارز نیز موضوعات مختلفی مانند قاچاق، فساد و رانت مطرح است، چرا که در شرایط تعیین قیمت ارز بالاتر از مازاد تورم داخلی و خارجی ثبات بازار ارز از بین می‌رود و ارز دونه‌نرخی، چند نرخی، فساد و قاچاق در این شرایط به وجود می‌آید.

مولایی: نکته مهمی که کمتر

به آن توجه شده این است که در اقتصاد ایران حجم سرمایه‌گذاری قابل توجهی



از خارج از کشور نداریم تا با شوک ارزی به نظام مالی ضربه بزنند. با بحران ارزی در کشورهایی که حجم زیادی جریان سرمایه از خارج از کشور به کشور وارد می‌شود و کسری‌های تجاری خیلی زیادی دارند که با استقراض از کشورهای دیگر تامین می‌شود، معمولاً هزینه‌هایی که شوک ارزی به اقتصاد تحمیل می‌کند، خیلی بیشتر از شرایط فعلی ایران است.

تنها هزینه‌ای که از سوی شوک ارزی به اقتصاد ایران تحمیل می‌شود، نرخ تورم بالا است که اگر بتوانیم آن را مهار کنیم و تخصیص ارز به کالاهای اساسی را با موفقیت انجام دهیم، خیلی از مشکلات ناشی از بحران ارزی را مهار کرده‌ایم. اگر همانند کشورهای پیشرفته، بحران ارزی با بحران بانکی همراه بود، ارزش پول ملی کاهش می‌یافت و به دنبال آن ارزش بسیاری از نهادهای مالی کاهش پیدا می‌کرد و موجی

از ورشکستگی‌ها به جریان می‌افتاد. به دلیل تحریم و اینکه رابطه مالی و بانکی با دنیا نداشتیم، بحران بانکی را تجربه نکردیم و تنها نرخ تورم بالا را تجربه می‌کنیم که آثار رکودی آن نیز قابل مشاهده است.

متأسفانه آثار منفی شوک ارزی بر اقتصاد ایران بر جا ماند و ابزاری نداشتیم که بتوانیم به نحو احسن این آثار را کنترل کنیم، موضوعی که باید در نظر بگیریم این است که در بهترین حالت چه ابزارهایی در دسترس می‌تواند باشد؟

مهم‌ترین ابزار کنترل سرمایه است و در شرایطی که ساختار اقتصاد کلان یا شوک‌هایی سیاسی که به انتظارات مردم وارد می‌شود، مردم منتظر کاهش ارزش پول ملی هستند که در کوتاه‌مدت راهی به جز افزایش بازدهی پول ملی یا کنترل سرمایه ندارند و تا وقتی این اتفاق روی ندهد، آثار منفی شوک‌های ارزی را نمی‌توان مهار کرد. نیاز است که برای مهار تأثیر شوک ارزی، تا حد ممکن جلوی خروج سرمایه را بگیریم و تا حد ممکن ارز حاصل از صادرات را به بازار ارز وارد کنیم، هر چه بانک مرکزی در این موضوع موفق باشد، در مدیریت شوک‌های وارد شده به اقتصاد نیز موفق است.

بابروز شوک ارزی نمی‌توان انتظار داشت که هیچ مشکلی پیش نیاید و سیاست‌گذار براساس ابزارهایی که در اختیار دارد عمل می‌کند، ابزارهایی که اکنون در اختیار سیاست‌گذار برای مهار نوسانات ارز است ابزارهای کارآمدی نبوده، هر چند شاهد موفقیت نسبی بودیم اما آثار منفی از جمله تورم بالا، آسیب به بخش تولید و آثار منفی توزیع درآمدی را تجربه کردیم.

اقدامات دیگر بانک مرکزی باید در حوزه مدیریت انتظارات و سیاست‌های ارتباطی باشد، وقتی نمی‌توان اقدام به ارزآوری به کشور کرد، می‌توان از طریق مهار انتظارات تورمی و انتظارات کاهش ارزش پول ملی، از خروج ارز از کشور جلوگیری کرد. این اقدام مستلزم این است که سیاست‌های بانک مرکزی معتبر و باورپذیر باشد و وقتی بانک مرکزی درباره موضوعی سیاست خود را اعلام می‌کند، این سیاست توسط عوامل اقتصادی باورپذیر باشد. علت وابستگی انتظارات به لنگر نرخ ارز این است که باور نداریم بانک مرکزی برای مهار شوک‌های آینده به اقتصاد کشور توانایی دارد. بخشی از باورناپذیری طبیعی است، چرا که برخی عوامل مانند شوک‌های اقتصادی تحت کنترل بانک مرکزی نیست، در موضوع افزایش تقاضای ارز بانک مرکزی وقتی می‌تواند انتظارات



را مهار کند که ذخایر هنگفتی داشته باشد و آنها را وارد بازار کند تا بخشی از انتظارات مهار شود. راه دیگری که انتظارات تورمی مهار شود و تحت تأثیر قرار نگیرد، این است که مردم حس کنند کنترل نرخ تورم در نهایت دست بانک مرکزی و نظام بانکی است و عوامل خارج از نظام بانکی وجود ندارند که پس از اصلاح در ساختار بانکی و بودجه دولت، می‌توان به تأثیر اقدامات بانک مرکزی برای کاهش نرخ رشد نقدینگی و تورم امیدوار بود.

اگر سیاست‌های بانک مرکزی بتواند به مهار انتظارات شکل دهد و به عرضه و تقاضای ارز انسجام دهد، عرضه ارز را به صورت متشکل افزایش دهد و تقاضای سفته‌بازی در بازار ارز را مهار کند، توفیق نسبی در این اقدامات می‌تواند به انتظارات خوش‌بینانه‌تر منجر شود تا تقاضای واقعی برای ارز کاهش پیدا کند. اکنون بخشی از این سیاست‌ها به تقویت عرضه ارز کمک کرده، اما تأثیر مهم این اقدامات این است که می‌توانیم انتظار ثبات را به بازار تزریق کنیم و این انتظار تأثیر بیشتری در شرایط بحرانی دارد.

بافریور: یک بخش از انتظارات، ثبات در کشور است و بخش دیگر به شوک‌های سیاسی و تحریم‌ها



مربوط می‌شود، بانک مرکزی شاید بتواند نرخ ارز را تثبیت کند، ولی به محض اینکه شوک‌های سیاسی و خارجی در اقتصاد روی دهد، عاملی برای تشدید انتظارات تورمی فعال می‌شود، هر چند که در اقتصاد بتوانیم ملاحظات و انتظارات تورمی را کنترل کنیم، با این حال موضوع کنترل خروج سرمایه بسیار مهم است.

با توجه به اینکه در شرایط تحریم قرار داریم، به نظر شما سیاست بانک مرکزی در خصوص تثبیت ارزی مناسب بوده و آیا عملاً امکان تک‌نرخ کردن ارز در این شرایط وجود دارد؟

بافریور: در رابطه با تک‌نرخ کردن ارز باید بین بازسازی و رهاسازی تفاوت قائل شویم، بازسازی نمی‌توانیم مشکلات اقتصاد را حل کنیم تا زمانی که بازسازی در اقتصاد صورت نگیرد. در اقتصاد ایران مکانیسم بازار فعال نیست، زیرا ارزآوری نفتی تنها مجاری عرضه ارز در کشور را تشکیل می‌دهد که سهم حدود ۷۰ تا ۸۰ درصدی از ارزآوری ایران را دارد، از طرفی صادرات غیرنفتی نیز مشتمل بر میعانات گازی



در رابطه با تک
نرخ کردن
ارز باید بین
بازارسازی و
رهاسازی تفاوت
قائل شویم
بارها سازی
نمی توانیم
مشکلات
اقتصاد را حل
کنیم، تا زمانی
که بازارسازی در
اقتصاد صورت
نگیرد

و پتروشیمی است. براین اساس، عوامل فراوان
برای تعیین بازار و شکل گیری یکسان سازی ارز از
سمت عرضه ارز فراهم نیست، از طرفی عوامل
فراوانی شامل تقاضای معاملاتی و تقاضای
سوداگری در سمت تقاضا وجود دارد.

از دهه ۵۰ به بعد یا با کمبود ارز یا با مازاد ارز
مواجه هستیم، در دوره مازاد ارزآوری نرخ ارز
نوسانی نداشت و تا حدودی ثابت بوده است،
اما به محض اینکه اقتصاد با کمبود ارز مواجه
شد، نرخ های غیرواقعی به وجود آمدند و خرید
و فروش ارز توسط شرکت ها، بانک ها و حتی
مردم آغاز شد. اکنون در شرایطی هستیم که
فضای بازارسازی در اقتصاد ایران فراهم نیست،
در کشورهای پیشرفته با افزایش نرخ ارز، کیفیت
کالاها و صادرات رشد می کند تا از جهش های
نوسانات نرخ ارز جلوگیری شود.

اما این اتفاقات در اقتصاد ایران صادق نیست
و با افزایش نرخ ارز، تنها صادرات بخشی از
محصولات غیرنفتی که مشتمل بر نفت و
میعانات گازی هستند، رشد می کند، از سوی
دیگر با وجود افزایش نرخ ارز رشد سرمایه گذاری
در اقتصاد ایران منفی است و رشد اقتصادی در
یک دهه گذشته مناسب نیست که در این میان
موضوع خروج سرمایه از کشور و تحویل ندادن
ارز حاصل از صادرات توسط صادرکنندگان نیز
مطرح است.

عرضه ارز به صورت سهمیه ای نیز سیاستی نیست
که به اقتصاد ثبات ببخشد و یکسان سازی نرخ
ارز در شرایط فعلی تنها رهاسازی قیمت است
که هر قیمتی را می توان متصور بود و خطر جهش
ارزی را پیش رودارد.

اکنون درآمدهای آحاد جامعه متناسب با تورم
افزایش پیدا نکرده که باعث برهم خوردن
ساختار اقتصاد شود، در این شرایط تا زمانی
که به تمام بخش های اقتصاد ثبات بازگردد،
چاره ای به جز مدیریت ارزی نداریم تا از نواحی
مختلف ارزآوری داشته باشیم.



مولایی: هر نوع مدیریتی که
بانک مرکزی اعمال کند باید
چند هدف را در نظر بگیرد،
اول اینکه باید با تمام توان و هر

ابزاری که دارد ثبات را برقرار و از شوک های
دفعی در بازار ارز جلوگیری کند، از طرفی،
جریان سرمایه را تا حد ممکن کنترل کند تا
تقاضای اضافی در بازار ارز شکل نگیرد و با
بازگشت ارز صادراتی بتوان آثار منفی تورم را
خنثی کرد. نیازی به در نظر گرفتن یک نرخ ارز
ثابت در بلندمدت نیست، اینکه ثبات در بازار ارز
داشته باشیم با اینکه بروی یک نرخ ارز پافشاری
کنیم که بر بنیان های اقتصادی ایران سازگار
نیست، متفاوت است.

نکته دوم اینکه بانک مرکزی تا حد ممکن
بتواند آثار منفی مانند آثار تورمی را در اقتصاد
مدیریت کند، از طرفی دولت نیز باید دو موضوع
یعنی اینکه ارز به چه نرخی فروخته شود و به
چه کالاهایی اختصاص پیدا کند را مدیریت
کند، تخصیص ارز برای کالاهای اساسی و دارو
واجب است و دولت باید تمام توان خود را برای
تخصیص این ارز بگذارد، تخصیص ارز برای دارو
اهمیت زیاد و نگاه اجتماعی و امنیتی دارد.

اینکه دولت در بخش های دیگر اقتصادی یارانه
بدهد یا ندهد و نرخ ارز ترجیحی باشد یا خیر،
به بودجه کشور مربوط می شود و دولت باید به
تأثیرات ارز ترجیحی در بودجه و اقتصاد کشور
توجه کند.

بانک مرکزی برای کاهش نرخ تورم از طریق نرخ
ارز، تنها دوره دارد. اول اینکه در بازار ذخایر ارزی
را عرضه کند و نرخ را کاهش دهد و دوم تقاضای
ارز را مدیریت کند و به هر بخشی متناسب با نیاز،
ارز تخصیص دهد که در این زمینه هزینه های
تخصیص ارز ترجیحی باید در نظر گرفته شود که
آسیب به بخش های دیگر اقتصاد نرسد.

در شرایط بحران و کمبود ارز نیاز است که با
کمترین هزینه، ارز به بخشی اختصاص پیدا کند

بـرش



چاره ای به جز مدیریت ارزی نداریم

اکنون درآمدهای آحاد جامعه متناسب با تورم افزایش پیدا نکرده که باعث برهم خوردن
ساختار اقتصاد و رشد اقتصادی شود، در این شرایط تا زمانی که به تمام بخش های اقتصاد
ثبات بازگردد، چاره ای به جز مدیریت ارزی نداریم تا از نواحی مختلف ارزآوری داشته
باشیم.



که بتوان به بهترین شکل ممکن و با کمترین هزینه از آن استفاده کرد. دولت دوره دارد، اول اینکه با تمام توان، ارز حاصل از صادرات را با نرخ مشخص وارد بازار ارز کند تا مبنایی برای تک نرخی کردن ارز باشد، دوم اینکه دولت کارایی اقتصادی را در نظر نگیرد و در این بخش باید هزینه-فایده در نظر بگیرد.

وقتی نظام ترجیحی اجرایی می شود و حجم زیادی از ارز به یک واردکننده تخصیص پیدا می کند، رانت شکل می گیرد که باید بررسی شود آیا آسیب اجتناب ناپذیر تخصیص است یا می توان از آن جلوگیری کرد؟ اگر آسیب سیستماتیک نیست و می توان بدون رانت ارزی به روند نظام ترجیحی ادامه داد، پس می توان با کمترین هزینه تخصیص ارز ادامه پیدا کند که در شرایط بحران ارزی و میسر نبودن تک نرخی کردن برای ارز، بهترین تصمیم گرفته شده و از منابع محدود به بهترین صورت استفاده شده است. در این میان باید آسیب های احتمالی به بودجه کشور نیز در نظر گرفته شود، چرا که دولت ارز را گران می خرد و ارزان می فروشد و با بودجه به جامعه بارانه می دهد که اگر منجر به تورم شود به قشر آسیب پذیر، آسیب دیگری وارد می شود و برای این افراد منفعتی ندارد.

تصمیم گیری در این زمینه به هزینه ها و منافع بستگی دارد و نمی توان به سادگی از سیاستی دفاع کرد، در طیفی از حالات مختلف تصمیم گیری می شود که باید هزینه ها و منافع هر یک را در نظر گرفت و به سادگی نمی توان یک عقیده را بر عقیده دیگر ترجیح داد و برای تک نرخی شدن ارز باید هزینه-فایده شود.



باقرپور: وقتی می گوئیم تورم نامتناسب عمل می کند هم توزیع درآمد و هم تخصیص منابع را برهم می زند و در این شرایط اقتصاد با تعدادی بازنده و برنده مواجه می شود. در این شرایط اقتصاد ایران، نرخ های بالای ارز متناسب با برندگان بازار است که سرمایه دار هستند و بهره مندی که این افراد از اقتصاد می برند، بیشتر از اقشار آسیب پذیر جامعه و تولیدکنندگان است.

مدیریت ارزی به معنای واقعی کلمه باید صورت بگیرد تا از فساد، رانت و قاچاق جلوگیری شود، اما با دستکاری قیمت ها، این موارد حذف نمی شود و هزینه های آن به بخش مولد جامعه و اقشار آسیب پذیر تحمیل می شود و برای افراد سرمایه دار هزینه ای ندارد. بانک مرکزی باید به موضوعات جلوگیری از خروج سرمایه، الزام به بازگشت ارز، حذف برخی از معافیت ها برای صادرکنندگان، تخصیص ارز بر مبنای اولویت نیازها و اینکه به غیر از اهداف معاملاتی هیچ ارزی از سمت بانک مرکزی داده نشود و اهتمام تولید داخلی، توجه ویژه کند. باید بتوانیم با هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولیدکننده ها، کاهش هزینه های تولید و کشف بازارهای نزدیک برای صادرات، وضعیت تولید داخلی را بهبود دهیم و به سمت بازاریابی در میان مدت و بلندمدت حرکت کنیم. از طرفی باید بودجه ارزی و ریالی کشور را تفکیک کنیم که اگر این اتفاقات روی دهد می توان از نوسانات شدید و بی ثباتی در اقتصاد کشور جلوگیری کرد تا انتظارات تورمی و شرایط سرمایه گذاری به ثبات نسبی برسد و مهار تورم و افزایش تولید را محقق کنیم.

رسانه‌ها انتظارات در جامعه را مدیریت می‌کنند

- اراده رییس کل بانک مرکزی برای تفکیک بانک‌ها براساس نوع فعالیت را به فال نیک می‌گیریم
- اگر قرار است شعار سال، یعنی رشد اقتصادی و کنترل تورم توسط شبکه بانکی محقق شود، از محل مسکن و ساخت و ساز خواهد بود
- کنترل ترانزنامه بانک‌ها در کوتاه مدت خوب است و یکی از سیاست‌هایی بوده که به فوریت اثر خود را در اقتصاد نشان داد
- آثار مثبت سیاست کنترل ترانزنامه در اقتصاد نمایان شد

دکتر سیدعباس حسینی

مدیرعامل بانک مسکن



دارند که این اتفاق بیفتد، این است که بین بانک‌های تخصصی، جامع، عمومی، توسعه‌ای و قرض‌الحسنه تفکیک قائل شویم و مجموعه مقرراتی متناسب با هر کدام از آنها تعریف کنیم که در گذشته نبوده است. خلاء این موضوع قبل از حضور آقای فرزین کاملاً مشهود بود و در آن زمان به دفعات مطرح می‌کردیم که چرا بخشنامه واحد برای همه بانک‌ها باید ابلاغ شود؟ چرا سپرده قانونی بانک توسعه‌ای دولتی که در مناطق محروم با ریسک بالا سرمایه‌گذاری می‌کند، مانند بانک تجاری که بیشتر در تهران است، باید ۱۰ درصد باشد؟ پس تفاوت‌ها در کجاست، در حالی که موضوع فعالیت یکی توسعه‌ای و دیگری تخصصی است. در کدام دسته از مجموعه ابلاغ‌ها، قوانین و مقررات و بخشنامه‌های بانک مرکزی برای این تخصص‌ها، توسعه‌ای یا قرض‌الحسنه بودن تفاوت قائل هستند. قطع به یقین اگر بتوانیم اینها را تبدیل به مجموعه‌ای از بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات کنیم که متناسب با موضوع فعالیت این دسته از بانک‌ها باشد، اتفاق بزرگی در نظام بانکی کشور رخ می‌دهد. در

در ابتدا باید بگویم کاری که مجموعه موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز در تبیین و ادامه گفت‌وگو با رییس کل بانک مرکزی انجام داده، بسیار حائز اهمیت است و امروز می‌توانیم آرامش را در چهره رئیس کل، ارکان مدیریتی و تصمیم‌گیری و هیات عامل بانک مرکزی ببینیم.

چون خودم یک مدیر اجرایی هستم کاملاً حس می‌کنم چقدر مجموعه موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد و خبرگزاری ایپنا کار ارزشمندی انجام داده‌اند که توانسته‌اند در تصمیمات مدیران ارشد کشور در مقوله‌های بسیار مهمی مثل تورم، ارز و انتظارات ورود کنند، مسائل را تبیین و فضای صحبت و همراهی عمومی ایجاد کنند و این همراهی عمومی را ارتقاء دهد. بدون شک در اینجا می‌توان اذعان کرد رسانه‌ها می‌توانند انتظارات را مدیریت کنند. اتفاقی که همین الان در حال رخ دادن است. از جمله مشکلاتی که در نظام بانکی داریم که الحمدلله آقای فرزین به آن توجه کرده و تاکید



صحبت‌های مختلفی که در بانک مرکزی، به ویژه رئیس کل بانک مرکزی می‌کنند، این اراده وجود دارد که آن را به فال نیک می‌گیریم.

قانون جهش تولید، نه از منظر فقط یک قانون، بلکه با توجه به نیاز جامعه به مسکن مهم است. هم در قانون اساسی تاکید شده و هم شعار دولت است و افزایش نرخ‌ها دغدغه خانواده‌هاست که ضرورت دارد این افزایش نرخ‌ها متوقف شود. در بانک مسکن اعتقاد داریم اگر شعار امسال که رشد اقتصادی و کنترل تورم است را در نظر بگیریم، آن بخشی که مربوط به شبکه بانکی است، در حیطه مسکن و ساخت و ساز شکل می‌گیرد. وقتی تحولات تورمی را بررسی می‌کنیم، حدود ۳۰ درصد تغییرات تورم از نرخ اجاره و افزایش هزینه مسکن و ساخت و ساز اثر می‌گیرد که اگر بتوانیم با افزایش ساخت و ساز و عرضه مسکن آن را کنترل و یا کاهش دهیم، به شدت بر کنترل تورم تاثیر خواهد داشت و آن کنترل تورمی که حضرت آقا بر آن تاکید داشتند نیز اتفاق می‌افتد. در رشد اقتصادی هم مسکن پیشران اقتصاد دنیاست و تمام کشورهای دنیا برای توسعه از مسکن شروع کرده‌اند. مسکن کماکان به عنوان یک پیشران حرکت می‌کند و ده‌ها و صدها شغل و صنایع را با خود به حرکت در می‌آورد. از مزیت‌های نهضت ملی مسکن، پراکندگی آن در سطح کشور است به نحوی که وقتی پالایشگاه یا پتروشیمی ... ساخته می‌شود، فقط یک منطقه و صنعت رشد می‌کند، اما نهضت ملی مسکن در سراسر کشور و شهرستان‌ها حرکت، کوشش، زندگی و توسعه ایجاد می‌کند.

در عین حال، تفاوت نهضت ملی مسکن با مسکن مهر در این است که مسکن مهر با کمک خط اعتباری بانک مرکزی اتفاق افتاد و بانک مرکزی ۵۲ همت به بانک مسکن با نرخ‌های دو درصد و ترجیحی اختصاص داد تا بتواند این کار را جلو ببرد، اما در نهضت ملی مسکن همه بانک‌ها باید ورود کنند. مانده منابع بانک مسکن در این ۸۵ سال فعالیت، ۲۵۰ همت است. از سویی، بانک مسکن ۴ درصد سپرده‌های بانکی را در اختیار دارد، اما این افتخار را دارد که در دوره فعالیت دولت سیزدهم، برای حدود ۳۱۵ هزار واحد قرارداد تعهد تامین مالی ایجاد کرده است که ۱۷۰ تا ۱۷۵ هزار میلیارد تومان می‌شود. ما در بانک مسکن توانستیم ۷۵ هزار میلیارد تومان پرداخت کنیم که روی نقدینگی بانک تاثیر گذاشته و ناترازی بانک را تشدید کرده که منجر به اضافه برداشت از بانک مرکزی شد، اما چون در جریان تامین مالی نهضت ملی مسکن است

که می‌تواند رشد اقتصادی را به همراه بیاورد، کار انجام شده و بانک مرکزی هم همراهی لازم را با ما دارد که بتوانیم نهضت را به جایی برسانیم.

جلسات متعددی در شورای عالی مسکن با حضور رئیس جمهور برگزار شده و دولت تاکید دارد که همه بانک‌ها تکالیف قانونی خود را انجام دهند. بانک مسکن به تنهایی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد تامین مالی کل پروژه‌های نهضت ملی مسکن را انجام می‌دهد و بقیه شبکه بانکی، باقی مانده را انجام خواهند داد.

سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها در کوتاه مدت خوب است. اقتصاد که بزرگ می‌شود تامین مالی آن هم باید بزرگ شود. در دنیا نظام تامین مالی از چند محل بیشتر نیست. یا صندوق‌های باننشستگی تامین مالی می‌کنند و یا از طریق بیمه‌ها صورت می‌گیرد که البته با وجود تمام تلاش‌هایی که صنعت بیمه انجام می‌دهد، کمتر طرح‌ها و پروژه‌های ملی بزرگی را شاهدیم که توسط صنعت بیمه تامین مالی شود.

همچنین تامین مالی بازار سرمایه را داریم که به دلیل اتفاقاتی که سال‌های گذشته افتاده و عدم اطمینانی که بر آن حاکم است و ریسک زیادی دارد، تمایل مردم به آن کم شده است. بنابراین تنها محلی که برای تامین مالی می‌ماند بانک‌هاست، در جایی که بانک‌ها محوری‌ترین نقش را برای تامین مالی دارند، در قالب‌های مختلف از جمله تسهیلات تکلیفی یا تامین نیازهای جامعه، به بانک‌ها فشار وارد می‌شود.

بنابراین از یک طرف تقاضای متعددی از تامین مالی در شبکه بانکی وجود دارد و از طرف دیگر سیاست این است که پایه پولی را پایین بیاوریم، گردش نقدینگی را کنترل کنیم تا تورم نیز کاهش یابد. به نظر می‌رسد بانک مرکزی در این مقطع از زمان و با اتخاذ این دست از سیاست‌ها، تلاش کرده اثر بانک‌ها را در افزایش پایه پولی کشور مدیریت و به چارچوبی که مدنظر است هدایت کند. اگر سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها را با تاکید بر هدایت نقدینگی و منابع به سمت بخش‌های درست اقتصادی در نظر بگیریم، ارزشمند و موثر بوده و تاثیر آن را هم مشاهده می‌کنیم. در واقع یکی از سیاست‌هایی بوده که به فوریت اثر خود را در اقتصاد نشان داده است. این اقدامات نشان می‌دهد که بانک مرکزی قصد داشت یک حرکت سرعتی و ضربتی برای کنترل رشد پایه پولی انجام دهد. البته اینکه انتظار داشته باشیم شبکه بانکی به تنهایی مشکلات را حل کند امکان‌پذیر نیست، بخش‌های دیگر اقتصاد مانند بازار سرمایه، باید بتوانند بازار پول را تکمیل کنند.

حدود ۳۰ درصد
تورم در افزایش
نرخ اجاره خانه
و افزایش نرخ
مسکن و ساخت
و ساز است که
اگر بتوانیم با
افزایش عرضه
آن را کنترل
کنیم، به شدت
بر تورم تاثیر
می‌گذارد



تدوین برنامه زمانبندی اصلاح ناترازی بانکها

- بخش جدی افزایش اضافه برداشت در سال های گذشته عمدتاً در بانک های ناسالم اتفاق افتاده است
- یک بانک بی کیفیت و بد می تواند منجر به بی اعتمادی جدی برای تمامی شبکه بانکی شود و ریسک سیستماتیک به وجود آورد
- مواجهه بانک مرکزی با بانک های ناسالم، در نهایت منجر به این می شود که اضافه برداشت ها کاهش پیدا کند

محمد قزلباش

مدیر توسعه و مطالعات اقتصادی مرکز مبادله ایران



جدی به وجود آورد، فعالیت هایشان را کنترل و کارهای زیرخط ترازنامه را در موارد زیادی ممنوع کرد. در این میان برخی دیگر از بانک ها که فعالیت مناسبی دارند و طبق ساختار عملکردی مناسب پیش می روند، محدودیتی برای آنها در نظر گرفته نمی شود. این نوع برخورد نهاد سیاست گذار، به نوعی ایجاد تمایز بین یک بازیگر یا یک بانک خوب و یک بازیگر یا یک بانک بد است که در نهایت برای اینکه همه فعالیت های مثبتی را در برنامه داشته باشند، ایجاد انگیزه می کند.

بانک به لحاظ عملکردی باید نقش خود را به عنوان واسطه گر وجوه، واسطه گر ریسک و واسطه گر سررسید رعایت کند. در کشور ما بانک ها نمی توانند این نقش را رعایت کنند و یا توانایی پیش بردن هر سه را با هم ندارند. منشاء ایجاد ناترازی باید به طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد، زیرا ریشه تخلف بانک ها در این خصوص بایکدیگر تفاوت دارد. برای مثال یکی از دلایلی که بانک ها وارد شرایط ناترازی می شوند، سرمایه گذاری در املاک و مستغلات است. یک بانک امکان دارد به دلیل حجم مطالبات

سیاست گذار پولی در تمام دنیا که نهاد بانک مرکزی آن کشور به حساب می آید، با ابزارهای در اختیار، تلاش می کند، میان امکان دهی به بازیگران مختلف، تمایز قائل شود. به عبارتی نباید همه استانداردها برای تمامی شبکه بانکی یکسان باشد.

وقتی اقتصادهای مختلف را مورد بررسی قرار می دهیم، هم بانک هایی با عملکرد خیلی مثبت وجود دارد و هم بانک هایی هستند که به علت وضعیت گذشته شان و یا چالش هایی که درون ساختار فعلی موجود است، فعالیت های نادرستی را انجام می دهند که در نهایت منجر به تشدید ناترازی می شود.

یکی از ابزارهایی که بانک مرکزی می تواند با آن بین بانک ها تمایز به وجود آورد و بانک هایی که دچار ناترازی هستند را تراز کند، کنترل های ترازنامه ای است. بدین صورت که می توان برای برخی از بانک های بد و گروهی که دارای مشکلات و چالش های عملکردی هستند، محدودیت های



زمانی که
برنامه‌های
رفع ناترازی به
نتیجه مناسب
منتج نمی‌شود
باید به سمت
ادغام یا انحلال
مؤسسات
اعتباری حرکت
کرد

مشاهده شد. به عبارتی، در صورتی که بانکی فاقد عملکرد مطلوب باشد و حرکت آن به سمت سالم شدن موثر واقع نشود، تنها راهکار موجود، ادغام آن با یک بانک بزرگ تر است تا بتواند با کمک فرایندهای خود به نوعی چالش‌های موسسه کوچک را حل کند.

مسئله بسیار جدی در این زمینه، لزوم سریع انجام دادن این فرایندها است، زیرا یک بانک بی‌کیفیت و بد می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی جدی برای تمامی شبکه بانکی شود و ریسک سیستماتیک به وجود آورد و حتی در موارد بحرانی Bank panic و Bank run ایجاد کند و در نتیجه حجم بالای سپرده‌های بانکی ظرف چند روز از شبکه بانکی خارج و در بازار دارایی‌های مالی گردش می‌کند و به طور کلی فضای اقتصاد کلان ملتهب می‌شود.

بنابراین سیاست‌گذار پولی خیلی سریع و دقیق در ارتباط با این نوع از مؤسسات باید تصمیم گرفته شده را به اجرا درآورد و احتمالاً وقتی فعالان اقتصادی و بانک‌ها با این قاطعیت بانک مرکزی در ارتباط با تصمیم‌گیری درباره مؤسسات و بانک‌های بد و ناسالم مواجه می‌شوند، رفتارشان را اصلاح می‌کنند تا به چنین چالش‌های جدی مبتلا نشوند، مردم هم مطمئن خواهند شد که سیاست‌گذار پولی ناظر بر وضعیت شبکه بانکی است. در سال‌های گذشته مشاهده شده که بخش جدی افزایش اضافه برداشت، عمدتاً در بانک‌های ناسالم اتفاق افتاده، بانک وقتی نمی‌تواند فعالیت‌های خود را به درستی پیش ببرد، در نهایت در بازه‌های زمانی متمادی دچار اضافه برداشت می‌شود.

مواجهه بانک مرکزی با بانک‌های ناسالم در نهایت منجر به این می‌شود که اضافه برداشت‌ها کاهش پیدا کند و دیگر شاهد آن نباشیم. از طرفی وقتی رشد پایه پولی کنترل شود، در بلندمدت شاهد کنترل نوسانات نرخ تورم و کاهش پایدار تورم هم خواهیم بود.

معوق دچار ناترازی شود و بانک دیگر که البته در موارد نادر هم پیش می‌آید، در اثر وجود هزینه‌های عمومی و اداری بالا به این مشکل مبتلا شود. به همین دلایل، اولین گام، شناسایی منشأ ناترازی است. نکته دومی هم که بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاست‌گذار با همکاری مدیران و مجموعه هیأت مدیره بانک، باید درباره آن دست به تلاش بزند، تدوین یک برنامه برای گذار از شرایط ناترازی به وضعیت سالم است. این برنامه احتمال دارد از بازه زمانی یک ساله شروع و تا بازه زمانی ۱۰ ساله برای بعضی از بانک‌ها ادامه پیدا کند.

در طول این برنامه، یک سری اقدامات مبنی بر اینکه منشأ ناترازی پیدا و به نوعی با آن برخورد شود و بانک به سمت وضعیت سالم سوق پیدا کند، انجام خواهد شد. برای مثال بانکی که علت شرایط ناترازی‌اش حجم بالای مطالبات معوق، است به لحاظ عملیاتی و عملکرد مشکل دارد، از حیث بخشنامه‌ها، نحوه تسهیلات دهی، دریافت وثایق و ضمانت‌ها و رصد ریسک اعتباری دچار مشکل بوده، بنابراین باید به سراغ این موضوع برود که کم‌کم نظام نامه اعتبار دهی، شرکت‌هایی که با آنها کار می‌کند را تغییر دهد و بر همکاری با بانک مرکزی بیفزاید. همچنین برنامه‌ای برای وصول مطالبات معوق را پیگیری و مشکلی که باعث ایجاد ناترازی می‌شود را متوقف کند. به این معنا، در صورتی که بانک از محل شرکت‌های یک صنعت خاص ناتراز شده که سطح بالایی از مطالبات معوق را دارد و تسهیلات دهی به آن اتفاق افتاده، آن بانک باید این تسهیلات دهی را ممنوع اعلام کند. این کار منجر به آن خواهد شد که حجم مطالبات معوق در همان سطح باقی بماند و برای خروج از این وضعیت، برنامه‌های مورد اشاره را باید در دستور کار قرار دهد.

زمانی که برنامه‌های رفع ناترازی به نتیجه مناسب منتج نمی‌شود، باید به سمت ادغام یا انحلال مؤسسات اعتباری حرکت کرد که یک نمونه آن در هفته‌های اخیر درباره موسسه اعتباری نور

دستگاه‌های
مختلف باید
از برنامه بانک
مرکزی برای
ثبات بازار ارز
حمایت کنند
تا تأمین ارز از
مسیر بانک
مرکزی صورت
بگیرد و بازارهای
غیررسمی بر
قیمت‌سازی
بر ارز تسلط
نداشته باشند

سیاست تثبیت را با سرکوب نرخ ارز مقایسه نکنیم

دکتر حسین درودیان

اقتصاددان



به صورت ترجیحی و در نرخ‌های پایین‌تر از بازار آزاد تخصیص دهد، نتیجه این می‌شود که منابع ارزی را از دست خواهد داد، وقتی منابع ارزی را از دست بدهیم ارزی باقی نمی‌ماند که بخواهیم هدف تثبیت قیمت بازار آزاد را محقق کنیم. قیمت‌گذاری ارز زیر قیمت بازار، به طور معناداری با موضوع تثبیت منافات دارد. تثبیت به معنی ثبات بخشی و نه ثابت نگه داشتن، نیازمند این است که سیاست‌گذار در مواقعی که می‌تواند ارز را خریداری و آن منابع را در مواقعی که بازار نیاز دارد تزریق کند. تزریق یک طرفه ارز و قیمت‌گذاری موجب می‌شود به صورت دائم ارز را با قیمت پایین تزریق کنید البته این اقدام هم تا یک جایی، زمانی و دوره‌ای امکان اجرا دارد و زمانی که منابع تمام شد نمی‌توان این کار را انجام داد. هدف صندوق تثبیت ایجاب می‌کند که منابع ارزی پایداری داشته باشیم، پایداری در منابع ارزی نیازمند ثبات و تشکیل صندوق تثبیت است و این موضوع با ارزان‌فروشی ارز در منافات است.

برای مدیریت بازار ارز و ایجاد منابع پایدار ارزی در صندوقی مانند صندوق تثبیت ارز، بانک مرکزی باید بر تمام منابع ارزی نظارت و دسترسی داشته باشد تا ارز مازاد را در صندوق ذخیره کند. البته دستگاه‌های مختلف باید برنامه بانک مرکزی برای ثبات بازار ارز را حمایت کنند تا تأمین ارز از مسیر بانک مرکزی صورت بگیرد و بازارهای غیررسمی بر قیمت‌سازی در ارز تسلط نداشته باشند.

در واقع نباید فکر کنیم ایجاد صندوق تثبیت به این معنی است که هروقت خواستیم ارز را با قیمت ارزان تقاضا کنیم، منابع این صندوق برای ایجاد آرامش در بازار در مواقع تنش ارزی است. در این مواقع مجری سیاست‌گذار، با استفاده از ارزهای ذخیره شده، ثبات را در بازار برقرار می‌کند و مانع از آن می‌شود که بازار ارز برای مدت طولانی دچار التهاب شود. صندوق تثبیت شوک‌های ارزی را کنترل خواهد کرد.

تثبیت ارز موضوع مهمی است، چون نرخ ارز اثر پررنگ و مستقیمی بر انتظارات عمومی حاکم بر کشور، سطح قیمت‌ها و فضای کلی اقتصاد دارد، ثبات داشتن ارز از یک طرف جلوی جهش‌های ناگهانی، دفعی و شدید ارز را می‌گیرد و از طرف دیگر به سیاق برخی سال‌ها اجازه نداد به وجود تورم، نرخ ارز برای مدت طولانی تثبیت شود.

با توجه به شرایط کنونی اقتصاد، تحریم و تنش ارزی، اکنون به هیچ وجه مسئله ثابت نگه داشتن قیمت ارز مطرح نیست، مسئله ما جلوگیری از جهش‌های شدید نرخ ارز است. در حال حاضر، بانک مرکزی قیمت ارز را سرکوب نمی‌کند، اما از آن طرف نرخ بازار را هم رها نکرده تا دوباره شاهد جهش قیمت ارز باشیم، هدف باید مدیریت رفتارهای نرخ ارز در بازار آزاد باشد.

سیاست تثبیت بانک مرکزی را نمی‌توان با سرکوب نرخ مقایسه کرد. زمانی می‌توان ادعای سرکوب نرخ ارز داشت که چند سال متوالی نرخ ارز ثابت باشد، اما در مقابل قیمت کالاها و نرخ رشد نقدینگی و تورم مداوم افزایشی باشد. اما از زمان اجرای برنامه تثبیت نرخ ارز، جهش تورم یا رشد نقدینگی نداشتیم.

از آنسو، هدف کلی ثبات بخشی و ایجاد صندوق تثبیت ارز، هدف موجهی است. برای اینکه هدف ثبات بخشی در بازار ارز اتفاق بیفتد بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار ناچار است در قالب صندوق تثبیت یا هر برنامه دیگری، منابع ارزی خوبی در اختیار داشته باشد تا در مواقعی در مقابل جهش قیمت ارز بایستد.

برای اینکه بانک مرکزی منابع ارزی خوبی در اختیار داشته باشد، لازم است نرخ ارز آزاد را به رسمیت بشناسد و هدف ثبات بخشی را نرخ ارز بازار آزاد قرار دهد. توجه به نرخ ارز بازار آزاد به این دلیل است که اگر بانک مرکزی بخواهد ارز را

محمد علی دهقان دهنوی، رئیس سابق سازمان بورس و اوراق بهادار
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

پیامدهای مثبت کاهش رشد نقدینگی سال آینده نمایان می‌شود

- سیاست تثبیت اقتصادی بانک مرکزی باید با اصلاحاتی در سایر بخش‌ها و ارگان‌ها همراه شود تا بتوانیم مشکل بی‌ثباتی اقتصادی را ریشه‌ای حل کنیم
- در اقتصاد دولتی ایران، بانک مرکزی باید به عنوان بازارساز در بازار ارز مداخله کند
- فاز دوم سیاست تثبیت اقتصادی باره اندازی صندوق تثبیت ارز همراه خواهد بود



خوشبختانه از یکسال گذشته آرامش خاصی بر بازارهای مختلف حاکم شده و ثبات اقتصادی در کشور ایجاد و انتظارات تورمی تعدیل شده است

یک سالی است که مدیریت ساختمان شیشه‌ای میرداماد به دست محمد رضا فرین سپرده شده است. رئیس کل جدید بانک مرکزی از همان روزهای ابتدایی، زیربنای سیاست‌های ارزی خود را مبتنی بر سیاست تثبیت یا ثبات بخشی عنوان کرد و در مصاحبه‌های مختلف ایجاد ثبات را حلقه مفقوده اقتصاد ایران خواند. مشخصاً مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی، کنترل نرخ تورم و مدیریت بازار ارز است و تثبیت ارز علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی کشور محسوب می‌شود، تأثیر بسزایی بر معیشت و سفره مردم دارد.

لازم به ذکر است که یکی از ابزارهای مهم کنترل تورم، مدیریت نرخ ارز است، چرا که در اقتصادی مانند اقتصاد ایران که طی دهه‌ها وابستگی زیادی به دلار پیدا کرده است و بسیاری از کالاها بر اساس نرخ ارز قیمت گذاری می‌شوند، افزایش نرخ ارز تأثیر به افزایش قیمت کالاها و تورم منجر می‌شود. بانک مرکزی توانسته با اعمال سیاست تثبیت، بالاخره پس از التهابات سنگینی که نرخ ارز غیررسمی در سال‌های گذشته تجربه کرده است، ترمز رشد پُرشتاب نرخ ارز را بکشد و آن را در روندی با ثبات قرار دهد. در همین خصوص، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با محمد علی دهقان دهنوی، رئیس سابق سازمان بورس و اوراق بهادار و معاون اسبق وزیر امور اقتصادی و دارایی گفتگویی را انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

سیاست تثبیت اقتصادی از اواخر سال گذشته توسط بانک مرکزی اجرایی شده است. دیدگاه شما نسبت به این سیاست و کارکرد آن چیست؟

در چند سال اخیر بی‌ثباتی‌های زیادی را در اقتصاد کلان کشور شاهد بوده‌ایم که هم با تغییرات نرخ ارز و هم نرخ رشد نقدینگی با عده‌های بالا مواجه بوده است و این موضوع چهار تا پنج سال تأثیر خود را بر اقتصاد ایران گذاشت و در سه سال اخیر وضعیت وخیم‌تری نشان داده است.

خوشبختانه اما از یکسال گذشته، آرامش خاصی بر بازارهای مختلف حاکم شده و ثبات اقتصادی در کشور ایجاد و انتظارات تورمی تعدیل شده است و با افزایش قیمت‌های خارق‌العاده‌ای روبرو نبوده‌ایم. قاعدتاً کاری که بانک مرکزی انجام داده از جهت اینکه یک آرامشی را ایجاد کرده، کمک زیادی به اقتصاد کشور خواهد کرد. به طوری که فعالان اقتصادی با چشم‌اندازی که نسبت به متغیرهای کلان دارند، احساس آرامش داشته و چون انتظار می‌رود با

تغییرات مداوم روبرو نشوند، این امر منجر به این می‌شود که بتوانند در برنامه‌ریزی اقتصادی خودشان و در نقشه‌هایی که برای توسعه کسب و کار خود دارند یا برنامه‌های که برای خرید، فروش و سرمایه‌گذاری دارند، با اطمینان بیشتری عمل کنند که همین امر می‌تواند به اقتصاد کشور مان‌کمک کند.

البته باید ببینیم این سیاست چقدر می‌تواند امتداد و استمرار داشته باشد، آن چیزی که به موفقیت یک سیاست تثبیت اقتصادی کمک می‌کند این است که بتواند حداقل برای چند سال، با چنین روندی به مسیر خود ادامه بدهد. در یک سال گذشته، بانک مرکزی توانسته نوسانات نرخ ارز را مهار کند، به طوری که نرخ ارز در بازار آزاد و بازارهایی که خود برای برخی از مصارف شکل داده بود، کنترل شده است.

با این حال ریشه و پایه این تغییرات نرخ ارز در گسترش حجم پول است، برای رشد نقدینگی هم بانک مرکزی موفق بوده است، هر چند نمی‌توانیم بگوییم رشد نقدینگی ۲۵ تا ۳۰ درصد نرخ کمی است، ولی نسبت به چیزی که در چند سال گذشته رخ داده، طبیعتاً نرخ رشد کمتری است ولی آمارها گویای آن است که در رشد پایه پولی چنین موفقیت‌هایی حاصل نشده است که ریشه این امر در ناترازی است که از کسری بودجه دولت می‌آید. یعنی ریشه مشکل به عنوان کسری بودجه دولت کماکان وجود دارد و تا زمانی که این موضوع حل نشود ما به کمک سیاست تثبیت اقتصادی مشکل را به تعویق می‌اندازیم، نه اینکه مشکل را حل کنیم.

به همین دلیل معتقدم که سیاست تثبیت اقتصادی بانک مرکزی باید با اصلاحاتی در همه بخش‌ها همراه شود و یک هماهنگی در اصلاحات اقتصادی مورد نیاز است تا بتوانیم ریشه مشکل بی‌ثبات سازی را حل کنیم و اتفاقاً حتی این هماهنگی هم صرفاً در حوزه سیاست گذاری اقتصادی کافی نیست. چون اگر یک لایه به عقب‌تربری ویم و بخوایم مشکل اصلی تر را پیدا کنیم و ریشه علت را بگوییم کجاست، دوباره به این نتیجه می‌رسیم که ریشه آن به سیاست بازمی‌گردد.

ریشه این بی‌ثباتی در بحث تحریم‌هاست، در بحث قطع شدن ارتباط تجاری، مالی و بانکی کشور با دنیای اقتصادی بیرون است لذا تا زمانی که این امر حل نشود، اصلاحاتی که در لایه اقتصادی انجام می‌شود شاید کامل نباشد یا نتواند آنچنان که ما می‌خواهیم یک تثبیت اقتصادی برقرار کنیم، به ما کمک کند.

در جمع‌بندی باید گفت بدون شک اقدامات بانک مرکزی برای اقتصاد کشورمان نتایج بسیاری خوبی داشته است، ولی استمرار گرفتن این نتایج خوب به نظر بنده منوط به اصلاحات اقتصادی در دیگر حوزه‌ها، مخصوصاً در بحث کسری بودجه دولت و مهم‌تر از آن، حل مشکلات تحریم است تا بتواند به حرکت اقتصاد کشور کمک شایانی کند.



اگر سیاست تثبیت اقتصادی صرفاً برای کنترل قیمت‌ها باشد و منجر به گشایشی در اقتصاد نشود، طبیعتاً نفع زیادی برای مردم به همراه نخواهد داشت.

از نتایج اجرای تثبیت اقتصادی، آرامش ارزی و تخلیه هیجانات قیمتی بود. آیا تداوم این سیاست را برای ثبات ارزی کشور لازم می‌دانید؟

وقتی که در خصوص بحث تثبیت اقتصادی صحبت می‌کنیم، ممکن است در ذهن مخاطب این گمان ایجاد شود که تثبیت به معنای قیمت‌های ثابت در بازارهای مختلف در طول زمان خواهد بود. با این حال، چنین چیزی در سیاست تثبیتی که در وضعیت فعلی امکان پذیر است، وجود ندارد.

نمی‌شود که رشد نقدینگی بالای ۲۵ درصد و رشد پایه پولی بالای ۳۰ یا ۳۵ درصد باشد، تورم ۴۰ درصدی هم داشته باشیم و نرخ ارز هم بر روی یک رقم ثابتی باقی بماند، اساساً چنین چیزی در واقع ایجاد یک ناترازی است که در آینده خودش را نشان خواهد داد.

تثبیت اقتصادی از نظر بنده این است که اجازه ندهیم نوسانات بیش از حدی در روند متغیرهای اقتصادی رخ بدهد، به عنوان مثال در سال گذشته در بازار آزاد نرخ دلار تا ۶۰ هزار تومان نیز بالا رفت، ولی در یکسال گذشته هرگز دیگر به این نرخ نزدیک هم نشده است، این نشان دهنده آن است که نرخ ۶۰ هزار تومان غیر واقعی و نوسان آن نیز بی دلیل بوده است، این یک التهاب نامناسب بوده، در واقع تثبیت به این معناست که با چنین پدیده‌های روبرو نشویم.

ولی خوب قاعداً تا اگر بخواهیم این تثبیت به تثبیت اقتصادی که در کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد، تبدیل شود به این معناست که یک نرخ تورم پایین دو یا سه درصدی وجود داشته و بیشتر از این نباشد که این امر مستلزم این است که حجم پول و پایه پولی نیز تثبیت شود، کسری بودجه مداوم و مستمر نداشته باشیم و این امر آن موقع کمک می‌کند تا نرخ برابری دلار در مقابل ریال، هم در حدهمین تورم ثابت

بماند. ولی اگر متغیرهای دیگر حل نشوند، قاعداً نرخ ارز هم می‌تواند از آنها تبعیت کند، در چنین شرایطی سیاست تثبیت اقتصادی کمک می‌کند حداکثر همان مقداری که لازم است تعدیل در نرخ ارز انجام شود، نه اینکه نرخ ارز ثابت بماند.

اگر به فعالین اقتصادی این اطمینان را بدهید که یک بازار ساز قوی مثل بانک مرکزی وجود دارد که بازار ارز را کنترل می‌کند و نسبت به متغیرهای اقتصادی دیگر بیش از آن چیزی که هست در اقتصاد پیش بیاورد، این خودش در شرایط موجود دستمزد مناسبی است.

اگر بنده به عنوان فعال اقتصادی این اطمینان را داشته باشم که بانک مرکزی اجازه نمی‌دهد که نرخ ارز بیشتر از نرخ تورم افزایش یابد، یا بیشتر از رشد حجم پول رشد کند، می‌توانم برنامه ریزی‌های اقتصادی خود را مبتنی بر این انجام بدهم. می‌توانم اعتبار بدهم، اعتبار بگیرم یا فروش اعتباری و خرید اعتباری داشته باشم، ولی تاکنون فضا اینگونه نبوده است، به طوری که همیشه نگاه فعالان اقتصادی به این بوده است که چه موقع فرمان نرخ ارز از دست بانک مرکزی خارج می‌شود و من به عنوان فعال اقتصادی آن موقعی که خروج اتفاق می‌افتد، ورودی به بازار داشته باشم تا بتوانم سود خوبی به دست آورم.

طبیعتاً باید این قالب شکسته شود. به همین دلیل، بانک مرکزی رویه خوبی را در این خصوص آغاز کرده است، منتهی خیلی مهم است که بتواند به روش خود نیز اتکا کند، به طوری که اگر شش ماه بعد، یا سال آینده دوباره نرخ ارز با جهش روبرو شود و فرمان از دست بانک مرکزی خارج شد، اطمینان به اینکه سیاست تثبیت اقتصادی وجود دارد، از دست می‌رود ولی اگر در سال‌های آینده فعالین اقتصادی ببینند نرخ ارز متناسب با سایر متغیرهای اقتصادی افزایش می‌یابد و بانک مرکزی اجازه نمی‌دهد، نوساناتی بیش از آنچه که در تغییرات متغیرهای پایه اقتصادی است به نرخ ارز منتقل شود، آن وقت نرخ ارز به لنگر مناسبی در اقتصاد تبدیل خواهد شد و فعالین اقتصادی می‌توانند به آن تکیه کنند.

ریشه مشکل به عنوان کسری بودجه دولت کماکان وجود دارد و تا زمانی که این موضوع حل نشود، ما به کمک سیاست تثبیت اقتصادی مشکل را به تعویق می‌اندازیم، نه اینکه مشکل را حل کنیم



تک‌تازی مرکز مبادله با ورود ابزارهای مشتقه

اگر می‌خواهیم مرکز مبادله ارز و طلا تبدیل به بازاری شود که تنها بازار اقتصاد باشد و در آنجا بانک مرکزی به عنوان بازار ساز بتواند سیاست‌گذاری‌های خود را انجام دهد و بازار را تنظیم کند، حتماً نیاز داریم تا در این بازار به نحو عمیق و گسترده‌ای از ابزارهای مشتقه استفاده کنیم.



مرکز مبادله ارز و طلا برای ایجاد مرجعیت قیمت ارز راه اندازی شد. فعال سازی مرکز مبادله را چقدر در حذف بازار غیررسمی ارز موثر می دانید؟

در بازار، ارز به عنوان کالایی همگن محسوب نمی شود، به عبارت دیگر نمی توانیم بگوییم قیمت دلار در کشور چند است، چون این امر به این موضوع بستگی دارد که این ارز اسکناس باشد یا حواله یا حتی حواله در کدام کشور باشد، در چه مکانیزی از سمت فروشنده به خریدار تحویل داده شود.

در شرایط عادی تفاوت هایی که در انواع ارز وجود دارد، اختلاف های قیمتی کمی را ایجاد می کند و در حد یکی دو درصد است، بنابراین می توانیم بگوییم ارزها به همگن است. اما وقتی که کشورمان در شرایط تحریمی قرار دارد، این همگنی از دست می رود. به همین دلیل، حواله در کشورهای مختلف می تواند نرخ های متفاوتی داشته باشد و تفاوتش نیز محسوس باشد.

یک اتفاق دیگری که در کشورمان رخ داده، این است

که بر اساس سیاست ها و کنترل هایی که می خواستیم ایجاد کنیم با تعدد نرخ های رسمی نیز روبرو شده ایم، یعنی حتی در همین لحظه با سه نرخ ارز روبرو هستیم. یک نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومان که به بعضی از مصارف خاص که عمدتاً واردات کالاهای اساسی است تعلق می گیرد، یک ارز دیگر نیز بین ۳۷ تا ۴۰ هزار تومان است که در مرکز مبادله عرضه می شود و یک ارز نیز در بازار غیررسمی است که در محدوده ۵۰ هزار تومان به دست مشتریان می رسد.

قاعداً این ناهمگنی ها برای اقتصاد خوب نیست و تمام این ناهمگنی ها که در حوزه نقل و انتقال ارز وجود دارد و این که ارز شما در کدام کشور است و از چه مکانیزی از فروشنده به خریدار می تواند منتقل شود، هزینه مبادله را افزایش می دهد که این هزینه نیز در نهایت به مصرف کننده منتقل می شود، چون واردکننده این هزینه را نمی پذیرد.

پس با توجه به اینکه هزینه مبادله افزایش یافته، شاهد ناکارآمدی و ناکارایی هستیم و از سوی دیگر تعدد نرخ ها منجر به این می شود که در پیچه های فساد گشوده شود، با این حال معنی آن این نیست که بازارها

را تعطیل کنیم و بگویم بازار غیررسمی وجود دارد، بنابراین احتیاج به یک برنامه تدریجی، حساب شده، سازمان یافته و مشخص برای عبور از این شرایط و رسیدن به تک بازار داریم.

با وجود آنکه بانک مرکزی هیچوقت این امر را سناهای نکرده است، اما معتقدم این برنامه در ذهن مسئولان بانک مرکزی وجود دارد، به همین دلیل معتقدم یا می توان کالاهایی که مشمول ارز ۲۸۵۰۰ تومانی است را به تدریج حذف کرد و یا اینکه این یارانه به صورت مستقیم به مصرف کننده نهایی داده شود.

در درجه دوم، یک همگرایی بین مرکز مبادله پول و ارز و بازار غیررسمی اتفاق افتد، این امر مستلزم این است که بانک مرکزی، مرکز مبادله پول و ارز خود را مرتباً توسعه داده و نقش خود را به عنوان بازار ساز به بازار ثابت کند و برای ثابت کردن این نقش خود، اتفاقاً باید به بازار غیررسمی نزدیک شود.

در نهایت روزی باید بانک مرکزی اعلام کند که چیزی به نام بازار رسمی و غیررسمی ارز وجود ندارد، چون بازار غیررسمی نیز مرکز مبادله ای است، و یک مرکز مبادله وجود داشته باشد و تمامی عرضه ها و تقاضاها به هم وصل شود. با این حال این یک کار سختی است به خصوص آنکه در شرایط تنگنا و پیچیده ای برای دسترسی به منابع ارزی هستیم. قاعدتاً پیش بینی نمی شود که این موضوع در بازه زمانی شش ماهه یا حتی یک ساله حل شود، مگر اینکه اتفاقات خوبی در سمت دیگری بیفتد و از میزان تنگنای ارزی کاسته شود، همانطور که در وضعیت فعلی، بانک مرکزی به دنبال آن است که با توسعه روابط با کشورهای همسایه و همسوا، این تنگناها را رفع کند.

بانک مرکزی باید این نقش را ایفا کند که از میزان تنگنای ارزی بکاهد، چرا که در اقتصاد کشورمان بانک مرکزی یکی از بزرگترین بازیگران نرخ ارز است، با این حال اگر ۹۰ درصد اقتصاد کشورمان مربوط به بخش خصوصی بود و دولت دخالتی در آن نداشت، می توانستیم بگویم بانک مرکزی یک قدم عقب بنشیند و فقط به عنوان تنظیم گرو سیاست گذار در بازار ارز عمل کند.

ولی هم اکنون دولت نقش زیادی در اقتصاد کشورمان ایفا می کند که از آن جمله می توان به فروش نفت اشاره کرد که یک منبع ارزی خوبی برای دولت ایجاد می کند و از طرفی در بخش های دیگر اقتصاد هم حضور دارد که این باعث می شود بخش زیادی از جریان خرید و فروش از بانک مرکزی توسط دولت صورت گیرد، به همین دلیل بانک مرکزی به بازیگر بزرگ بازار ارز تبدیل شده است.

وقتی یک بازیگر بزرگ وجود دارد، این بازیگر باید بازار ساز شود. بازار سازی بانک مرکزی از طریق مرکز مبادله طلا و ارز می تواند انجام شود، منتهی به

شرط اینکه افق این سیاست، همگرایی همه بازارها و تشکیل یک بازار در اقتصاد باشد که در این بازار نیز بانک مرکزی به دلیل نقش ویژه خود یک بازیگر عمده و بازار ساز محسوب می شود، ولی سایر فعالان اقتصادی نیز آزادانه می توانند در این بازار ورود و خروج داشته باشند.

ایجاد ابزارهای معاملاتی مانند

سواپ و سلف ارزی در مرکز مبادله

پیش بینی شده است. فعال سازی

این ابزارها چه کاربردی در بازار

ارز دارد؟

یکی از بزرگترین نقص های بازار ارز کشور عدم وجود ابزارهای مشتقه در این بازار است، در سراسر دنیا شرکت های مالی و غیرمالی، نهادها و موسسات فعالیت های مختلف بین المللی دارند و ممکن است دارایی ها و بدهی هایی غیر از ارز ملی خودشان داشته باشند. روشی که آنها برای مدیریت ریسک های خود به کار می برند مبتنی بر این است که ریسک نرخ ارز را از ترانزاکشن حذف می کنند، چون مثلاً تولید کننده فولاد است، نه سرمایه گذار بازار ارز.

بنابراین این شرکت ها سعی می کنند در موقعیت های مختلف، نوسانات نرخ ارز سبب سود و زیان کسب و کار آنها نشود و تمام تمرکزشان بر کسب و کار خودشان باشد. در نتیجه این شرکت ها به دنبال این امر هستند که به بازار رفته و ریسک خود را پوشش دهند، چون لزوماً نمی توانند کسب و کارشان را طوری برنامه ریزی کنند که موقعیت ارزی در آن وجود نداشته باشد، چون کسب و کار را باید براساس فرصت های موجود پیش برد.

لذا ممکن است شرکتی هزینه هایش به دلار باشد و درآمد هایش را از طریق یورو تامین کند، که این فرد باید تطابق بین این وضعیت ایجاد کند تا تغییرات دلار و یورو منجر به بروز زیان برای وی نشود، ولی در عین حال راهش این نیست که پیش بینی کند کدام ارز در آینده ارزشمندتر خواهد شد تا روی آن سرمایه گذاری کند. راهش این است که هر چقدر اختلاف بین ارزها وجود دارد، با ابزارهای مشتقه پوشش بدهد. به همین منظور بهتر است فیوچرز بگیرد و ریسک تغییرات نرخ ارز برای آینده را خنثی کند. اگر امروز دلار بیشتری نسبت به یورو داشته باشد، اما شش ماه بعد به یورو بیشتر نیاز داشته باشد، این جریان معکوس را با قرارداد فیوچرز انجام می دهد و از این ریسک فرار می کند. فیوچرز یکی از این ابزارهاست و آپشن ها و سواپ ها از دیگر ابزارها در این راه است.

حتی شرکت های غیررسمی نیز در قراردادهای فوروارد با همدیگر شبیه فیوچرز را انجام می دهند. در واقع می توان گفت فیوچرز و فوروارد شبیه به همان عقد

اقدامات
بانک مرکزی
برای اقتصاد
کشورمان
نتایج بسیاری
خوبی داشته
ولی استمرار
این نتایج
خوب منوط
به اصلاحات
اقتصادی در
دیگر حوزه ها
مخصوصاً
در بحث
کسری بودجه
دولت و رفع
تحریم هاست



بانک مرکزی در شرایطی است که بسیاری از متغیرهای کلانی که در اقتصاد کشورمان تأثیر می‌گذارد در دست او نیست، اما استراتژی‌هایی که تاکنون داشته بسیار خوب و موفقیت‌آمیز بوده است

۲۲



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

سلف ایران است، لذا می‌توان با عقد سلف این کار را شرکت‌ها انجام بدهند. نهادهای مالی بزرگ و بانک‌های بزرگ نیز می‌توانند از این وجود پوزیشن در قراردادشان استفاده کنند و خودشان در مقام انتشاردهنده ابزار مشتقه قرار می‌گیرند و حتی از این محل سود نیز کسب می‌کنند.

در ایران اما متأسفانه به دلیل آنکه در طول زمان همواره نرخ ارز به ضرر ریال بوده است، پس نهادهای مالی از جمله بانک‌ها یا بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی به یک استدلال رسیدند که اگر یک موقعیت ارزی مثبت داشته باشند (یعنی ارزهای خارجی در سمت دارایی‌هایشان بیشتر از ارزهای خارجی در سمت بدهی‌هایشان باشد) پس در بلندمدت برنده هستند، لذا هیچ‌وقت دنبال پوشش نرخ ارز خودشان نمی‌روند، یا از وجود موقعیت برای منتشر کردن ابزار مشتقه استفاده نمی‌کنند، در حالی که اتفاقاً اینها باید بیایند و بازار را شکل بدهند.

بنابراین به صراحت می‌توان گفت نه تنها فیوچرز لازم است، بلکه بانک‌های بزرگ کشور، بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی به عنوان نهادهایی که پوزیشن‌های ارزی مثبتی دارند باید بیایند و به شکل دادن ابزارهای مشتقه کمک کنند، نهادهای بزرگ، بازار ساز این بازار هستند، آنها هستند که با انتشار ابزار این فرصت را برای فعالین اقتصادی ایجاد می‌کنند که بیایند و استفاده کنند.

اگر شما به یک تولیدکننده بگویید که تسهیلات ارزی دریافت کند، بدون شک مخالفت خواهد کرد چون وقتی نرخ ارز بالاتر می‌رود طبیعتاً پس دادن این ارز با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد.

راهکار این امر این است که اگر بازارهای مشتقه‌ای وجود داشته باشد و این فرد بیاید در تاریخ سررسیدهای پرداخت‌های خود یا نزدیک به آن ابزارهای مشتقه‌ای از بازار خریداری کند که نرخ برابری ریال و دلار را برایش تثبیت کند، حتماً برایش هزینه دارد ولی در شرایط فعلی این هزینه قابل توجه است، چون انتظار می‌رود این اختلاف بسیار زیاد شود، مخصوصاً اگر تاریخ سررسیدها طولانی باشد.

ولی این هزینه‌ای که بابت خرید اینها می‌دهد در جمع شدن باز نرخ سود تسهیلات ارزی که معمولاً ۵ یا ۶ درصد است، ممکن است بیشتر از نرخ تمام شده تسهیلات ریالی نباشد.

در وضعیت فعلی تسهیلات ریالی برای تولیدکنندگان گردگشا نبوده و آنها به سمت بازارهای غیررسمی برای دریافت تسهیلات می‌روند و به این ترتیب نرخ‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. به طوری که در وضعیت فعلی نرخ انتشار اوراق در بازار سرمایه ۳۵ درصد شده است که با هزینه‌های آوردن ضامن بانکی، می‌تواند به ۴۰ درصد هم برسد.

حالا اگر به یک تولیدکننده بگوییم نباید وام و تسهیلات ارزی دریافت کند، ۵ درصد ارزی سود بدهد و ۳۰ درصد هم پرداخت کند، برای اینکه قیمت ارز در سررسید تثبیت شود. خوب طبیعتاً این وام ارزی از وام ریالی برای تولیدکننده ارزان‌تر تمام می‌شود.

این ۳۰ درصد اضافه را نیز کسی می‌گیرد که پوزیشن ارزی مثبتی دارد، سوال اینجاست که چرا بانک مرکزی باید از داشتن دلار بیشتر نسبت به بدهی دلاری سود کند؟ اصلاً کار بانک مرکزی سودآوری نیست. چرا صندوق توسعه ملی باید از تضعیف ارزش پول ملی سود کسب کند؟ یا نگرانی وجود داشته باشد که آن قسمتی از دارایی‌ها که افراد به ریال تبدیل کرده‌اند، ارزشش در حال از بین رفتن است.

چرا بانک‌های بزرگ باید پوزیشن‌های ارزی مثبتی داشته باشند و از این محل قیمت سهام‌شان رشد پیدا کند؟ بنابراین باید بیایند ابزارهای مشتقه تولید کنند و اتفاقی که می‌افتد این است که هم بهره‌اش را می‌برد و هم به تثبیت اقتصاد کمک می‌کند. همچنین برای فعالین اقتصادی امکان برنامه‌ریزی ایجاد خواهد کرد و آنها می‌دانند که با چه آینده‌ای روبرو خواهند شد و بدین ترتیب قیمت ارز از محاسبه آن‌ها خارج می‌شود، اگر بتوانم در مقابل بدهی ارزی که برای خود ایجاد کردیم بایک ابزار مشتقه ریسک نرخ ارز را از بین ببریم، معنی‌اش این است که این بدهی دیگر ریالی است و طبیعتاً برنامه‌ریزی روی ریال آسان‌تر از دلار است.

پس اگر می‌خواهیم مرکز مبادله طلا و ارز تبدیل به بازاری شود که تنها بازار اقتصاد باشد و در آنجا بانک مرکزی به عنوان بازار ساز بتواند سیاست‌گذاری‌های خود را انجام دهد و بازار را تنظیم کند، حتماً نیاز داریم تا در این بازار به نحو عمیق و گسترده‌ای از ابزارهای مشتقه استفاده کنیم و نهادهای بزرگ (بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی و بانک‌های بزرگ) هستند که می‌توانند به شکل گیری این ابزارها و توسعه آن‌ها کمک کنند، اینها باید پیش‌قراول این بازار باشند، فعالین بخش خصوصی، تربیدرهای کوچک و صراف‌های توان چنین کاری را ندارند.

صندوق تثبیت ارزی برای

جلوگیری از ریسک نوسانات ارزی

ایجاد می‌شود. با توجه به وجود

صندوق مشابه در بورس، کارکرد

این صندوق را چگونه می‌بینید و

نوسیه مشابه بانک مرکزی چیست؟

با توجه به آنکه از نزدیک فضای صندوق تثبیت بازار سرمایه را لمس کرده‌ام، باید بگویم مثل بازار ارز که گفتیم بانک مرکزی نقش بازارساز دارد و یک بازیگر عمده در بازار است، در مورد صندوق تثبیت بازار سرمایه نیز می‌توانیم چنین استدلالی را مطرح کنیم.

صندوق تثبیت ارزی می‌تواند از نوسانات بازار ارز در حوزه نقدی جلوگیری کند

بخرد و این سبب ایجاد رانت اطلاعاتی می‌شود ولی این انتقاد دیگر به صندوق تثبیت ارزی وارد نیست، چون دیگر تعداد سهم‌های بالایی وجود ندارد و تنها دلار و یوروست. اینکه بانک مرکزی به این فکر افتاده که بایک کار مشابه صندوق تثبیت ارزی ایجاد کند به نظر ایده بسیار خوبی است، ولی باید چندین ملاحظه را در نظر بگیرد تا به شکل گیری ایده اصلی کمک کند.

۱. نقش اصلی و اساسی این صندوق در شکل دهی ابزارهای بازارهای مشتقه باشد، اگر ما یک صندوق تثبیت ارزی با موجودی قابل توجه داشته باشیم، این می‌تواند همان نقش منتشرکننده انواع مشتقات خصوصاً آپشن‌ها و بعد وارد شدن در پوزیشن‌های خرید و فروش فیوچرزها و حتی عقد قراردادهای سوآپ را انجام بدهد و عملیات این صندوق باعث ایجاد یک بازار مشتقه ارزی در کشور می‌شود. پس اگر رسالت اصلی خودش را در این حوزه دنبال کند، به نظرم هیچ کسی مخالف نخواهد بود، چون این مربوط به حوزه‌ای است که احساس نیاز به آن داریم و وجود چنین صندوقی می‌تواند به بازار ارز بسیار کمک کند.

۲. این صندوق می‌تواند از نوسانات بازار ارز در حوزه نقدی جلوگیری کند، منتهی به شرط داشتن استراتژی یک بازارساز. بازارساز نباید روی یک قیمت اصرار داشته باشد، مثلاً در بازار سهام اگر بازارساز یا بازارگردان روی قیمت سهمی اصرار کند یا همه پول‌هایش را از دست می‌دهد، یا همه سهم‌ها را. مثلاً اگر بازار اعتقاد دارد که قیمت این سهم ۲۰۰ تومان است و بازارگردان روی فروش ۱۸۰ تومان اصرار کند، خوب هر چه سهم بفروشد بازار از آن می‌خرد، بعد یک جایی سهم‌هایش تمام می‌شود و نمی‌تواند استراتژی خود را دنبال کند. حالا اگر بازار اعتقاد به قیمت ۲۰۰ تومان دارد، ولی بازارگردان اصرار کند که این سهم ۲۲۰ تومان ارزش دارد برای اینکه اصرار خود به بازار را ثابت کند باید شروع به خرید کند، هرچقدر روی این قیمت اصرار کند بازار به وی عرضه خواهد کرد و از یک جایی به بعد نقدینگی اش تمام می‌شود و نمی‌تواند این سهم را خریداری کند.

دولت نقش مهمی در بازار سرمایه دارد، هم به واسطه نقش آن در سیاست‌گذاری کلان بازار سرمایه و هم اینکه بخش بزرگی از شرکت‌های بازار سرمایه عمده سهامشان مربوط به دولت است و یا به صورت غیرمستقیم مثلاً سهام صندوق بازنشتگی و... به دولت وصل می‌شوند. بنابراین دولت نمی‌تواند نسبت به تحولات بازار سرمایه بی‌تفاوت باشد، بنابراین بازار سرمایه به نوعی با سرمایه‌گذاری دولت و بانک‌های دولتی شکل گرفته است.

در کنار آن هم یک صندوق توسعه بازار داشتیم که با سرمایه‌گذاری بیشتر کارگزاری‌ها شکل گرفته بود، چون وضعیت بازار برای کارگزاری‌ها اهمیت زیادی داشت و به نوعی تجارت آنها مبتنی بر معاملات بازار است و اگر با بازار را کدی روبرو باشیم، طبیعتاً درآمد این کارگزاری‌ها کاهش پیدا می‌کند.

نقش این صندوق‌ها در بازار سرمایه این بود که تلاش می‌کردند همان نقش بازارسازی را ایفا کنند، یعنی در مواقعی که بازار دچار رکود می‌شود، بایک سهمی صف فروش می‌شود، آنها کمک کنند که بازار روند بگیرد تا این صف ایجاد شده برداشته شود و مواقعی که یک تقاضای شدیدی وارد بازار می‌شود، آنها با عرضه کردن سهم بتوانند از التهاب بازار بکاهند.

در یک بازار توسعه یافته وجود چنین صندوقی اصلاً توجیهی ندارد، بنابراین انتقاداتی به آن وارد می‌شد و می‌گفتند چرا شما خودتان در قالب صندوق تثبیت بازار وارد می‌شوید و چنین نقشی را ایفا می‌کنید؟ بله در یک بازار توسعه یافته که فعالین بازار متعدد، متنوع و خرد هستند و یک بازیگر عمده وجود ندارد و وجود چنین صندوقی توجیه ندارد، ولی در یک بازاری که در اقتصاد در حال توسعه است، نوسانات اقتصادی بالاست، تحولات اقتصادی یک باره شوک‌های بزرگی به بازار وارد می‌کند و بازیگرهای عمده نیز وجود دارند، طبیعتاً صندوق تثبیت ارزی کمک خواهد کرد که از یک دوران گذار (در حال توسعه یافتن)، به توسعه یافتگی برسیم.

حالا انتقاداً به صندوق تثبیت بازار سرمایه این بود که این صندوق می‌داند که چه سهمی می‌خواهد



شرط تداوم سیاست تثبیت بانک مرکزی

برای ادامه سیاست تثبیت ارزی، بانک مرکزی باید ملاحظاتی را در نظر بگیرد. کنترل ترانزانه منجر به برون رانی بخش خصوصی نشود، رکود اقتصادی ایجاد نکند، تثبیت نرخ ارز، تثبیت یک روند متناسب با سایر متغیرهای اقتصادی باشد و نه تثبیت نرخ، توسعه مرکز مبادله نیز با هدف همگرایی با بازار غیررسمی و تشکیل یک بازار ارز در اقتصاد باشد.

درست است
که صندوق
توسعه ملی
نباید بنگاه داری
کند یا وارد حوزه
تصدی گری
شود، اما
می تواند بیاید
در کنار صندوق
تثبیت ارزی و
بانک مرکزی
بایستد و به
تثبیت بازار ارز
کمک شایانی
کند

۲۴



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

لذا بازارگردان صحیح کسی است که دامنه مظنه اش شناور است، یعنی اگر بفهمد روی قیمت ۲۲۰ تومان خیلی سهم به وی عرضه می شود، قیمتش را باید پایین تر بیاورد و به استراتژی اشتباه خود پی ببرد. حالا اگر دید بازار روی قیمت ۲۰۰ تومان هم همچنان سهم به وی عرضه می کند، این بدین معنی است که انتظارات فروکش کرده است یا به حوزه جدیدی وارد شده که قیمت ارزندگی این سهم پایین تر است و بازارگردان باید پوزیشن خود را پایین تر بیاورد. ولی روی آن پوزیشنی که قرار گرفته باید دامنه ای تعریف کند (مثلا بگوید ۲۰۰ تومان می خرم و ۲۰۵ تومان می فروشم) آن وقت در این دامنه، بازار روان می شود. نقش صندوق تثبیت بازار ارز نیز باید همین باشد، مثلاً مرکز مبادله می گوید نرخ دلار ۴۰ هزار تومان است ولی اگر این صندوق بپاید بگوید نرخ ۳۵ تومان است و خودم ۳۵ هزار تومان عرضه می کنم، همه تقاضاها به این سمت سرازیر می شود و در این صورت نمی تواند جوابگو باشد. پس باید به سمت نرخ واقعی حرکت کند (۴۰ هزار تومان) روی یک دامنه ای به بازار عمق بدهد، بگوید هر کسی که نمی تواند ۴۰ تومان بخرد بیاید از من خریداری کند.

اگر یک روز ایده همگرایی اتفاق افتاد و روی یک نرخ بالاتری همگرایی صورت گرفت، می تواند روی کل بازار ارز بازارگردانی داشته باشد، با این حال پُر واضح است که چنین صندوقی پشتوانه بسیار قوی می خواهد.

۳. بانک مرکزی باید ورودی قوی به این امر داشته باشد، نمی شود این صندوق را با یک یا دو میلیارد دلار ارز اداره کرد، اگر بانک مرکزی توانایی کافی برای این امر ندارد، باید نهادهای دیگر که ذکر شد را پشت سر خود بیاورد.

بد نیست در مورد صندوق توسعه ملی هم بگویم که فلسفه راه اندازی این صندوق این نیست که پول های خود را به صورت ارز در حساب های خارج از کشور بانک مرکزی که بعضاً هم بلوکه شده اند، نگهداری کند، این نه هنر است نه توسعه. صندوق توسعه ملی یعنی به پشتوانه ارزی که دارد، بازار ارز را تثبیت کند. اگر استراتژی درست ارزی داشته باشد نه تنها در این حوزه ضرر نمی کند، بلکه سود هم می کند، یعنی قابل تصور است که این صندوق از دارایی های ارزی خود منفعت بسیار خوبی ببرد و کل اقتصاد هم از حضور صندوق توسعه ملی در بازار ارز به دلیل تثبیت اقتصادی، پیش بینی پذیر بودن وضعیت اقتصادی و امکان سرمایه گذاری با مصارف ارزی سود کند. در واقع این رسالت واقعی این صندوق است. یعنی اگر این صندوق بگوید ارزش خالص دارایی هایش ۱۰۰ میلیارد دلار است، این باعث تاسف است چون استفاده ای برای اقتصاد کشور نداشته است.

کشورهایی که به دنبال راه اندازی این صندوق ها

بودند، خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس دارای جمعیت بسیار کم و در عین حال زیرساخت های کاملاً توسعه یافته هستند، بنابراین وقتی در صندوق ارزی ملی خود یک ذخیره ای ایجاد می کنند، با یک هوشمندی به سمت خرید سهام خارجی روی می آورند و می روند سپرده با سود بالا در بانک های خارجی باز می کنند.

ولی در داخل کشور، ما با فقر توسعه زیرساخت ها روبرو هستیم، مشکل بیکاری وجود دارد، فرصت های ارزنده سرمایه گذاری در کشور داریم، بنابراین صندوق توسعه ملی نباید پول های خود را حبس کرده، یا دارایی های خارجی داشته باشد و باید به شدت در توسعه سرمایه گذاری کشور نقش ایفا کند.

این ملاحظه درست است که صندوق نباید بنگاه داری کند یا وارد حوزه تصدی گری شود، اما می تواند بیاید در کنار صندوق تثبیت ارزی و بانک مرکزی بایستد و به تثبیت بازار ارز کمک شایانی کند. تثبیت به معنای ثابت بودن قیمت نیست، به معنی ایجاد یک روند قابل پیش بینی در نرخ ارز متناسب با تغییرات سایر متغیرهای اقتصادی است، این می تواند نقش ارزنده صندوق تثبیت ارزی کشورمان باشد. به بانک مرکزی توصیه می کنم که به تنهایی این امر را انجام ندهد و در کنار خود حمایت بانک های بزرگ و صندوق توسعه ملی را نیز داشته باشد.

با توجه به شرایط بازار ارز و اقتصاد در سه فصل ابتدایی امسال، وقوع جهش ارزی را چقدر محتمل می دانید؟

واقعیت کشور ما این است که هر زمان دولت و بانک مرکزی روی ثابت ماندن نرخ ارز اصرار کردند، در آینده ای دور یا نزدیک با جهش ارزی روبرو شده ایم و این امر غیر قابل انکار است، چون بیشتر کشورهای دنیا این امر را انجام داده و از آن درس گرفته اند. به هیچ وجه منظور بنده این نیست که جهش ارزی محتمل است، بلکه متغیرهای اقتصادی یک روندهایی دارند که تحولات دیگری روی آن اثرگذار هستند، لذا نمی دانیم که در آینده ای نزدیک چه اتفاقی می افتد. اگر در سمت روابط بین الملل کشورمان تحولاتی ایجاد شود و به سمت حل مسائل برویم و گشایش های ارزی صورت گیرد و فروش نفت زیادتر شود و درآمدهای نفتی راحت تر در دسترس کشورمان قرار گیرد، این سیاست های بانک مرکزی تأییدهای طولانی تر نیز قابل استمرار است.

توصیه من به بانک مرکزی این است که هیچ اصراری به ثابت بودن نرخ ارز نداشته باشد، بانک مرکزی باید بگذارد نرخ ارز با واقعیت های اقتصادی، یعنی نه فراتر از آن و نه کمتر از آن تعدیل شود.



به عبارت دیگر، باید تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی تثبیت روند باشد و نه تثبیت نرخ، وقتی این امر محقق شد طبیعتاً با خود پیش بینی پذیر بودن اقتصاد کشورمان را به همراه خواهد آورد و سرمایه‌گذاری توسعه پیدا خواهد کرد.

علاوه بر این، یک فاکتور نیز مربوط به مجلس و دولت است و نمی‌توان خرده‌ای از بانک مرکزی گرفت تا سازمان برنامه و بودجه برنامه‌ریزی کند که بودجه سالانه کشورمان با کسری روبه‌رو نشود که البته این امر دشوار است چون نیاز به اصلاحات ساختاری در برنامه‌ریزی و بودجه وجود دارد و هماهنگی دولت و مجلس و دولت و مردم‌رایی طلبد.

اگر ناترازی موجود در بودجه رفع شود آن موقع می‌توانیم بگوییم از تثبیت روند به تثبیت نرخ خواهیم رسید، یعنی وقتی ریشه مشکل حل شود، بانک مرکزی تورم را زیر ۵ درصد تثبیت خواهد کرد و وقتی تورم موجود در جهان ۴ درصد باشد، طبیعتاً نرخ ارز نیز تثبیت شده و نوسانات جزئی خواهد داشت و دیگر خبری از جهش‌های ناگهانی نخواهد بود. فعلاً در این شرایط موجود باید این ملاحظات را در نظر گرفت تا بتوانیم به موفقیت در اقتصاد کشورمان برسیم.

دکتر فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی نشان داده که بر اصلاح این امور مصمم است و این امر سیگنال‌های خوبی را به جامعه می‌دهد به طوری

که به جامعه نشان می‌دهد سیاست‌گذار تصمیم و اراده جدی دارد، لکن این اراده با تصمیمات منطقی، عملیات درست و استراتژی مناسب سبب می‌شود تا اعتمادپذیری به سیاست‌گذاری در بانک مرکزی تقویت شود. در حال حاضر، درجه اعتماد مردم به سیاست‌های بانک مرکزی بالا نیست، بنابراین باید تقویت شود تا به موفقیت‌های سیاست تثبیت نرخ ارز بینجامد.

ایده افزایش نرخ ارز برای رشد صادرات، مورد نقد اغلب اقتصاددانان قرار دارد. تحلیل شما از این ایده چیست؟

اگر بازار واحد ارزی در کشورمان وجود داشت و در آنجا صادرکنندگان و واردکنندگان به عرضه و تقاضای ارز می‌پرداختند و یک عامل بزرگ مثل دولت هم وجود نداشت، نرخ‌ها که از این بازار می‌آمد خود به خود مشوق‌های صادراتی ایجاد می‌کرد، صادرکنندگانی که سهمیه‌ها باشند، یعنی اگر در تولید کالایی در کشور مزیت داشته باشند و نرخ ارز بازار رقابتی باشد، حتماً صادرات تقویت خواهد شد.

ولی وقتی استراتژی توسعه صادرات داریم و می‌خواهیم فراتر از مزیت‌های موجود، صادرات صورت گیرد و جزو حلقه جهانی تولید ارزش محسوب



توصیه من به
بانک مرکزی
این است که
هیچ اصراری
به ثابت بودن
نرخ ارز نداشته
باشد، بانک
مرکزی باید
بگذارد نرخ ارز
با واقعیت‌های
اقتصادی، یعنی
نه فراتر از آن و
نه کمتر از آن
تعدیل شود

۲۶



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

شویم، آن وقت استراتژی توسعه صادرات می‌تواند همراه با کاهش ارزش پول ملی باشد، یعنی بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین، اندونزی و مالزی چنین سیاستی را در پیش گرفتند و موفق بودند. منتقدان همیشه این گزاره را مطرح کرده‌اند که طی سال‌های متمادی با کاهش ارزش پول ملی روبرو بوده‌ایم، ولی در عین حال توسعه صادرات را نیز به صورت ملموس ندیده‌ایم، پاسخ این است که این کاهش ارزش پول ملی جهشی بوده و نمی‌توانستیم از قبل آن را پیش‌بینی کنیم.

اتفاقاً در مواقعی که این جهش‌ها وجود داشت با سیاست‌هایی مثل پیمان سپاری ارزی جلوی استفاده از این مزیت را گرفته‌ایم، یعنی پیمان سپاری ارزی تنها کاری که می‌کند این است که امکان بهره‌برداری از توسعه صادرات کشور را می‌گیرد چون وقتی این جهش صورت می‌گیرد، صادرات ارزشمند می‌شود و سود خوبی دارد. با این حال با پیمان سپاری جلوی این کار را می‌گیریم و اصرار داریم بر یک نرخ ارز پایین‌تر، و به این ترتیب کم‌کم هزینه‌های داخلی رشد پیدا کرده و مزیت از بین می‌رود. لذا سیاست‌گذاری کاهش ارزش پول ملی هیچ موقع به عنوان یک سیاست هوشمندانه و استراتژیک برای توسعه صادرات به کار گرفته نشده است.

اما سوال اینجاست آیا در شرایط فعلی می‌توانیم از این سیاست استفاده کنیم؟ باید در درجه اول هماهنگ‌سازی نرخ ارز با تغییر متغیرهای اساسی اقتصاد اتفاق بیفتد، اگر این امر صورت بگیرد بخش بزرگی از فشاری که صادرکنندگان احساس می‌کنند از بین می‌رود و صادرات حتماً تشویق خواهد شد.

یک واقعیتی وجود دارد که هزینه‌های داخلی با نرخ‌های بازار غیررسمی خودشان را تعدیل می‌کنند، به طوری که صادرکننده مواجه می‌شود با این امر که هزینه تامین کالای خود از داخل با نرخ‌های غیررسمی تعدیل می‌شود، ولی درآمد حاصل از فروش آن کالا با نرخ‌های مرکز مبادله نقد می‌شود، این به معنای عدم مزیت برای صادرکننده است.

بنابراین اگر آن همگرایی را انجام بدهیم، این عدم مزیت از بین خواهد رفت. به همین دلیل، بعد از آن می‌توانیم فکر کنیم که آیا سیاست کاهش ارزش پول ملی را به عنوان سیاست استراتژیک در پیش بگیریم یا خیر؟ که به نظر بنده الان بحث جایگاهی ندارد وقتی عدم مزیت وجود دارد.

**چرا اقتصاد ایران امکان شناورسازی
نرخ ارز را ندارد؟ رها کردن نرخ ارز
به امید تنظیم در بازار چه خطراتی
برای شرایط فعلی اقتصاد ایران
دارد؟**

در پاسخ به اینکه بازار آزاد ارز می‌تواند در کشور شکل بگیرد یا خیر؟ باید بگویم قطعی می‌تواند، ولی در شرایط تحریمی این امر در نرخ‌های بالایی شکل خواهد گرفت. چه چیزی ما را به این سمت می‌برد که اجازه ندهیم در نرخ‌های بالایی در این بازار شکل بگیرد؟ واقعیت امر این است که متغیرهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متعددی در این امر دخیل هستند، با این حال اگر با یک عینک اقتصادی به آن نگاه کنیم می‌گوییم اشکال ندارد به طوری که آن بازار را شکل بدهید، در یک نقطه بالاتر تعادل شکل می‌گیرد.

ولی سوال اصلی این است که آیا تبعات چنین تصمیمی توسط اقشار ضعیف‌تر جامعه قابل تحمل است؟ آیا سرمایه‌های اجتماعی کشور برای اجرای چنین سیاست‌های اصلاحی در شرایط مناسبی قرار دارد؟ آیا همگرایی بین سیاست‌گذاران اقتصادی در قوای سه‌گانه به ما اجازه می‌دهد که چنین اصلاحی را انجام بدهیم؟ آیا استراتژی مناسب، برنامه‌ریزی دقیق و دانش کافی برای اجرای چنین چیزی و کنترل تبعات آن را در اختیار داریم؟

اگر پاسخ ما به این سوالات به قطعیت بله باشد، باید به سمت انجام آن برویم، چون کارایی اقتصاد به ما کمک می‌کند که این امر شکل بگیرد، هر سیاستی که انجام بدیم هر چیزی را که فکر کنیم و ایجاد کنیم که غیر از بازار شناور رقابتی باشد، قطعاً کارآمدتر از آن است. اما گاهی اوقات پاسخ نامطمئن به این سوالات اجازه نمی‌دهد که به سمت آن برویم، با این حال استدلال بنده این است که به تدریج باید به سمت آن رفت و با یک حرکت اقتصادی یا جراحی انقلابی نمی‌توانیم به سمت آن حرکت کنیم.

بسیاری از اقتصاددانان وقتی انتقاد را مطرح می‌کنند اصول درستی را مطرح می‌کنند، ولی مسیر حرکت به سمت این امر یک شبه و یک روزه نیست، ولی آن چیزی که اهمیت دارد این است که ما بدانیم در یک مسیر درست داریم به آن سمت حرکت می‌کنیم و مهم نیست چقدر کند باشیم، چون اگر حرکت کنیم بالاخره به آن خواهیم رسید و کم‌کم سرعت هم خواهیم گرفت.

بنابراین همه ما باید بازار رقابتی و شناور را قبول داشته باشیم و اعلام کنیم که آن را می‌خواهیم و برنامه‌ای برای رسیدن به آن داشته باشیم، به شرط اینکه با یک حرکت تدریجی و هماهنگ با پاسخ به آن سوالات به مقصد برسیم.

**دیدگاه جناب عالی پیرامون
فعال سازی دیپلماسی بانکی کشور
چيست؟ با توجه به اینکه اخیراً هم
اولین ال سی ارزی کشور در روسیه
گشایش یافت.**

تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی باید تثبیت روند باشد و نه تثبیت نرخ

بسیار وضعیت بهتری داریم، ولی در کنترل پایه پولی ناموفق بوده، چون موتور آن دست بانک مرکزی نیست و بانک کنترل ترانزنامه بانک این اتفاق نمی افتد. یک ملاحظه مهم وجود دارد که باید نسبت به موفقیت آمیز بودن آن تردید کرد و آن این است که این کنترل ترانزنامه موجب برون رانی بخش خصوصی از ترانزنامه بانک ها می شود، به طوری که درست است که بانک مرکزی بانک های دیگر را کنترل می کند، ولی دولت برداشت خود را از بانک ها انجام می دهد.

بانک ها برای اینکه در این وضعیت بمانند، طبیعتاً رو به کوچک کردن بخش خصوصی می آورند. پس تسهیلات بانکی از بخش خصوصی به سمت بخش های دولتی سرازیر می شود و این به معنای فشار به بخش خصوصی است و تبعات رکودی خواهد داشت. بنابراین باید دقت شود که ادامه و استمرار این سیاست باعث رکود اقتصادی در کشور نشود.

**کنترل نقدینگی به هدف گذاری
۲۵ درصدی خود نزدیک شده
است. دستورالعمل اعمال کنترل
بر سرعت رشد نقدینگی را چه
می دانید؟ کنترل تورم به عنوان
هدف کلان بانک مرکزی مطرح
است. با توجه به بهبود شاخص ها،
چقدر دستیابی به کاهش تورم را
محتمل می دانید؟ پیشنهاد شما به
سیاست گذار چیست؟**

به عنوان جمع بندی باید عرض کنم در شرایطی هستیم که بسیاری از متغیرهای کلانی که در اقتصاد کشورمان تأثیر می گذارند را بانک مرکزی نمی تواند بر آنها کنترلی داشته باشد، ولی با این حال استراتژی هایی که تاکنون انجام داده بسیار خوب و موفقیت آمیز بوده است.

وقتی یک سیاست نتایج مطلوبی برای اقتصاد کشورمان داشته باشد نمی توانیم آن را رد کنیم، ولی می توانیم بررسی کنیم چقدر استمرار خواهد داشت؟ بانک مرکزی در وضعیت فعلی فقط باید به استمرار تثبیت اقتصادی بماند و بگوید که این استمرار در گرو این است که ملاحظات را در نظر بگیرد تا به نتایج مطلوبی برسیم که این ملاحظات به این شرح است: کنترل ترانزنامه منجر به برون رانی بخش خصوصی نشود، رکود اقتصادی ایجاد نکند، تثبیت ارز، تثبیت یک روند متناسب با سایر متغیرهای اقتصادی باشد و نه تثبیت نرخ، توسعه مرکز مبادله با هدف همگرایی با بازار غیر رسمی و تشکیل یک بازار ارز در اقتصاد باشد.

در اقتصاد مبحثی به عنوان بهینه دوم، زمانی مطرح است که رسیدن به بهینه اول ممکن نباشد، بهینه اول این است که به سوئیفت متصل شویم تا با همه بانک های بزرگ دنیا ارتباط مالی داشته باشیم، یکی از مشکلات بزرگ کشور ما همین عدم دسترسی به این امر است.

ممکن است در نگاه اول بگوییم خوب صرافی ها هم می توانند کار انتقال ارز را انجام دهند، ولی مسئله صرفاً انتقال ارز نیست. مسئله این است که بال. سی کشورمان به اعتبار دسترسی پیدا می کند، به طوری که واردکنندگان در گذشته می توانستند کالایی را خریداری کنند ولی شش ماه بعد پول آن را پرداخت کنند، یا کالا را وارد می کردند و به صورت قسط بندی تا سه سال پول به حساب شرکت خارجی پرداخت می شد.

حالا واردکنندگان باید پول نقد به حساب صرافی ریخته تا پس از یک یا دو ماه بتوانند ارز را برای وی انتقال دهد، لذا بهینه اول در دسترس نیست، ولی پُر واضح است که بانک مرکزی مسئول این امر نیست و نمی تواند کاری انجام بدهد و وابسته به دیگر نهاد های کشورمان است.

از طرف دیگر ما بهینه دوم کاملاً قابل تحقق است که بانک مرکزی به بهترین نحو در حال انجام آن است، این که بانک مرکزی و دکتر فرزین فعال هستند و مرتباً برای گشایش های اقتصادی با توسعه دیپلماسی اقتصادی با کشورهای دیگر در حال رایزنی هستند، خیلی اقدامی خوبی است و باعث تسهیل در فرایندهای اقتصادی می شود.

**یکی از اقدامات رگولاتور در
بازار، نظارت و کنترل تری است.
کنترل ترانزنامه بانک ها برای مهار
رشد نقدینگی را چگونه ارزیابی
می کنید؟**

کنترل ترانزنامه بانک ها توسط بانک مرکزی دوباره از جنس سیاست بهینه دوم است، بهینه اول این است که موتورهای خلق پایه پولی خاموش شوند که در درجه اول کسری بودجه دولت و در درجه دوم اضافه برداشت بانک های خصوصی است، چون اضافه برداشت بانک های دولتی نیز خود ناشی از کسری بودجه است. بخشی از اضافه برداشت بانک های خصوصی نیز به دلیل آن است که بانک های دولتی ناتراز هستند و منابع را از بازار بین بانکی می گیرند و آنها هم کمبود پیدا می کنند.

در فضایی که حل این مشکل امکان پذیر نیست، طبیعتاً بانک مرکزی رو به بهینه دوم آورده است که این سیاست در وضعیت فعلی در کنترل حجم پول موفقیت آمیز بوده و نسبت به نرخ های سال گذشته



دکتر رضا قاسم پور، مدیرعامل شرکت مشاوره رتبه بندی اعتباری ایران
در گفتگو با تازه های اقتصاد مطرح کرد:

جهت گیری نظام بانکی در پرداخت تسهیلات خرد از وثیقه محوری به اعتبار محوری

- مدل جدید اعتبارسنجی تاییده های لازم را دریافت کرده و به زودی رونمایی خواهد شد
- در مدل جدید اعتبارسنجی دقت از ۷۶ درصد به ۸۹ درصد و پوشش مدل برای اشخاص حقیقی از ۳۰ درصد به ۱۰۰ درصد رسیده است
- در حال حاضر ۳۰ کشور دنیا از پوشش ۱۰۰ درصدی اعتبارسنجی برخوردارند و ایران سی و یکمین کشور خواهد بود
- پرداخت تسهیلات خرد بدون وثیقه امکانپذیر می شود



۲۸



اقتصاد

● شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ ●

اعتبارسنجی
کمک می‌کند
تأشافت
اطلاعاتی قبل
از انجام هرگونه
تعامل اقتصادی
ایجاد شود

که بیمه‌نامه‌های متعدد و متنوع با نرخ‌های منعطف بر اساس ریسک اشخاص صادر شود و در حوزه BNPLها اشخاص می‌توانند بر اساس اعتبارشان خرید کالا و مایحتاج خود را بدون ارائه چک و وثیقه انجام دهند. در کل، اعتبارمحوری جایگزین وثیقه‌محوری می‌شود که می‌تواند باعث رفتارسازی و بسیاری از اتفاقات مثبت در جامعه شود.

اعتبارسنجی در صنعت بانکی می‌تواند فرآیند پرداخت تسهیلات را آسان کند. در حوزه تسهیلات خُرد با توجه به تأکید رئیس کل محترم بانک مرکزی و وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی می‌توانیم فرآیند پرداخت این نوع تسهیلات را با اعتبارسنجی تسهیل کنیم و الان هم شاهدیم برخی از بانک‌ها به صورت مجازی و بدون اخذ وثیقه، تسهیلات خُرد را برای کسانی که دارای رتبه A و B هستند، پرداخت می‌کنند و از دریافت ضامن و وثایق سنگین جلوگیری می‌شود.

یکی از معضلات در سیستم بانکی، موقوفات و ریسک نکول است. اعتبارسنجی چه نقشی در کاهش این ریسک خواهد داشت؟

اعتبارسنجی درست منجر به این می‌شود که شفافیت اطلاعاتی قبل از انجام هرگونه تعامل اقتصادی اتفاق بیفتد و می‌تواند در صنعت بانکی به پرداخت تسهیلات بانکی کمک کند. بانک می‌تواند با اطلاعات کامل و بررسی دقیق ریسک شخص، تسهیلات را پرداخت کند. این موضوع منجر به کاهش نرخ نکول خواهد شد، مطالبات معوق بانک‌ها قطعاً کاهش پیدا خواهد کرد و در ثانی اگر مطالباتی ایجاد شده باشد می‌توانیم با ارتباط اعتبارسنجی به تمام حوزه‌های کسب و کاری، احتمال بازپرداخت را افزایش دهیم. بر فرض اگر اعتبارسنجی را در حوزه معاملاتی بتوانیم پیاده‌سازی کنیم، فردی که بخواهد خانه‌ای اجاره کند یا خرید و فروش و مشارکتی انجام دهد و امتیاز اعتباری‌اش بالا باشد، اعتماد بیشتری در معامله وجود خواهد داشت، همینطور منجر به کاهش هزینه برای دو طرف و تسریع در فرآیند اعتماد سازی و افزایش حق انتخاب در معامله می‌شود. این قطعاً تأثیر می‌گذارد که در حوزه مطالباتشان متعهد باشند و آنها را پرداخت کنند. در صنعت بانکی نیز می‌تواند به بحث وصول مطالبات با هزینه‌های کمتر

صنعت اعتبارسنجی در دنیا از دو قرن پیش شروع به فعالیت کرده و با توجه به کاربرد اعتبارسنجی در حوزه‌های مختلف، از شاخص‌های متنوع و متعددی در بحث اعتبارسنجی استفاده می‌کنند. شاخص‌های صنعت بانکی، پرداخت تسهیلات و بررسی اینکه نحوه برخورد اشخاص در حوزه چک به چه صورت است، شاخص‌های حوزه مالیاتی، شاخص‌های حوزه BNPLها و فروش اقساطی و تعهدات افراد در جامعه از جمله موارد مهمی است که در صنعت اعتبارسنجی در دنیا استفاده می‌شود و اخیراً با توجه به اعتبارسنجی هوشمند که در دنیا شکل گرفته است، داده‌های تراکنش، مخابرات، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را به عنوان شاخص‌های مهم در موضوع اعتبارسنجی و رفتار و تعهد اشخاص در دنیا استفاده می‌کنند. در رابطه با وضعیت اعتبارسنجی در کشور و حوزه‌هایی که اعتبارسنجی می‌تواند فضای کسب و کار را تغییر دهد با دکتر رضا قاسم‌پور، مدیرعامل شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران به گفتگو نشستیم که شرح آن از نظر می‌گذرد:

اگر نظام اعتبارسنجی در ایران به طور کامل و بر اساس استانداردهای جهانی پیاده شود، چه مزایایی می‌تواند برای عامه جامعه و مردم داشته باشد؟

امیدواریم اعتبارسنجی در کشور رونق یابد و پیاده‌سازی آن به صورت کامل انجام شود. اگر این اتفاق رخ دهد، مهم‌ترین مزیتی که در جامعه ایجاد می‌کند، ایجاد شفافیت و اعتماد به فضای کسب و کار و معاملات خواهد بود. همچنین، رفتارسازی و خودتنظیم‌گری از خروجی‌های مهم اعتبارسنجی است. اعتبارسنجی تأثیرات کلانی می‌تواند داشته باشد. فضای کسب و کار را شفاف می‌کند، اشخاص با دانش، بینش و شفافیت بیشتر می‌توانند وارد معاملات شوند و اعتماد به فضای معاملات و کسب و کار بر می‌گردد. در صنعت بانکی، فرآیند ارائه تسهیلات و انجام معاملات راحت‌تر انجام خواهد شد. در حوزه بیمه‌ای می‌توانیم امیدوار باشیم



مدل جدید
اعتبارسنجی از
شاخص‌های
مختلف از جمله
تسهيلات بانکی
شاخص‌های
چک
تعهدات ارزی
شاخص‌های
مالیاتی
شاخص‌های
قوه قضاییه
شاخص‌های
صدک درآمدی
وراهنمایی
وراندگی
استفاده می‌کند

بپردازد، در ابتدا مطالبات‌شان کمتر می‌شود و دوم وصول‌شان با هزینه کمتر و کارایی بیشتر انجام می‌شود و در نهایت با شفافیتی که ایجاد می‌کنیم، هزینه ارائه خدمات بانکی را کاهش می‌دهیم.

از لحاظ پوشش، جامعیت، دقت و ابزارهایی که برای اعتبارسنجی استفاده می‌شود در چه وضعیتی هستیم، و چقدر با استانداردهای روز دنیا فاصله داریم؟

در حال حاضر، یک مدل امتیاز اعتباری داریم که از سال ۹۶ شبکه بانکی از آن استفاده می‌کند. این مدل براساس ۱۸ شاخص بانکی با همکاری یک شرکت خارجی طراحی شده است. دقت مدل فعلی حدود ۷۶ درصد است و به این دلیل که صرفاً شاخص‌های تسهیلات بانکی را استفاده می‌کنیم، پوشش این مدل برای اشخاص حقیقی حدود ۳۰ درصد است، چرا که تنها برای اشخاصی که تسهیلات بانکی دریافت کرده‌اند و در حال پرداخت قسط هستند، امتیاز اعتباری داریم. در مدل اشخاص حقوقی پوشش حدود ۱۰ درصد است. اما این شرکت از سال گذشته به منظور بهبود مدل امتیاز اعتباری اشخاص پروژه ساخت مدل جدید را تعریف کرد و در این راستا اقدام به ایجاد و تقویت تیم مدل‌سازی از طریق جذب نخبگان کشوری در حوزه‌های علم داده، آمار، هوش مصنوعی و اقتصاد و همچنین بهره‌گیری از مشاوران ایرانی با تجربه بین المللی، اساتید دانشگاهی و خبرگان صنعت‌های بانکی، بیمه‌ای، بازرگانی و مالیاتی نمود. پس از ساخت مدل و اخذ تاییدیه‌های لازم، سامانه و نرم‌افزارهای آن طراحی شده است. این مدل از شاخص‌های

متنوعی از جمله تسهیلات بانکی، چک، تعهدات ارزی، شاخص‌های مالیاتی، شاخص‌های قوه قضاییه، شاخص‌های صدک درآمدی و راهنمایی و راندگی استفاده می‌کند و شاخص‌های دیگری نیز در مراحل بعدی به مدل اضافه می‌شود.

در مدل جدید، با شاخص‌هایی که در آن دیده شده است، دقت مدل به ۸۹ درصد رسیده و پوشش مدل امتیاز اعتباری جدیدمان برای اشخاص حقیقی ۱۰۰ درصد شد. چرا که هم از شاخص‌های اصلی و هم جایگزین استفاده کردیم و یک مدل امتیاز اعتباری را ارائه می‌کنیم که هریک بتوانند یک امتیاز اعتباری داشته باشد. در دنیا شرکت‌های برتر، دقتی که در این حوزه دارند حدود ۹۴ درصد است و ما نیز تقریباً به دقت قابل قبولی رسیده‌ایم و امیدواریم در مراحل بعدی با اضافه شدن شاخص‌های جدید و استفاده از مدل‌های ماشین لرنینگ بتوانیم این دقت را به سطح جهانی برسانیم. در دنیا در حال حاضر ۳۰ کشور هستند که از پوشش ۱۰۰ درصدی برخوردارند که می‌خواهیم سی و یکمین کشور باشیم که در مورد اشخاص حقیقی ۱۰۰ درصد پوشش را در امتیاز اعتباری داشته باشیم.

**درباره وثیقه‌گیری از تسهیلات
خرد، بانک‌ها یا ابزارهای ندارند
یا هیچ‌وقت به سمت آن
نرفته‌اند و از تمام مشتریان با
عملکرد متفاوت وثایق یکسان
اخذ می‌شود، اما با این شیوه
اعتبارسنجی جدید چه بسا از
برخی مشتریان وثیقه‌ای اخذ
نشود.**

گاری که اعتبارسنجی انجام می‌دهد این است که بتوانیم گزارش اعتباری و تعیین

برش



اعتبارسنجی جایگزین وثیقه محوری در تسهیلات دهی می‌شود

با بانک‌های مختلف وارد مذاکره شده‌ایم و به آنها کمک می‌کنیم تا اعتبارسنجی داخلی که روی آن تاکید و تکلیف است را با مدل جدید اعتبارسنجی خود ادغام کنیم تا اعتبارسنجی داخلی بانک را هم از نظر دانشی و دقت مدل ارتقا دهیم و اگر این اتفاق بیفتد، اعتبارسنجی یا اعتبار محوری می‌تواند جایگزین وثیقه محوری در صنعت بانکی شود.

۳۰



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

ریسک اعتباری اشخاص را با دقت بسیار بالا با شاخص‌های متنوع و متعدد ارائه دهیم. در حال حاضر، هیچ الزامی برای صنعت بانکی نداریم که اگر فردی رتبه‌اش A بوده، وثیقه‌ای از او اخذ نشود. بانک مرکزی بخشنامه‌هایی را صادر کرده، اما واقعیت این است که بانک‌ها تصمیم‌گیر هستند چرا که خود بانک‌ها بر حسب الزامی که کمیته بال تعریف کرده، اعتبارسنجی داخلی دارند و بانک مرکزی هم تأکید دارد که هر بانکی باید اعتبارسنجی داخلی داشته باشد، چرا که هر بانکی رفتار مشتریان خود را پیش می‌کند و براساس اطلاعاتی که از مشتریان خود دارد، تصمیم‌گیری می‌نماید. در هر صورت، اعتبارسنجی داخلی بانک ابزار دیگری است که بانک‌ها تصمیم‌گیری بهتری داشته باشند. در این مسیر، در حال حرکت هستیم که بتوانیم گزارش‌ها را دقیق کنیم و دقت مدل را بالا ببریم تا بانک‌ها اعتماد کنند، امیدواریم این موضوع را به خصوص برای تسهیلات خُرد محقق کنیم تا اگر به بانک گزارشی را ارائه دادیم و گفتیم امتیاز اعتباری‌اش عالی است (کسی که A) باشد از نظر ما با ریسک دو درصدی مواجه است که نکل انجام دهد) بانک بتواند به بحث اعتبارمحوری اتکا کند. البته خود بانک‌ها باید به این نتیجه برسند و تلاش مان را می‌کنیم تا ارائه گزارش به گونه‌ای باشد که بانک‌ها را به این سمت سوق دهد.

با بانک‌ها هم مذاکراتی داشته‌اید؟

با بانک‌های مختلف وارد مذاکره شده‌ایم و به آنها کمک می‌کنیم تا اعتبارسنجی داخلی که روی آن تأکید و تکلیف است را با مدل جدید اعتبارسنجی خود ادغام کنیم تا اعتبارسنجی داخلی بانک را هم از نظر دانشی و هم از نظر دقت مدل ارتقا دهیم و اگر این اتفاق بیفتد، قطعاً اعتبارسنجی یا اعتبارمحوری می‌تواند جایگزین وثیقه محوری در صنعت بانکی شود و خود بانک‌ها اگر به این نتیجه برسند قطعاً این اتفاق خواهد افتاد، چرا که فرایند کار سریع‌تر و آسان‌تر می‌شود و هزینه بانک‌ها هم پایین می‌آید و جامعه نیز از این موضوع بهره‌مند می‌شود.

طبق بررسی‌هایی که شما انجام دادید چه مقدار تسهیلات بانک‌ها می‌تواند

بدون وثیقه در بخش خرد اعطا شود؟

در بحث تسهیلات خُرد با مدل جدید امتیاز اعتباری که آماده‌ایم تا بزودی آن را رونمایی کنیم، بانک‌ها می‌توانند بر حسب این مدل و با توجه به دقت بالای آن، تسهیلات خُرد را بر اساس امتیاز اعتباری برای کسانی که امتیاز بالایی دارند، بدون وثیقه ارائه دهند.

در حوزه اعتبارسنجی خارج از نظام بانکی چه اقداماتی شده است؟

دنیا دو قرن است که وارد صنعت اعتبارسنجی شده است که شروع آن با صنعت بانکی بود. سپس اجاره ملک و معاملات مسکن در سال‌های ۱۹۷۰ وارد اعتبارسنجی شد، در سال ۲۰۰۰ صنعت بیمه وارد اعتبارسنجی شده است. با وجود اینکه این صنعت دیرتر وارد اعتبارسنجی شده، اما در حال حاضر یکی از بزرگترین مشتری و مصرف‌کننده اعتبارسنجی در دنیا صنعت بیمه است.

بعد از آن BNPLها و لندتک‌ها یا فروشنده‌هایی که به صورت اقساطی کالاها را در اختیار جامعه و مردم قرار می‌دهند، وارد موضوع اعتبارسنجی شده‌اند و بحثی که در کشور ما در چند سال اخیر وجود داشت، این بود که صرفاً در حوزه صنعت بانکی برای اعتبارسنجی فعالیت می‌کردیم.

اما در یکی، دو سال اخیر اتفاقات خوبی رخ داد، حمایت‌هایی که بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سایر بازیگران انجام دادند، موجب شد وارد صنعت بیمه و معاملات شویم. همکاری‌هایی نیز با قوه قضاییه و بیمه مرکزی آغاز شده است. با BNPLها جلسات متعدد داشتیم که برای هر کدام از بخش‌ها مدل امتیاز اعتباری خاص خودشان را ارائه دهیم.

اعتبارسنجی در مسائل اجتماعی و فرهنگی هم می‌تواند کمک کند و باعث تنظیم‌گری شود، در رعایت قوانین و مقررات این حوزه می‌تواند موثر باشد و از بسیاری از جرایم جلوگیری کند. در جلساتی که با معاون پیشگیری از جرم قوه قضاییه داشتیم، همین موضوع یکی از مواردی بود که آنها پیگیر بودند و با توجه به تکلیف قانونی که داشتند قرار است یکسری از اقدامات پیشگیری از جرم را در فضای کسب و کار انجام دهیم، تا هزینه‌هایی را که متصور است، کاهش دهیم.

اعتبارسنجی با شفافیتی که ایجاد می‌کند هزینه وصول مطالبات در شبکه بانکی را کاهش خواهد داد



"رابرت شاپیرو"، استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا
در گفتگو با هفته‌نامه "تازه‌های اقتصاد" مطرح کرد:

بازیگری رسانه‌ها برای تحریک انتظارات تورمی

- کنترل تورم در آمریکا با مهار نرخ ارز امکانپذیر شد
- با کنترل نرخ ارز و انتظارات تورمی، بانک‌های مرکزی می‌توانند با سیاست‌های پولی مشخص و دقیق، پول ملی را تقویت کنند
- ثبات مالی و پولی، همزمان برای دولت‌ها دشوار است و بانک‌های مرکزی نقش برجسته‌ای در این میدان جنگ دارند
- رسانه‌ها می‌توانند در ایجاد انتظارات در جامعه نقش داشته باشند



۳۲



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

پروفسور "رابرت شاپیرو"، استاد و مدیر پیشین موسسه سیاست و تحقیقات اجتماعی و اقتصادی دانشگاه کلمبیا آمریکا، معتقد است با توجه به تحریم‌هایی که بر علیه ایران از سوی ایالات متحده آمریکا وجود دارد، بنابراین تجارت با کشورهای همسایه و توافقات تجاری دوجانبه و چند جانبه می‌تواند به بهبود وضعیت صادرات و واردات آن کمک کند.

"رابرت شاپیرو"، استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا است. وی دکتری خود را از دانشگاه شیکاگو اخذ کرده است. وی رئیس سابق دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا و مدیر موسسه سیاست و تحقیقات اجتماعی و اقتصادی دانشگاه کلمبیا و عضو انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم بوده است. او در سال ۲۰۱۲ جایزه برجسته دانشکده کلمبیا و در سال ۲۰۱۰ نیز جایزه دستاورد ویژه انجمن آمریکایی تحقیقات افکار عمومی (NYAAPOR) را دریافت کرد. او در فضای سیاسی و اقتصادی آمریکا با علایق تحقیق و تدریس در افکار عمومی، سیاست‌گذاری، رهبری سیاسی، رسانه‌های جمعی و کاربرد روش‌های آماری تخصص دارد.

وی ویراستار بخش "نظرسنجی‌ها-روندها"، فصلنامه افکار عمومی بوده است و در حال حاضر رئیس کمیته مشورتی این مجله است. او همچنین در هیأت تحریریه فصلنامه علوم سیاسی، فصلنامه مطالعات ریاست جمهوری، فصلنامه افکار عمومی و بررسی انتقادی فعالیت می‌کند و رئیس هیأت مدیره مرکز تحقیقات افکار عمومی راپر است. تحقیقات کنونی او به بررسی قطبی شدن حزبی و سیاست ایدئولوژیک در ایالات متحده و همچنین سایر موضوعات مرتبط با افکار عمومی و سیاست‌گذاری می‌پردازد. متن زیر حاصل گفتگوی هفته‌نامه "تازه‌های اقتصاد" با "رابرت شاپیرو"، استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا است.

نقش انتظارات در بروز نوسانات نرخ ارز چیست و چگونه می‌توان با کنترل انتظارات، نوسانات نرخ ارز را کاهش و پول ملی را تقویت کرد؟

من فکرمی‌کنم پدیده‌ای است که با کنترل نرخ ارز و انتظارات تورمی، بانک‌های مرکزی می‌توانند با سیاست‌های پولی مشخص و دقیق، پول ملی را

تقویت کنند. برای نمونه، فدرال رزرو آمریکا در تلاش است تا با کنترل انتظارات در نرخ ارز و نرخ سود بانکی، تورم را روی دو درصد کنترل کند، تلاشی که تاکنون موفقیت‌آمیز بوده است.

چه راهکارهایی برای بهبود انتظارات مثبت و همگرایی در جامعه وجود دارد و نحوه تدوین سیاست‌های پولی و مالی چه نقشی در این زمینه می‌تواند داشته باشد؟

بانک‌های مرکزی اقتصاد جامعه را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که انتظارات مردم برآورده شود. سیاست‌های پولی و مالی دوا برار مهم اقتصادی هستند که بانک‌های مرکزی برای مدیریت اقتصاد و در نتیجه برآوردن انتظارات مردم یک جامعه از آنها استفاده می‌کنند، اگر چه نه همه انتظارات، اما حداقل بخشی از انتظارات مردم را از این طریق تأمین می‌کنند. اما از نظر تاریخی ثابت شده است که ثبات مالی و پولی، همزمان برای دولت‌ها دشوار است و بانک‌های مرکزی نقش برجسته‌ای در این میدان جنگ دارند.

اعتماد عمومی به دولت و شفافیت در سیاست‌ها چه نقشی در دیدگاه و انتظارات مردم در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله کنترل تورم و نرخ ارز دارد و چه راهکارهایی برای افزایش اعتماد عمومی به سیاست‌های کلان اقتصادی وجود دارد؟

اعتماد عمومی در بخش انتظارات مهم است. اما برای مثال، ایالات متحده آمریکا در حال حاضر دارای مردمی است که متعلق به حزب جمهوری خواه یا دموکرات هستند. به عبارت دیگر، مردم تقریباً از این دو حزب حمایت می‌کنند و تحت تأثیر این دو حزب هستند. مردم به رهبران حزب مخالف به صورت کلی اعتماد ندارند، به همین دلیل است که اعتماد به بایدن در دولت فعلی پایین است و جمهوری خواهان به دولت وی اعتماد ندارند، از سویی رای دهندگان مستقل تا حدودی اعتماد بیشتری نشان می‌دهند، با این حال، دموکرات‌ها به دلیل برداشت‌هایی که دولت انجام داده است، نسبت به گذشته حمایت پایین‌تری دارند. البته دولت بایدن در مورد قیمت‌های بالا و اجاره‌بها و در سایر حوزه‌های سیاستی مانند مرز جنوبی خوب عمل کرده است.

فدرال رزرو آمریکا در تلاش است تا با کنترل انتظارات در نرخ ارز و نرخ سود بانکی تورم را روی دو درصد کنترل کند، تلاشی که تاکنون موفقیت‌آمیز بوده است





سیاست‌های پولی و مالی
دو ابزار مهم اقتصادی
هستند که بانک‌های
مرکزی برای مدیریت
اقتصاد و در نتیجه برآوردن
انتظارات مردم یک جامعه از
آنها استفاده می‌کنند

بانک‌های مرکزی با کنترل نرخ ارز و تورم می‌توانند پول ملی را تقویت کنند. از دیگر اقدامات برای تقویت پول ملی، می‌توان به افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تولید داخلی، توسعه صادرات و کاهش واردات اشاره کرد. به عبارتی، تراز تجاری در این میان نقش دارد.

انقصاد قراردادهای پولی دوجانبه و چندجانبه با کشورها در حوزه تجارت خارجی تا چه اندازه می‌تواند به تقویت ارزش ریال ایران کمک کند؟

ایران در حال حاضر با تحریم‌های بسیاری از سوی ایالات متحده آمریکا مواجه است، بنابراین تجارت با کشورهای همسایه و توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه می‌تواند به بهبود وضعیت صادرات و واردات آن کمک کند. ایران در سال گذشته میلادی به عضویت چندین سازمان بین‌المللی درآمد که می‌تواند به وضعیت اقتصادی آن کمک کند. به صورت کلی، کشورهای بزرگ و توانمند، پول ملی خود را از طریق کنترل تورم، مهار نرخ ارز، حفظ ثبات ملی و تنظیم نرخ بهره تقویت می‌کنند.

به نظر شما، نقش رسانه‌ها در نحوه انتشار اخبار و اطلاعات و تأثیرگذاری آن بر انتظارات مردم چيست و چگونه بر کنترل و یا تشدید تورم و حفظ ارزش پول ملی می‌توانند تأثیرگذار باشند؟ به صورت کلی، مسئولیت رسانه‌ها در کنترل انتظارات جامعه چیست؟

فکر می‌کنم رسانه‌ها در تقویت مشکلات نقش خاصی دارند. با وجود این، افراد می‌توانند در زندگی و تجربیات شخصی خود، برداشت‌هایی از شرایط داشته باشند. به عنوان نمونه، قیمت‌های بالایی را در بخش اجاره مسکن احساس کنند، بنابراین رسانه‌ها در این حوزه اهمیت کمتری دارند. در عین حال، رسانه‌ها می‌توانند در ایجاد انتظارات در جامعه نقش داشته باشند.

تقویت ارزش پول ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها شناخته می‌شود. پیش‌نیازهای رسیدن به این هدف چیست؟

بـرش



جایگاه بانک مرکزی در حفظ ارزش پول ملی

بانک‌های مرکزی با کنترل نرخ ارز و تورم می‌توانند پول ملی را تقویت کنند. از دیگر اقدامات برای تقویت پول ملی، می‌توان به افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تولید داخلی، توسعه صادرات و کاهش واردات اشاره کرد. به عبارتی، تراز تجاری در این میان نقش دارد.

۳۴



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

"رجب ارچین"، رئیس هیات مدیره انجمن روزنامه نگاران اقتصادی ترکیه
در گفتگو با تازه های اقتصاد:

اخبار گرانی ها به تورم ترکیه دامن زد!

- با گسترش شبکه های اجتماعی و اینترنتی، در معرض تبلیغات یا اطلاعات نادرست یکطرفه قرار داریم
- دولت ترکیه از طریق اداره ارتباطات ریاست جمهوری با اطلاعات نادرست مبارزه می کند
- اخبار نادرستی در رسانه های ترکیه منتشر شد که باعث شد تا بانک مرکزی ترکیه اقدام به خرید ارز از بازار کند
- اگر هر روز اخبار منتشره از گرانی ها حکایت داشته باشد هیچ کس باور نمی کند که تورم گاهش خواهد یافت



اگر شما
شبانروز
بگویید که
کشوری به
سمت ابرتورم
خواهد رفت
همه براساس
آن موضع
می گیرند، بدین
ترتیب انتظار
بروز این پدیده
نیز به وجود
خواهد آمد

رجب ارچین، فعال رسانه‌ای و مدیر بخش اقتصادی روزنامه آیدینلیک ترکیه است که تاکنون مطالب زیادی را در حوزه اقتصاد در رسانه‌های مختلف ترکیه به رشته تحریر درآورده و برنامه‌های تلویزیونی متعددی را با موضوعات اقتصادی تهیه کرده است. وی رئیس هیات مدیره انجمن روزنامه‌نگاران اقتصادی است و همچنین در جمعیت روزنامه‌نگاران ترکیه، انجمن رسانه‌های اطلاع‌رسان، انجمن صنعتگران و کارآفرینان بشیکناش و اتحادیه روزنامه‌نگاران ترکیه عضویت دارد. ارچین که از دانشکده اقتصاد دانشگاه آناتولی ترکیه فارغ التحصیل شده، در یادداشت‌ها و برنامه‌های تلویزیونی خود، به ارزیابی مسائل و ابعاد مختلف اقتصاد ترکیه می‌پردازد. هفته‌نامه "تازه‌های اقتصاد"، گفتگویی را با رجب ارچین انجام داده که در آن تأثیر اخبار خلاف واقع بر ایجاد انتظارات تورمی، خدشه‌دار کردن اعتماد عمومی نسبت به نهادهای رسمی و اختلال در چرخه اقتصادی کشور ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است. مشروح این گفتگو به شرح زیر است:

با افزایش میزان ارتباطات در سطح جهان، تأثیرگذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی نیز افزایش یافته است. آیا این افزایش وابستگی به اخبار، اساساً اتفاق خوبی است یا بد؟

افزایش علاقه به اخبار، امری مثبت است، اما اگر خبری واقعی در میان باشد. متأسفانه امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی، در معرض تبلیغات یا اطلاعات نادرست یکطرفه قرار داریم. خبر مجموعه‌ای از پدیده‌هاست و در خبر نباید جهت‌دهی وجود داشته باشد. خبر حاوی پیامی است و انتقال این پیام، باید مبتنی بر حقایق باشد و حق بیان طرفین را محفوظ بدارد. امروز دولت ترکیه از طریق اداره ارتباطات ریاست جمهوری با اطلاعات نادرست مبارزه می‌کند. دکتر فخرالدین آلتون، رئیس این نهاد، در این مورد پیام‌های مهمی را منتشر می‌کند و کارهای بسیار مفیدی انجام می‌دهد.

آیا تأثیرگذاری رسانه‌ها به تصمیمات کلان سیاست‌گذاران در تمامی حوزه‌ها، به ویژه اقتصادی و پولی نیز کشیده شده است؟ شما این موضوع را چگونه تفسیر می‌کنید؟

فکر نمی‌کنم که رسانه‌ها بتوانند بر تصمیمات سیاست‌مداران تأثیر بگذارند، اما می‌توانند با جهت‌دهی به افکار عمومی در مورد موضوعات خاص، توجهات را به مسائل حساسی جلب کنند. البته رسانه‌های جهانی بحث دیگری است. رسانه‌های جهانی دائماً علیه کشورها و دولت‌هایی که با غرب ادغام نشده‌اند، تبلیغات می‌کنند.

اساساً رسانه چگونه بر تصمیمات کل جامعه تأثیر می‌گذارد؟ مشاهده می‌شود که این تأثیرگذاری‌ها حتی بر تصمیمات فدرال رزرو، بانک مرکزی اروپا و نهادهای مختلف پولی کشورها نیز وجود دارد؟

بانک‌های مرکزی با نگاه به پویایی بازار تصمیم می‌گیرند نه رسانه‌ها. اما رسانه‌ها آن تصمیمات را در چارچوب خود تفسیر می‌کنند. اگر شما شبانه‌روز بگویید که کشوری به سمت ابرتورم خواهد رفت، همه براساس آن موضع می‌گیرند. بدین ترتیب انتظار بروز این پدیده نیز به وجود خواهد آمد. البته دلایل مشخصی برای این امر وجود دارد. اینها را در ترکیه در دوره گذشته تجربه کردیم.

یک مسئله حائز اهمیت این است که رسانه‌ها بر انتظارات جامعه به شکل منفی اثرگذاری بالایی دارند و اخبار می‌تواند یک سیاست‌گذاری مهار تورمی را با چالش مواجه کند. برای مدیریت بر این فضا چه اقدامی باید صورت گیرد؟

مهم‌ترین مسئله در تورم، مدیریت انتظارات است. اگر هرروز اخبار منتشره از گرانی‌ها حکایت داشته باشد، هیچ کس باور نمی‌کند که تورم کاهش خواهد یافت. بنابراین همه به افزایش قیمت‌های اولیه روی می‌آورند. باز هم در کوتاه‌مدت این را در اقتصاد ترکیه تجربه کردیم. از اینرو، مدیریت انتظارات امری حیاتی است. روسای بانک مرکزی در اینجا باید وارد عمل بشوند. تیم‌های ارتباطی باید هم در زمینه رسانه و هم در حوزه اقتصاد، علم کافی را داشته باشند. باید از اظهارات غیرضروری خودداری کرد و همراه با انتقال پیام به صورت شفاف و واضح، تیم اقتصادی دولت اظهارات حمایتی انجام دهد. همچنین لازم است تا با خبرنگاران و جامعه اقتصادی به ویژه کسانی که بر



افکار عمومی تاثیر دارند ارتباط نزدیک‌تری برقرار کرد.

شاخص‌های اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان امروز از نحوه پوشش اخبار و تحلیل‌ها تاثیرپذیری دارند. چگونه می‌توان هدایت جریان‌های خبری را به سمت امیدآفرینی و نگرش مثبت در جامعه سوق داد؟

خبرنگاران اقتصادی در اینجا مسئولیت بزرگی دارند. ما این‌را در بحث داده‌های سازمان آمار ترکیه شاهد هستیم. اگرچه هیچ اطلاعات جایگزینی در همان سطح در برابر داده‌های سازمان آمار وجود ندارد، اما اخبار گمراه‌کننده‌ای در رسانه‌ها منتشر می‌شود. به‌نظم کسانی که در حوزه اقتصاد دست به قلم می‌شوند، باید در این زمینه تحصیل کرده باشند. تنها با مطالعه ارتباطات نمی‌توان به این مهم دست یافت. خواندن نمودارها و تجزیه، تحلیل و تفسیر داده‌ها مهم هستند. علاوه بر این، صاحب رسانه‌ای که اقتصاد نمی‌داند در معرض جهت‌دهی‌های نظرات مختلف اقتصادی قرار می‌گیرند. از این رو، توجه به مفهوم "خبرنگاری مسئولانه" در رسانه‌ها ضرورت دارد.

برخی جریان‌های خبری در کشورها اثرگذاری زیادی بر بازارها از جمله ارز دارند و بانک‌های مرکزی از این منظر با چالش مواجه می‌شوند. در این فضا چه اقدامی باید انجام شود؟ نحوه مدیریت برای مهار پمپاژ اخبار منفی چگونه باید صورت گیرد؟

طبیعتاً اخبار منفی هم وجود دارد و نمی‌توان مانع

آن شد. اما در صورت وجود اطلاعات نادرست در متن خبر، می‌توان آن را اصلاح کرد. رسانه‌ای که خبری را منتشر می‌کند، از نظر اخلاق خبرنگاری باید حق بیان و یا اعتراض افراد را محفوظ بدارد، زیرا در غیراینصورت، یک متن یکطرفه پدید می‌آید. وقتی چنین موضوعی اتفاق می‌افتد واحدهای اقتصادی باید یک روش ارتباطی مشخصی را تعیین کنند تا اطلاعات صحیح را به مخاطبان خود برسانند و از طریق عوامل موثر در رسانه‌ها، اقدام متقابلی انجام دهند. بنابراین باید یک سیاست ارتباطی فعال، به ویژه از نظر رفع برداشت‌های منفی در مورد اقتصاد اتخاذ شود.

بانک‌های مرکزی قطعاً به یک ارتباط تنگاتنگ، اما نه بی‌تفاوت با رسانه‌ها نیاز دارند. به ویژه، باید از نشأت اطلاعات داخلی جلوگیری شود. رئیس کل بانک مرکزی یا اعضای شورای سیاست‌پولی، نباید اظهارات غیرضروری در رسانه‌ها داشته باشند. اینکه کجا و چه زمانی و چه پیامی داده شود، باید از قبل مورد برنامه‌ریزی قرار گیرد. رسانه را نه، اما ارتباط را می‌توان کنترل کرد.

مطالعات صورت گرفته در کشورهایی که اثرپذیری بالایی از اخبار منفی دارند چه حقایقی را درباره رسانه‌ها نمایان کرده است؟ جدا از برخی رسانه‌ها که انگیزه‌های سیاسی و حزبی دارند، نحوه هدایت تحلیلگران رسانه‌ها چگونه باید باشد؟

این سوال را می‌توان با مثالی از ترکیه پاسخ داد. در زمان برات آلبایراک، وزیر اسبق خزانه‌داری و دارایی ترکیه، گام‌های مهمی در خصوص اقتصاد مستقل و ملی برداشته شد. با این حال، متأسفانه یک گروه در رسانه‌ها این مراحل را به درستی منتقل نکردند. من ایده‌هایم را به

بانک‌های مرکزی قطعاً به یک ارتباط تنگاتنگ، اما نه بی‌تفاوت با رسانه‌ها نیاز دارند. به ویژه، باید از نشأت اطلاعات داخلی جلوگیری شود



تفسیر گمراه‌کننده از آمارهای اقتصادی ترکیه

خبرنگاران اقتصادی مسئولیت بزرگی دارند. ما این‌را در بحث داده‌های سازمان آمار ترکیه شاهد هستیم. اگرچه هیچ اطلاعات جایگزینی در همان سطح در برابر داده‌های سازمان آمار وجود ندارد، اما اخبار گمراه‌کننده‌ای در رسانه‌ها منتشر می‌شود. به‌نظم کسانی که در حوزه اقتصاد دست به قلم می‌شوند، باید در این زمینه تحصیل کرده باشند. تنها با مطالعه ارتباطات نمی‌توان به این مهم دست یافت. خواندن نمودارها و تجزیه، تحلیل و تفسیر داده‌ها مهم هستند.



هدایت رسانه‌ها برای انتقال درست مفاهیم و اقدامات سیاست‌گذاران پولی و بانک‌های مرکزی در زمینه مهار تورم و کنترل نرخ‌ها در بازار ارز، چگونه باید باشد؟ چقدر رسانه‌ها در موفقیت و یا شکست یک سیاست پولی می‌توانند تأثیرگذار باشند؟

رسانه از قدرت جهت‌دهی و گمانه‌زنی بالایی برخوردار است. از این منظر، انتقال پیام‌های درست به بازیگران بازارساز اهمیت دارد. زیرا هر چقدر هم که سیاه‌نمایی انجام شود، تأثیر دولت حتی در اقتصادهای بازار آزاد کم نیست. اقدامات بانک‌های بازارساز و هدایت‌های بزرگ هم در بخش عرضه و هم در تقاضا از طریق طبقه کارگر موثر است. کنترل عرضه پول و بافرهای جریان سرمایه داغ‌نیز بر تورم و قیمت‌ها تأثیر دارد. اگر از اقداماتی که منجر به بازار سیاه و افزایش فعالیت‌های غیر رسمی می‌شود اجتناب شود، هدایت افکار عمومی با رویدادهای عینی به اهداف تعیین شده آسان‌تر خواهد بود.

آیا مواردی وجود دارد که رسانه‌ها بر سیاست‌های بانک مرکزی و با اقتصادی ترکیه تأثیر منفی گذاشته باشند؟

بله، ما این را در ترکیه تجربه کردیم. به خصوص در دوره‌ای که شرکت‌های سهامی عام مسیر بازار غیررسمی را برای تهیه ارز دنبال می‌کردند، اخبار نادرستی در رسانه‌های ترکیه منتشر شد که از آن جمله می‌توان به خرید ارز از این بازار توسط بانک مرکزی اشاره کرد. علاوه بر این، با گمانه‌زنی‌های "ذخایر منفی به جز سوآپ"، این تصور ایجاد شد که خزانه دولت بی‌پول شده است.

مقاماتی که در آن زمان به آنها دسترسی داشتم، منتقل کردم و نظرم این بود که به نویسندگان و تحلیلگران بی‌طرفی نیاز است تا سیاست‌های ملی را برای افکار عمومی تشریح کنند. اما مقام‌های دولتی انتقادهارا نپذیرفتند. همچنین مجدداً تلاش کردم که به نورالدین نباتی، وزیر سابق خزانه‌داری و دارایی درباره راهکارهایی که باید اتخاذ شود، مطالبی را انتقال دهم. در دوره گذشته با بسیاری از وزرا و مشاوران بانک مرکزی درباره این موضوعات صحبت کردم، اما گاهی اوقات سیاست می‌تواند مانع همه چیز شود. اقتصاد نباید قربانی سیاست‌های روزمره شود. برای استقلال و توسعه اقتصادی، اتحاد جامعه حول یک آرمان ضروری است. ترکیه این را در دوره مصطفی کمال آتاترک تجربه کرد. فدراسیون روسیه با وجود تحریم‌ها امروز با پوئین این روند را دنبال می‌کند. ایران نیز سال‌هاست که توانسته است در مقابل تحریم‌ها ایستادگی کند. اینها در عصر جهانی شدن کار آسانی نیست. جلب حمایت مردمی ضروری است.

متأسفانه، نهاد رسانه‌ای با حمایت‌ها و یا هدایت‌های خارجی گاهی می‌تواند به دلیل علاقه به تولید اخبار، به سخنگوی برخی جریان‌ها تبدیل شوند. برای مثال ما این موضوع را در کشورمان در حوزه معدن تجربه می‌کنیم. این ادعاها با استدلال‌های ساختگی مانند ذخایر خالص و اظهارات بی‌اساس مانند "اقتصاد فروپاشیده شده" انجام می‌شود. اخبار بد به سرعت پخش می‌شود و افکار عمومی کمتر به تحولات مثبت دقت می‌کند. با این حال، پس از مدتی که سناریوهای بد محقق نمی‌شود، همه به کسانی گوش فرا می‌دهند که تحلیل‌های عینی دارند. از اینرو، به کسانی احتیاج است که پیام‌های درست را به مردم انتقال دهند.

رسانه‌ها چگونه انتظارات را در جامعه شکل می‌دهند؟

روسای بانک‌های مرکزی کانون توجه مخاطبان اخبار اقتصادی

- اظهارات روسای کل بانک‌های مرکزی و مقامات پولی در کانون توجهات مخاطبان رسانه‌ها است
- رسانه‌ها، خط مقدم اطلاع‌رسانی جمعی و فراگیر در باب موضوعات مختلف اقتصادی هستند
- رسانه‌های جمعی بر سیاست‌گذاری‌های کلان و انتظارات اقتصادی جامعه اثر دارند

مبتنی بر این مهم، در پرونده پژوهشی حاضر، به بررسی جایگاه، نقش و اثر جریان‌های خبری و رسانه‌ای در تحقق اهداف مرتبط با سیاست‌های کلان اقتصادی در جوامع مختلف و همچنین نقش رسانه‌های جمعی بر شکل‌گیری انتظارات در جامعه می‌پردازیم.

جریان‌های خبری و اثر عملکرد رسانه‌ای بر پیشبرد سیاست‌های کلان اقتصادی

رسانه‌ها، خط مقدم اطلاع‌رسانی جمعی و فراگیر در باب موضوعات مختلف اقتصادی هستند. سایت‌های خبری عمومی و اقتصادی، صفحات مجازی مرتبط با اخبار اقتصادی در پلتفرم‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی منتسب به دولت‌ها، جناح‌های سیاسی و اقتصاددانان و تحلیل‌گران، بخش‌های خبری اقتصادی رادیو و تلویزیون، ستون‌ها و صفحات اقتصادی رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه‌ها و مجلات، کنفرانس‌های خبری، نشست‌های مطبوعاتی مدیران بانک مرکزی، وزرا و متولیان امور اقتصادی و صنعتی، همه و همه، منبع تغذیه‌پذیر و بی‌پایان انتقال داده‌ها، اطلاعات و محتوای

موضوع تاثیر محتوای رسانه‌ای و خبری بر چگونگی خلق و عملیاتی‌سازی تصمیمات مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی یک کشور و همچنین پیامدهای این اثرات بر شکل‌گیری انتظارات عقلانی و غیرمنطقی شهروندان و فعالان اقتصادی در دهه‌های اخیر، به ویژه پس از تکرر وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی در پهنه جهان، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. از آنجا که پیش‌بینی و انتظارات ناشی از بمباران اطلاعاتی رسانه‌ها بر رفتار اقتصادی افراد، چه متولیان سیاست‌های اقتصادی و چه شهروندان عادی جامعه، در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت و به طبع آن، بر روند حرکت متغیرهای اقتصادی در بستر جهانی، اثرگذار است، مطالعات و پژوهش‌های میان رشته‌ای رسانه و اقتصاد، جلوه دیگری به خود گرفته است. به همین دلیل است که اهتمام ویژه به مسئله تاثیر رویکرد و تصمیم رسانه‌های اجتماعی بر نحوه عملکرد و تصمیم‌سازی‌گذاران کلان و افکار عمومی، ما را در پیش‌بینی و برآورد وضعیت آتی شاخص‌های کلان اقتصادی و چشم‌انداز تغییرات بلندمدت آنها، یاری می‌رساند.



هنگامی که در شرایط تورمی و تلاطم بازارهای مالی، افراد برای کاهش هزینه فرصت نگهداری پول، به سراغ ابزارهای حفظ ارزش دارایی‌ها می‌روند. قطعا به علت اطلاعاتی است که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند

خبری به مخاطبان حرفه‌ای و شهروندان عادی یک کشور هستند. به زبان ساده، در هر کشوری، دولت و کابینه اقتصادی حاکمیت، هر سیاستی را طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا کند، یا حتی فقط قصد انجام آن را داشته باشد، شهروندان و عموم مردم، به سرعت از طریق محتوای مندرج در رسانه‌های جمعی و خبری، مطلع شده و بر همان اساس، انتظارات اقتصادی آنی خود را شکل می‌دهند.

روی دیگر این سکه آن است که پژوهش‌های میان رشته‌ای بسیاری نشان می‌دهد که پارامتر "موضع‌گیری رسانه‌ای" و "نحوه و چگونگی انتقال خبر" بر پیشبرد و یا توقف پیاده‌سازی و تحقق یا عدم تحقق و حتی در به نتیجه رسیدن سیاست‌های کلان اقتصادی و هدف‌گذاری‌های مبتنی بر حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی، به شدت تأثیرگذار است. به عنوان نمونه، هنگامی که در شرایط تورمی و تلاطم بازارهای مالی، افراد برای کاهش هزینه فرصت نگهداری پول، به سراغ سایر ابزارهای حفظ ارزش دارایی‌ها از جمله ارز، طلا یا سهام می‌روند، وقوع این امر، قطعا به علت اطلاعات و داده‌هایی است که مردم و تحلیل‌گران، از طریق انتقال محتوای رسانه‌ها دریافت می‌کنند. لذا در این مواقع است که اعمال هرگونه سیاست متفاوت از جریان فکری و انتظارات عموم مردم از سوی دولت، بدون حمایت صحیح و همه‌جانبه رسانه‌های جمعی، با شکست مواجه خواهد شد.

لذا به همین دلیل است که تحقیقات مختلف پژوهشگران و اقتصاددانان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، محتوای رسانه‌ای و خبری، اهرم بسیار مهم و تأثیرگذار بر شکل‌گیری الگوی انتظارات ذهنی افراد نسبت به آینده بازارها و متغیرهای اقتصادی است که خود این مولفه نیز به طور معنادار و محسوس می‌تواند بر نحوه عملکرد و تصمیمات سیاست‌گذاران کلان اقتصادی در یک اقلیم، موثر واقع شود.

رسالت رسانه‌ها در انتقال اطلاعات و اثرگذاری بر انتظارات

هم سیاست‌گذاران در بدنه اقتصادی یک حاکمیت و هم فعالان اقتصادی (چه به عنوان یک شهروند عادی و چه به عنوان یک تحلیل‌گر حرفه‌ای) بر اساس انتظارات و پیش‌بینی‌های خود از وضعیت آتی اقتصادی، هم‌مبتهی بردانش و اطلاعات شخصی و هم مبتنی بر بازخورد جریان‌ات رسانه‌ای و خبری، تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند. این مسئله در بسیاری از پژوهش‌های معتبر علمی به اثبات رسیده که در ذیل برخی از آنها را مشاهده می‌کنید:

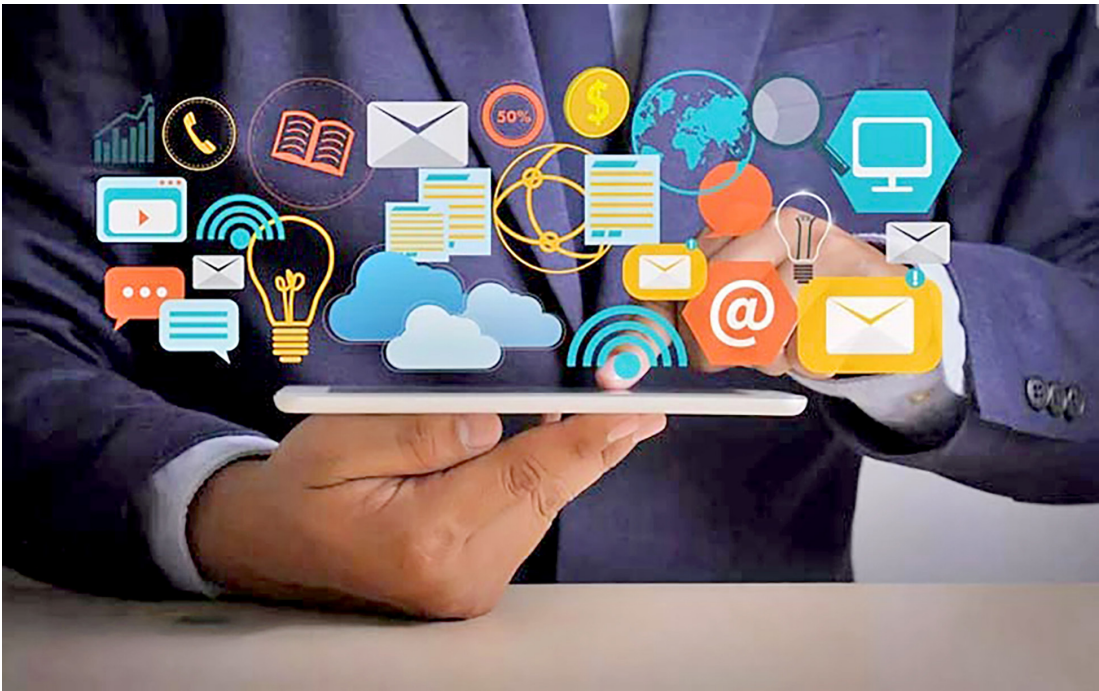
مروری بر تجربیات پژوهشی تأثیر رسانه بر عملکرد سیاست‌گذاران و شهروندان

- به عنوان نمونه، شاید جالب باشد که بدانید، برخی تحقیقات، از وجود شواهد اولیه در مورد "حساسیت‌پذیری انتظارات اقتصادی افراد نسبت به تفاوت در محتوای رسانه‌ای دریافتی"، خبری می‌دهند. یعنی تفاوت در نحوه و نوع ارائه اطلاعات و داده‌های اقتصادی مشابه، می‌تواند اثر متفاوت و قابل توجهی بر عملکرد سیاست‌گذاران اقتصادی و انتظارات اقتصادی عموم جامعه بگذارد. یعنی نحوه پوشش خبری و رسانه‌ای موضوعات اقتصادی به ویژه انتقال اطلاعات در مورد مباحث اقتصادی ملی و منطقه‌ای، بر تحقق و یا عدم تحقق یک سیاست کلان منطقه‌ای یا ملی، با اثرگذاری بر ارزیابی شهروندان نسبت به انتظارات آتی در حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری، تأثیر معنادار می‌گذارد.
- در نمونه دیگر، پژوهش دایک و زینگالس، دو تن از متخصصان حوزه اقتصاد اطلاعات، با ارائه شواهدی از ادراک متفاوت متولیان اقتصادی یک جامعه و شهروندان یک کشور نسبت به یک محتوای اقتصادی یکسان ارائه شده توسط چند رسانه، نقش پیچیده و متنوع‌تری برای رسانه‌های خبری در شکل دادن به تصمیمات و عملکرد سیاست‌گذاران در مقابل انتظارات اقتصادی شهروندان قائل می‌شود. آنها همچنین با یک پیمایش میدانی فراگیر در بریتانیا،

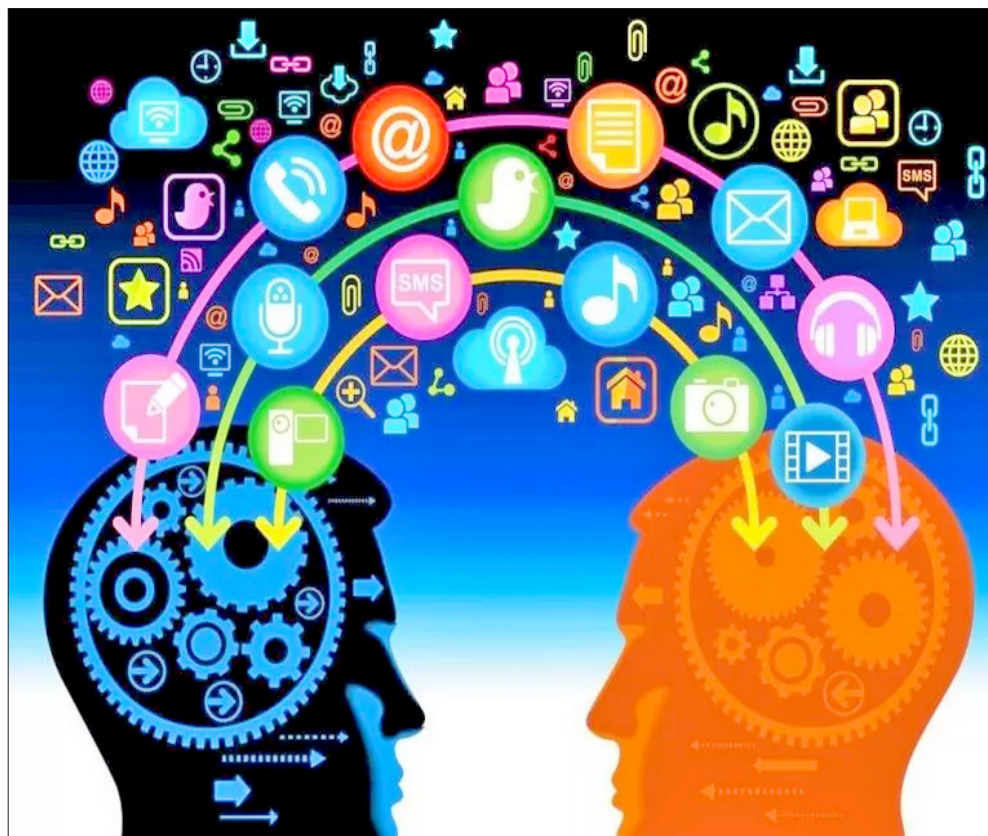


انتقال سیاست‌های دولت از طریق رسانه‌ها به مردم

در هر کشوری، دولت و کابینه اقتصادی حاکمیت، هر سیاستی را طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا کند، یا حتی فقط قصد انجام آن را داشته باشد، شهروندان و عموم مردم، به سرعت از طریق محتوای مندرج در رسانه‌های جمعی و خبری، مطلع شده و بر همان اساس، انتظارات اقتصادی آنی خود را شکل می‌دهند.



- در اجلاس اقتصادی سالانه داووس در سال ۲۰۲۱، استیگلیتز، برنده جایزه نوبل ۲۰۰۱ اقتصاد اعلام کرد که رسانه‌ها، در جهت جلوگیری از عدم تقارن اطلاعاتی و به خصوص در ترویج شفافیت در حوزه عمومی، نقش غیرقابل انکاری دارند. همچنین وی در ادامه سخنرانی خود، خاطرشان کرد: «روای بانک‌های مرکزی، نسبت به مطالبی که از آنها در رسانه‌ها درج می‌شود، حساس باشند. ما در نظرسنجی‌های فراگیر خود دریافته‌ایم که، مخاطبان رسانه‌ها، به‌طور طبیعی، بیشترین توجه خود به شکل‌دهی انتظاراتی آن در مورد بازارها را معطوف به سخنان روای بانک‌های مرکزی و سایر مقامات پولی کشورشان در خصوص نرخ‌های تورم، ارزش پول ملی، ارز و طلا و بازارهای سهام می‌کنند».



خبرسازی برای برجسته‌سازی تحولات اقتصادی

اثر جریان‌های پُر قدرت رسانه‌ای بر پیش‌بینی‌های اقتصادی

- رسانه‌های جمعی بر سیاست‌های کلان اقتصادی و انتظارات جامعه اثر افق‌نگری دارند
- تکرار اطلاعات معین و واحد در رسانه‌ها، بدون توجه به میزان دقت مخاطبان، اثر افق‌نگری خود را برجای می‌گذارد
- در بحث افق‌نگری اقتصادی رسانه‌ها، در حوزه روانشناسی شناختی، مبحث "برجسته‌سازی" اهمیت قابل توجهی دارد

۴۲



اقتصاد

● شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ ●

در بخش دوم از پرونده پژوهشی "ارمغان محتوای رسانه‌ای برای حاکمیت اقتصادی جوامع بشری"، به بررسی قدرت اقناع‌گری جریان‌های رسانه‌ای در تغییر سیاست‌ها، انتظارات جامعه و چگونگی تأثیر رسانه‌ها بر دیدگاه سیاست‌گذاران کلان و صاحب‌نظران اقتصادی می‌پردازیم.

جریان رسانه‌ای، قدرت اقناع‌گری بالقوه در تغییر سیاست‌ها و انتظارات آتی اقتصادی

کانمن، روان‌شناس میان‌رشته‌ای و پژوهشگر اقتصاد رفتاری که به خاطر تحقیقات خود در این زمینه، جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۲ را دریافت کرد، استدلال می‌کند که انتظارات، پیش‌بینی‌ها و رفتار اقتصادی سیاست‌گذاران اقتصادی، شهروندان و عموم مردم، بیشتر، تحت تأثیر انگیزه‌های روانشناسی قرار می‌گیرد و بهترین منبع برای ارائه بسط و گسترش این انگیزه‌ها، رسانه‌ها هستند. وی معتقد است که قدرت اقناع‌گری رسانه‌ها در مورد مباحث مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری، از سایر ابزارهای در اختیار بشر، بالاتر است.

کانمن خاطر نشان می‌کند که صرفاً، تکرار اطلاعات معین و واحد در رسانه‌ها، بدون توجه به میزان دقت مخاطبان، اثراقناعی خود را بر جای می‌گذارد.

در واقع، در اثر فعالیت جریان رسانه‌ای، مخاطبان ما، چه متولیان سیاست‌های کلان اقتصادی یک کشور باشند و چه عامه مردم، چنانچه به اقناع برسند، انگیزه‌های درونی در آنها رشد کرده و خود، رسولان هر اندیشه یا هر پیام ارتباطی در جامعه خواهند شد.

مبتنی بر نظرات کانمن، سایر پژوهش‌های متمرکز در این حوزه نشان می‌دهد افرادی که موقعیت اجتماعی بالایی در یک کشور دارند و در معرض برخورد و مواجهه کمتر با شهروندان عادی جامعه قرار دارند، عمدتاً با خواندن یا تماشای اخبار متوجه می‌شوند که چه محتوایی، مردم عادی را هدایت می‌کند. لذا متولیان و سیاست‌گذاران رسانه‌ای سعی می‌کنند با

گنجاندن داده‌های خبری مدنظر خود در خروجی رسانه‌ای تحلیل‌های اقتصادی، آنچه که این افراد را به حرکت در می‌آورد، مدنظر قرار دهند و از این حیث می‌توانند به عنوان بازوی اجرایی بالقوه و اهرمی کارا و قدرتمند برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان یک اقلیم در مسیر تحقق اهداف متعالی اقتصادی، محسوب شوند. همچنین در همین راستا، دامسترا، محقق مدل‌سازی اقتصادی در دانشگاه کمبریج، در سال ۲۰۲۳، با استناد به خروجی چندین نظرسنجی جامع در افق‌های کوتاه مدت و بلندمدت اقتصادی و ترکیب آن با یک مدل‌سنجی پیشرفته به این نتیجه می‌رسد که، محتوای خبری اقتصادی، نه تنها مستقیماً بر ارزیابی‌های فردی، بلکه بر ارزیابی‌های کلان اقتصاد ملی در کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌ها، به جد می‌توانند به فرآیند اقناع جامعه در جهت کنترل هر چه بیشتر نحوه شکل‌دهی به انتظارات اقتصادی آنها و همراهی عموم مردم با تصمیمات کلان و سیاست‌های اجرایی فراگیر حاکمیت اقتصادی یک کشور، یاری رسانند. حال پرسش اساسی این است که رسانه‌ها چگونه دست به اقناع می‌زنند؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید بفهمیم که چه عاملی، بر قدرت برجسته‌سازی رسانه‌ها اثر می‌گذارد؟

قدرت برجسته‌سازی رسانه‌ها و پیام‌آنها بر شکل‌دهی انتظارات

در بحث اقناع‌گری اقتصادی رسانه‌ها، در حوزه روانشناسی شناختی، مبحث "برجسته‌سازی" اهمیت قابل توجهی دارد. ساده‌ترین تعریف برجسته‌سازی، تغییر اولویت‌های ذهنی مخاطبان است، بنابراین برجسته‌سازی در اینجا یعنی رسانه‌ها با ابزاران خبری و محتوایی خود، آنچه که مورد نظر و خواست‌شان هست را به مخاطبان، دیکته می‌کنند و لذا، از طریق رویکرد برجسته‌سازی، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان ابزار موثری در دستان سیاست‌گذاران اقتصادی، بر اقناع مخاطب و شکل‌دهی انتظارات آتی

انتظارات
پیش‌بینی‌ها و
رفتار اقتصادی
سیاست‌گذاران
اقتصادی و
شهروندان
تحت تأثیر
انگیزه‌های
روانشناسی
قرار می‌گیرد و
بهترین منبع
برای گسترش
این انگیزه‌ها
رسانه‌ها هستند



عملکرد جریان‌های پُر قدرت رسانه‌ای

تحقیقات و پژوهش‌های وسیعی نشان داده‌اند، انتظارات و پیش‌بینی‌های همه اقشار جامعه، حتی خواص جامعه نظیر متولیان سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی یک کشور، دانشگاهیان و متخصصان مالی و اقتصادی، مدیران کسب و کارها، سرمایه‌گذاران یا کارآفرینان نیز حتماً تحت تأثیر جریان‌های پُر قدرت رسانه‌ای و خبری قرار می‌گیرند.

رسانه‌ها
می‌توانند
به عنوان
ابزار موثری
در دستان
سیاست‌گذاران
اقتصادی، بر
اقناع مخاطب
و شکل‌دهی
انتظارات آتی
عموم مردم
جامعه در
حوزه‌های
مختلف، اثر
بگذارند

۴۴



• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

عموم مردم جامعه در حوزه‌های مختلف، اثر بگذارند. اما چگونه؟ توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که یک سربرجسته‌سازی به خود رسانه و سر دیگر آن به مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی خارج از رسانه‌ها بر می‌گردد و مبتنی بر پژوهش‌های علمی، رابطه مراکز قدرت اقتصادی با رسانه‌ها در کشورهای مختلف، در یکی از ۴ وضعیت زیر قرار دارد:

• مرکز پر قدرت - رسانه پر قدرت

مانند رابطه خوب یک نهاد تراز اول اقتصادی در یک کشور با رسانه‌های مقتدر که می‌تواند تاثیر بسیار بالا و پر قدرت بر شکل‌دهی تصمیمات و انتظارات آتی اقتصادی مخاطبان و تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی مدنظر حاکمیت سیاسی یک کشور داشته باشد.

• مرکز پر قدرت - رسانه کم قدرت

در این حالت، یک نهاد یا فرد پر قدرت اقتصادی، رسانه‌های ملی و محلی را تحت انقیاد خود درآورده و از این طریق، محتوای اطلاعاتی و خبری مدنظر خود را به ذهن مخاطب تزریق می‌کند. این وضعیت می‌تواند مانند یک تیغ دولبه پُریسک و خطرناک باشد که در جهت تامین منافع جمعی و یا در بیشتر مواقع، در جهت تامین منافع گروهی خاص، مورد استفاده قرار گیرد.

• مرکز کم قدرت - رسانه پر قدرت

در این وضعیت، بیشترین قدرت و مسئولیت برجسته‌سازی با رسانه‌ها است که این وضعیت نیز در عین حال، بسیار خطرناک و چالش‌آفرین خواهد بود و می‌تواند موجب ایجاد یک جریان گارشکن در مسیر تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی شود.

• مرکز کم قدرت - رسانه کم قدرت

در این شرایط، افکار عمومی بیشتر تحت تاثیر جریان طبیعی رویدادهای اقتصادی قرار می‌گیرد و هیچ نهاد یا مقام رسمی اقتصادی با رسانه‌ای، توانایی تسلط و شکل‌دهی مطلق انتظارات اقتصادی جامعه را ندارد.

تاثیر رسانه‌ها بر دیدگاه سیاست‌گذاران کلان و صاحب‌نظران اقتصادی چگونه است؟

دنیل کانمن، در مورد نسبت مواجهه و اثرگذاری سیاست‌گذاران کلان و صاحب‌نظران اقتصادی با محتوای رسانه‌ها، ۳ گزاره مهم ارائه می‌کند:

• **اول اینکه**، محتوای رسانه‌ای، به عنوان منبع مهم اطلاعاتی، بر روند شکل‌گیری دیدگاه و انتظارات آتی سیاست‌گذاران کلان و صاحب‌نظران اقتصادی اثر می‌گذارد.

• **دوم اینکه**، سیاست‌گذاران کلان یک اقلیم و صاحب‌نظران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، نسبت به هم‌تایان خود در کشورهای دارای دموکراسی‌های نوین و کشورهای دارای نظام حکمرانی اقتدارگرا، رسانه‌ها را قابل اعتمادتر می‌دانند.

• **سوم اینکه**، سیاست‌گذاران کلان و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که رسانه‌ها، به‌طور قابل توجهی بر دیگران، بیشتر از خودشان، اثر می‌گذارند. این اعتقاد، با نظریه "اثر سوم شخص" مطابقت دارد. مبتنی بر این نظریه، متخصصان اقتصادی می‌پندارند، افراد دیگر، چون برخی مسائل خاص رسانه‌ای را مهم‌شناسایی کرده و بر مبنای آن عمل می‌کنند، بیشتر از خود آنها، تحت تاثیر محتوای رسانه‌ای قرار گرفته و تصمیم‌سازی می‌کنند.

بنابراین باید بپذیریم که تحقیقات و پژوهش‌های وسیعی نشان داده‌اند، انتظارات و پیش‌بینی‌های همه افشار جامعه، حتی خواص خاص جامعه نظیر متولیان سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی یک کشور، دانشگاهیان و متخصصان مالی و اقتصادی، مدیران کسب و کارها، سرمایه‌گذاران یا کارآفرینان نیز حتماً تحت تاثیر جریان‌های پر قدرت رسانه‌ای و خبری قرار می‌گیرند.

• منابع:

1. Cui, Zheyu, "Analysis of the Impact of Social Media on the Economy", *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 203, *Proceedings of the 5rd International Conference on Economic Management and Cultural Industry*, 2023.
2. Gavitt Jr, Alexander R, "Impact of Mass Media on Economic Growth of Underdeveloped Countries", *Journal of Applied Communications*, Volume 54 Issue 2 Article 3, 2023.
3. Kamruzzaman, M. M., "Impact of Social Media on Geopolitics and Economic Growth: Mitigating the Risks by Developing Artificial Intelligence and Cognitive Computing Tools", *European Journal of International Relations*, Vol. 25, No. 1, pp. 86-107, 2023.
4. Napoli, Philip M., "Media Economics and Media Policy: The Good and the Bad", *McGannon Center Working Paper Series*, Fordham University, No. 488, 2023.
5. S. Boulianne, "Revolution in the making? social media effects across the globe", *Information, Communication & Society*, Vol. 22, No. 1, pp. 39-54, 2023.

خروج انگلیس از اتحادیه اروپا با ابزار رسانه

تیم رسانه‌ای بانک مرکزی انگلیس چگونه در بحران برگزیت عمل کرد؟

- چالش محتوای خبری متناقض و شبهه‌انگیز همواره در کمین مخاطبان قرار دارد
- پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اعتماد به رسانه‌های خبری همواره دچار درجه‌ای از شکنندگی بوده است
- اعتماد به رسانه‌ها در بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر کاهش یافته است
- در جایی که سازمان‌های خبری آزاد و مستقل، بسیار حرفه‌ای و با رویکرد خود شفاف‌سازی فعالیت می‌کنند، اعتماد به رسانه‌ها بیشتر است



در نهایت
عامه مردم
می‌بایست
برای دسترسی
به موضوعات
خبری دارای
اهمیت و
خواندن
صحیح‌ترین
گزارش از
حقایق به
وقوع پیوسته
اقتصادی، به
رسانه‌ها تکیه
کنند

در بخش سوم از پرونده پژوهشی "ارمغان
محتوای رسانه‌ای برای حاکمیت اقتصادی
جوامع بشری" پس از تبیین مسئله اعتماد
جمعی در حوزه جریان‌های خبری و
رسانه‌ای، به سراغ بررسی تجربه جهانی
اثرگذاری فعالیت کمپین‌های خبری و
نهادهای رسانه‌ای بر سیاست‌های کلان
اقتصادی می‌رویم.

اعتماد جمعی به جریان رسانه‌ای، اهرمی مطمئن و در عین حال خطرناک

قدرت رسانه‌ها در شکل‌گیری پیش‌بینی‌ها
و انتظارات آتی بازیگران اقتصادی، مبتنی بر
اعتماد است. چالش محتوای خبری متناقض و
شبهه‌انگیز، همواره در کمین مخاطبان قرار دارد،
زیرا آنها در معرض محتوای رسانه‌ای قرار گرفته
و بخشی از بودجه زمانی خود را به این محتوا
اختصاص می‌دهند، بدون اینکه بتوانند صحت
و کیفیت آن را از قبل ارزیابی کنند. با توجه به
اینکه، مفهوم اصلی اخبار این است که کاربران از
چیزهایی مطلع می‌شوند که قبلاً نمی‌دانستند،
بنابراین همواره چالش عدم تقارن اطلاعاتی
(بین نویسندگان و خوانندگان) پیش روی فعالان
اقتصادی است. اینکه، پژوهش‌ها نشان می‌دهد،
اعتماد به رسانه‌های خبری، همواره دچار درجه‌ای
از شکنندگی بوده است، اما می‌دانیم که در
نهایت، عامه مردم می‌بایست برای دسترسی
به موضوعات خبری دارای اهمیت و خواندن
صحیح‌ترین گزارش از حقایق به وقوع پیوسته
اقتصادی، به رسانه‌ها تکیه کنند.

اعتماد رسانه‌ای، در طول زمان و با استفاده مستمر
از محتوای یک برند رسانه‌ای و با مشاهده اینکه
دیگران به چه برندهای خبری اعتماد دارند، ایجاد
می‌شود. به همین دلیل است که روزنامه‌های
معتبر چاپی و برنامه‌های خبری رادیویی و
تلوویزیونی، همچنان منابع خبری اصلی در فضای
عمومی جامعه هستند. با این حال، اعتماد به
رسانه‌ها در بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر
کاهش یافته است، اما اینکه این امر به خاطر
کیفیت روبه‌و خامت رسانه‌ها است و یا به دلیل این
است که شهروندان در کشورهای مختلف، نگرش
شکاکانه‌تری را نسبت به محتوای خبری اتخاذ
کرده‌اند، همچنان موضوع بحث است.

به عنوان نمونه، داده‌های پژوهشگاه
"یوروبارومتر" در سال ۲۰۲۲ نشان داد که سطوح
اعتماد به محتوای خبری و رسانه‌ای، حتی در
سطح یک قاره نیز بسیار متفاوت است. یعنی
در شمال اروپا، جمعیت کثیری همچنان به

مطبوعات مکتوب، تلویزیون و رادیو اعتماد دارند،
در حالی که این مقدار برای کشورهای اروپای
جنوبی و اروپای شرقی (نظام‌های سوسیالیستی
سابق) بسیار پایین است.

البته باید توجه داشته باشیم که رویکرد
سیاست‌گذاران کلان به نحوه شکل‌گیری و ارائه
محتوای رسانه‌ای نیز در افزایش میزان اعتماد
به داده‌های خبری، بسیار موثر است، به طوری
که، هلین و مانچینی، اساتید اقتصاددانش و
اقتصاد اطلاعات، در پژوهش‌های خود به این
مهم دست یافتند، در جایی که سازمان‌های
خبری آزاد و مستقل، بسیار حرفه‌ای و با رویکرد
خودشفاف‌سازی فعالیت می‌کنند، اعتماد به
رسانه‌ها بیشتر است.

تجربه جهانی تأثیر جریان رسانه‌ای بر تحقق و یا عدم تحقق سیاست‌های کلان

• عبور از بحران برگزیت در بریتانیا به یاری رسانه‌های جمعی و جریان‌های خبری

یکی از مهم‌ترین و پرتأثیرترین رویدادهای
تاریخ اقتصادی بریتانیا، رای به خروج این کشور
از اتحادیه اروپا (برگزیت) و بحران‌های ناشی از آن
بوده است. در ژوئن سال ۲۰۱۶، اکثریت محدودی
از شهروندان بریتانیایی، به خروج از اتحادیه
اروپا رای دادند و این امر سه سال و نیم، در بستر
از تنش‌های شدید سیاسی و اقتصادی، به طول
انجامید. هیچ‌کس به طور قطع نمی‌دانست که
بریتانیا چه زمانی و چگونه بدنه‌ای را که اقتصاد آن
را در ۴۳ سال گذشته شکل داده بود ترک خواهد
کرد. این سردرگمی، باعث بی‌ثباتی اقتصادی
در بریتانیا و از دست دادن اعتماد عمومی به
چشم‌انداز آتی مالی این کشور شده بود. اما در
برهه‌ای از زمان، نوسانات بازارهای مالی متأثر از
بحران برگزیت، رو به خاموشی رفت و شهروندان
انگلیسی، با اکثریت قاطع، رای مثبت خود را
به برگزیت اعلام کردند. به عقیده بسیاری از
صاحب‌نظران بریتانیایی، عامل اصلی این چرخش
۱۸۰ درجه‌ای و موفقیت دولت بریتانیا در عبور از
برگزیت، جریان رسانه‌ای همه‌جانبه و بمباران
فراگیر کمپین‌های خبری-تحلیلی به راه‌افتاده‌ای
بود که حامی سیاست‌ها، تصمیمات و اظهارنظرات
مارک کارنی در بانک مرکزی انگلستان، به عنوان
یکی از راهبران اصلی این پروژه بودند.

برای مقابله با بحران برگزیت، تیم رسانه‌ای مارک
کارنی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی دقیقی را برای
اطمینان از اینکه آیا شهروندان بریتانیایی، قادر
به تحمل شوک برگزیت در هنگام وقوع بدترین
سناریوها و حالات هستند، ماه‌ها قبل از برگزاری



اعتماد
رسانه‌ای، در
طول زمان و با
استفاده مستمر
از محتوای یک
پرنده رسانه‌ای و
با مشاهده اینکه
دیگران به چه
پرنده‌های خبری
اعتماد دارند
ایجاد می‌شود

و جهانی خود، پوشش دهد. این لایحه تقدیم
کنگره آمریکا شد و نمایندگان متعهد شدند که
پس ۴۵ روز بحث و بررسی کارشناسانه، تصویب
آن را به رای بگذارند.
در ژوئن ۲۰۱۹، با فشارهای فراقانونی دونالد
ترامپ، این لایحه در مرز تصویب در کنگره
قرار داشت که اقدام و فعالیت کمپین‌های
رسانه‌ای و خبری، بازی برنده دولت ترامپ را
به طور کامل تغییر داد. عملکرد جریان رسانه‌ای
به راه افتاده علیه این لایحه در ایالات متحده
اعم از سرمقالات و مقالات مندرج در نشریات
معتبر فیزیکی و مجازی، رپورتاژهای چاپ شده
در سایت‌های خبری، مصاحبه‌های تلویزیونی
و گفتگوهای تخصصی اینترنتی پربازدید در
پلتفرم‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی،
همه و همه، نمایندگان کنگره آمریکا را مجاب
کرد تا در جهت عدم دامن‌زدن به ایجاد یک
بحران عمیق و عظیم اجتماعی و سیاسی،
رای به عدم تصویب این لایحه داده و با وجود
تشدید فشارهای کاخ سفید، از بررسی دوباره آن
خودداری کند.

• منابع:

1. Cui, Zheyu, "Analysis of the Impact of Social Media on the Economy", *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 203, Proceedings of the 5rd International Conference on Economic Management and Cultural Industry, 2023.
2. Gavitt Jr, Alexander R, "Impact of Mass Media on Economic Growth of Underdeveloped Countries", *Journal of Applied Communications*, Volume 54 Issue 2 Article 3, 2023.
3. Kamruzzaman, M. M., "Impact of Social Media on Geopolitics and Economic Growth: Mitigating the Risks by Developing Artificial Intelligence and Cognitive Computing Tools", *European Journal of International Relations*, Vol. 25, No. 1, pp. 86–107, 20023.
4. Napoli, Philip M., "Media Economics and Media Policy: The Good and the Bad", *McGannon Center Working Paper Series*, Fordham University, No. 488, 2023.
5. S. Boulianne, "Revolution in the making? social media effects across the globe", *Information, Communication & Society*, Vol. 22, No. 1, pp. 39–54, 2023.

همه‌پرسی، آغاز کردند. طراحی جریان‌های
رسانه‌ای منتج به پذیرش عمومی برگزیت، عمدتاً
در سکوت خبری و در پوشش جلسات کمیته
سیاست مالی بانک مرکزی انگلستان انجام
می‌شد (نهادی که در سال ۲۰۱۳، برای محافظت
و افزایش انعطاف‌پذیری سیستم مالی بریتانیا،
به ابتکار مارک گارنی تأسیس شده بود) و پلن‌های
برنامه‌ریزی شده برای اجرا، در اختیار رسانه‌های
جمعی، جراید معتبر و کانال‌های تلویزیونی و
پلتفرم‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی و فضای
مجازی قرار می‌گرفت.
بدین ترتیب ظرفیت نهادی ایجاد شده توسط
جریان رسانه‌ای و خبری حامی سیاست‌های
بانک مرکزی در بریتانیا، توانست با ترسیم
نقشه راه مناسب در چنین محیط نامطمئن
اقتصادی، علاوه بر بالا بردن میزان تاب‌آوری
سیستم مالی بریتانیا در برابر شوک‌های برگزیت،
به سیاست‌گذاران کلان این کشور اجازه دهد تا با
پشتیبانی، حمایت و همراهی عموم شهروندان
بریتانیایی در قبال پذیرش مخاطرات پرنسک
مالی پیش‌رو، عبور موفق و کم‌هزینه‌ای را از بحران
برگزیت تجربه کنند.

• موفقیت جریان رسانه‌ای و خبری فراگیر علیه سیاست اقتصادی مخرب ترامپ

در ژانویه ۲۰۱۹، دقیقاً دو سال پس از آغاز دوره
ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده،
بخش قابل توجهی از وعده‌های اقتصادی وی
در ارتباط با بهبود وضعیت شاخص‌های کلان
اقتصادی به ویژه نرخ تورم، کاهش سطح بدهی
در تراز پرداخت‌های تجاری و افزایش سطح
اشتغال، تحقق نیافته بود. از سوی دیگر، در
نظرسنجی عمومی مشهور نشریه فایننشال تایمز
در مارس ۲۰۱۹ مشخص شد که سطح محبوبیت
ترامپ به میزان ۳۴ درصد نسبت به آغاز دوران
ریاست جمهوری‌اش، افت کرده است. همین
امر موجب شد که تیم اقتصادی دونالد ترامپ،
برای موفقیت در انتخابات آتی و تغییر شرایط،
دست به اقدامی ناقض قوانین بین‌المللی و در
خلاف منافع عامه مردم ایالات متحده بزند. در
آوریل ۲۰۱۹، دونالد ترامپ تصمیم گرفت که لایحه
مرتبط با فعالیت مجدد معادن زغال سنگ و
صنایع وابسته به سوخت‌های فسیلی در مناطق
مرکزی و جنوبی ایالات متحده را در کنگره به
تصویب برساند و بدین ترتیب، ناآرامی کابینه
اقتصادی خود در افزایش نرخ اشتغال را از طریق
نقض معاهده آب و هوایی پاریس و افزایش تولید
گازهای گلخانه‌ای، خارج از تعهدات منطقه‌ای





آهنگ رشد اقتصادی جهان گند می شود

۱۰ پیش بینی مهم اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴

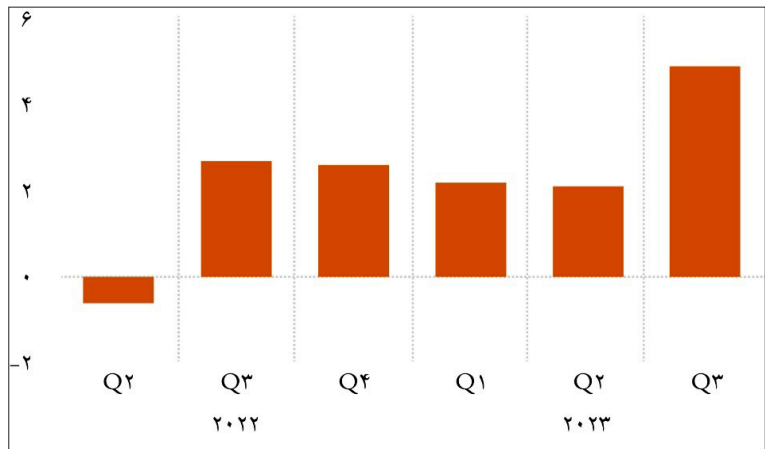
- بنابر انتظارات و پیش بینی ها برای سال ۲۰۲۴، رشد اقتصاد جهانی نسبت به ۲۰۲۳ کاهش پیدا خواهد کرد
- برای کشورهای آسیا-اقیانوسیه در سال ۲۰۲۴، وضعیت بهتری نسبت به کشورهای توسعه یافته پیش بینی می شود
- ادامه رکود اقتصادی چین در سال ۲۰۲۴، یکی از چالش های رشد اقتصاد جهانی به شمار می رود

۴۸



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •



شکل ۱

رشد تولید ناخالص داخلی
حقیقی ایالات متحده
(درصد تغییر سالانه منتهی
به فصل)
* نرخ‌ها از نظر فصلی تعدیل
شده‌اند.

به عنوان مثال، با وجود آنکه پیش‌بینی می‌شد اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۳ وارد دوره رکود شود، با کاهش تورم سالانه از ۶٫۴ درصد در ژانویه ۲۰۲۳ به ۳٫۱ درصد در نوامبر این سال، رشد اقتصادی در نیمه دوم این سال نه تنها کاهش نیافت، بلکه روند افزایشی آن بنا بر آمار رسمی مشهود است و از سالانه ۲۰٫۱ درصد در فصل دوم به سالانه ۴۰٫۹ درصد در سه ماهه سوم ۲۰۲۳ رسید که بالاترین رشد مشاهده شده از فصل چهارم ۲۰۲۱ است.

همچنین، صندوق بین‌المللی پول که در گزارش "چشم‌انداز اقتصادی جهان" خود در اکتبر ۲۰۲۲ پیش‌بینی کرده بود رشد اقتصاد جهان در ۲۰۲۳ برابر با ۲٫۷ درصد باشد، در برآوردهای خود از رشد اقتصاد جهانی در این گزارش در اکتبر ۲۰۲۳، این رقم را بالا برد و به ۳ درصد رساند. بنابراین، به نظری رسد با وجود کاهش رشد اقتصادی جهان در ۲۰۲۳ نسبت به ۲۰۲۲، عملکرد اقتصادی به بدی پیش‌بینی‌ها نبوده و تورم نیز کنترل شده است. سوالی که هم اکنون مطرح می‌شود این است که چشم‌انداز جهان برای سال ۲۰۲۴ چگونه خواهد بود. نهادها و موسسات اقتصادی مختلفی گمانه‌زنی‌های مختلفی در این حوزه مطرح کرده‌اند که این گزارش به خلاصه‌ای کوتاه از آنها می‌پردازد.

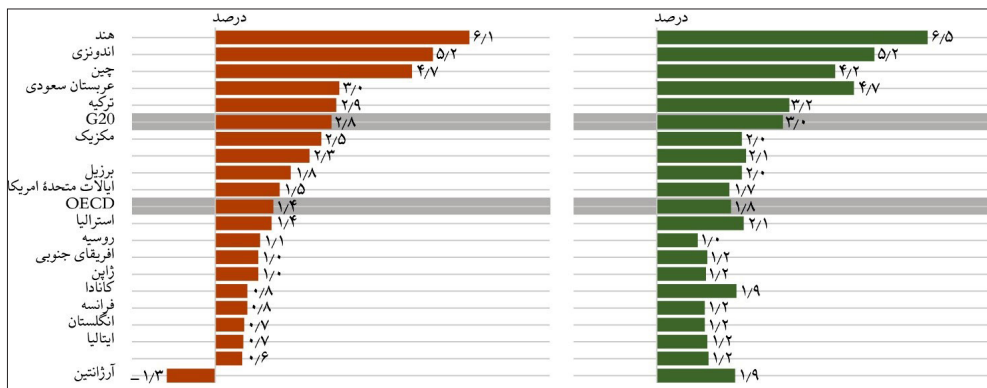
پیش‌بینی OECD

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در پیش‌بینی ماه نوامبر خود از تحولات اقتصاد

سال ۲۰۲۳، سال تصمیم‌گیری‌های مهم برای بانک‌های مرکزی بود. این سال با ماموریت روشن کنترل تورم برای سیاست‌گذاران پولی در بیشتر کشورهای جهان آغاز شد. نتیجه این ماموریت افزایش مداوم نرخ‌های بهره از سوی بانک‌های مرکزی بود که برای کنترل تقاضا و در نهایت سرد کردن اقتصاد انجام گرفت تا بتوانند از التهاب تورم در اقتصاد کشورهایشان بکاهند، ولی در ادامه به خصوص در نیمه دوم این سال، نشانه‌هایی از رکود در کشورها به خصوص در اتحادیه اروپا ظاهر شد که بانک‌های مرکزی را بر سر دوراهی کنترل سرسختانه تورم در کوتاه مدت یا مدارا با آن برای مدت زمان بیشتر و احتیاط عمل در تصمیمات سختگیرانه پولی قرار داد.

نتیجه این بود که تقریباً بیشتر بانک‌های مرکزی گزینه "فرود نرم" را برگزیدند، به این معنی که کاهش رشد اقتصادی بر اثر افزایش نرخ بهره برای کنترل تورم را تنها تا اندازه‌ای مجاز دانستند که اقتصاد وارد دوره رکود نشود. در نتیجه، مجبور شدند در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ افزایش نرخ‌های بهره را متوقف کنند و تصمیم گرفتند مدت زمان بیشتری نرخ‌ها را در سطح فعلی حفظ کنند تا تورم به تدریج کنترل شود و رشد اقتصادی نیز بیش از این از ناحیه بالا رفتن بهره‌ها آسیب نبیند. البته، شایان ذکر است که برخی از اقتصادها هم عملکرد بسیار بهتری نسبت به پیش‌بینی‌ها داشتند.





چنانکه از شکل (۱) مشخص است بنا بر انتظارات، رشد اقتصادی هند در دو سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ بالاتر از دیگر کشورهای جهان خواهد بود.

همچنین، این سازمان پیش‌بینی می‌کند که در غیاب تکانه‌های بزرگ برون‌زای مواد غذایی و انرژی، تورم کل تا پایان سال ۲۰۲۵ در بیشتر کشورهای بزرگ توسعه‌یافته به سطح نرخ‌های بهره هدف بانک‌های مرکزی بازگردد. پیش‌بینی می‌شود نرخ تورم کل در کشورهای OECD از متوسط ۷ درصد در سال ۲۰۲۳ به تدریج به ۵٫۲ درصد در ۲۰۲۴ و ۳۰۸ درصد در ۲۰۲۵ کاهش پیدا کند. شکل ۳ بخشی از این پیش‌بینی را نشان می‌دهد.

پیش‌بینی IMF

صندوق بین‌المللی پول در چشم‌انداز اقتصاد جهانی (WEO) در اکتبر ۲۰۲۳، بیان می‌کند که در حال حاضر اقتصاد جهانی به آرامی از زیر بار آثار پاندمی کرونا، جنگ بین روسیه و اوکراین، و بحران هزینه‌های معاش قدر راست کرده و به تدریج بهبود می‌یابد.

این نهاد بر آن است که انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد جهانی در برابر بحران‌های اختلال در عرضه مواد اولیه غذایی، انرژی، و سیاست‌های انقباضی پولی قابل توجه بوده و با وجود گند شدن رشد اقتصادی، اقتصاد دنیا در برابر این تکانه‌های منفی متوقف نشده است. با این حال، رشد اقتصاد جهانی پایین و ناهموار است، واگرایی بین مناطق مختلف جهان در زمینه رشد بیشتر شده و اقتصاد جهانی به گندی و نه به سرعت، در حال عبور از رکود است. فعالیت‌های

جهانی در سال آینده میلادی تحت عنوان "بازایی رشد"، پیش‌بینی می‌کند که در سال ۲۰۲۴ جهان همچنان درگیر دو چالش مقابله با تورم و چشم‌انداز رشد پایین تولید خواهد بود. البته به اذعان این نهاد، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۳ بالاتر از پیش‌بینی‌ها بوده است، ولی اکنون به دلیل شرایط مالی سخت‌تر، رشد ضعیف تجارت و کاهش اعتماد کسب و کار و خانوار، در حال تعدیل و کاهش است.

ریسک‌های چشم‌انداز کوتاه‌مدت بنا بر دلایلی همچون افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک بر اثر درگیری‌های بین حماس و رژیم صهیونیستی و بالاگرفتن احتمال گسترش آن و نیز اثر بیش از حد انتظار سیاست‌های انقباضی پولی بانک‌های مرکزی در مقابله با تورم، افزایش پیدا کرده است، اما از سوی دیگر، احتمال رشد اقتصادی تقویت خواهد شد، اگر خانوارها پس‌اندازهای اضافی خود را که در طول همه‌گیری کرونا اندوخته‌اند، خرج کنند.

بنا بر محاسبات این سازمان، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۳ معادل ۲٫۹ درصد برآورد می‌شود و پیش‌بینی می‌کند در سال ۲۰۲۴ این رشد به ۲٫۷ درصد افت کند. با کاهش بیشتر تورم و تقویت درآمدهای حقیقی، رشد اقتصاد جهانی در ۲۰۲۵ نیز معادل ۳ درصد پیش‌بینی می‌شود. در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، رشد اقتصاد دنیا همچنان وابسته به رشد اقتصادهای کشورهای آسیایی نظیر هند خواهد بود. شکل ۲ پیش‌بینی این سازمان را از رشد سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ برخی از مهم‌ترین کشورهای عضو OECD و G20 نشان می‌دهد.



شکل ۳

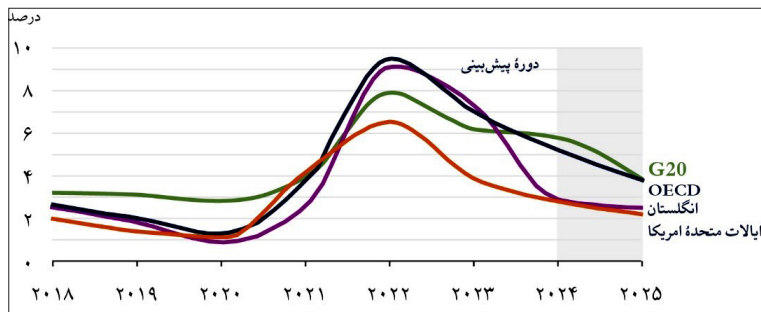
پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی برای سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ کشورهای G20 (درصد سالانه)

۵۰

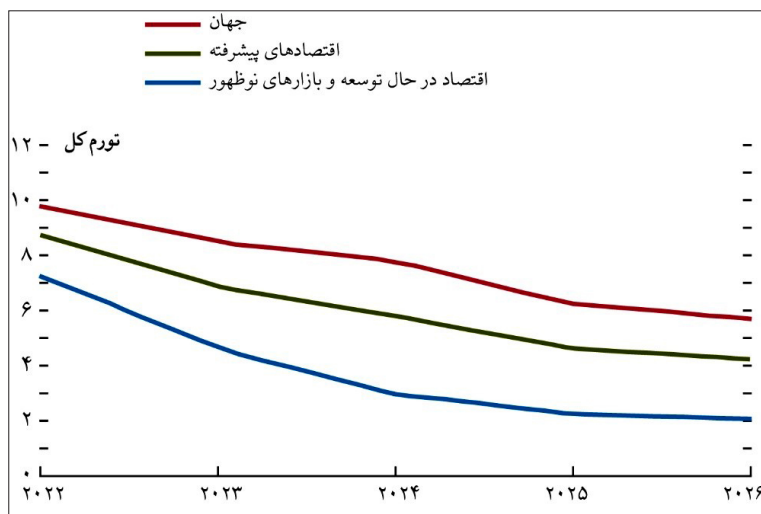


• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

شکل ۳
پیش‌بینی تورم (درصد)
سالانه



شکل ۴
پیش‌بینی تورم سالانه
(درصد) توسط صندوق
بین‌المللی پول



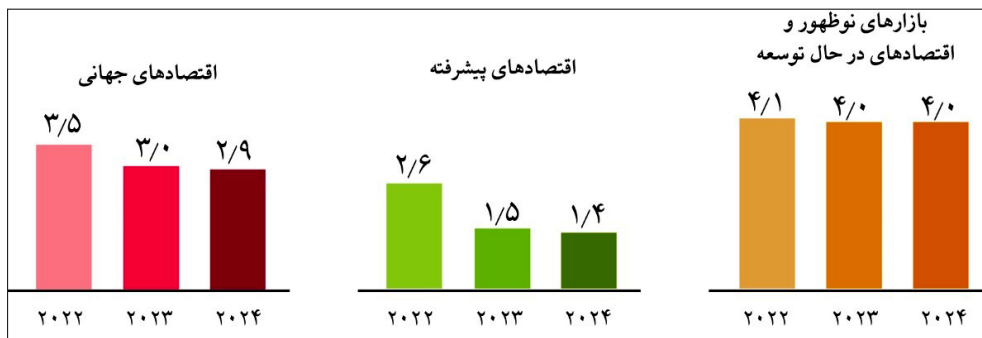
منهای تورم مواد غذایی و انرژی) نیز کاهش پیدا خواهد کرد، ولی کاهش آن از تورم کل کندتر خواهد بود.

پیش‌بینی‌ها در مورد اقتصاد جهانی و واقعیات آن، هرچه بیشتر با سناریوی "فرود نرم" سازگار است، به این معنی که تورم در حال کاهش است، بدون آنکه کاهش شدیدی در فعالیت‌های اقتصادی اتفاق افتاده باشد. این موضوع در مورد اقتصاد آمریکا بیشتر مشهود است، به طوری که پیش‌بینی می‌شود نرخ بیکاری آن از ۳.۶ درصد فعلی، تنها اندکی افزایش یابد و در نهایت به ۳.۹ درصد در ۲۰۲۵ برسد.

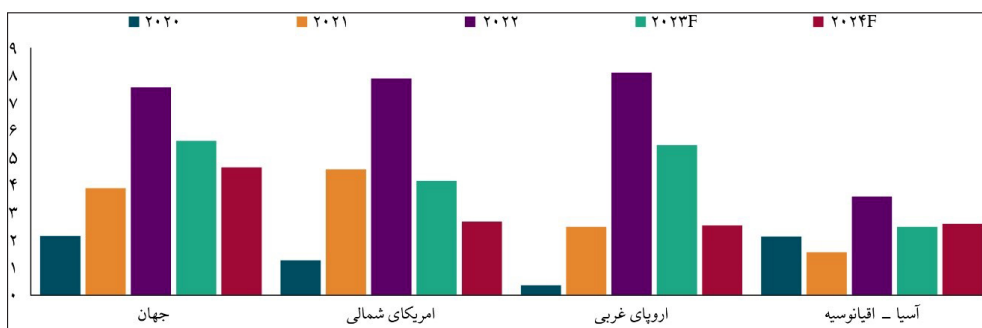
انعطاف‌پذیری اقتصادهای جهانی در برابر تکانه‌های منفی در بین کشورهای در حال توسعه و نوظهور، به جز چین که درگیر انقباض بخش ساخت و ساز است، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر بوده است، به طوری که رشد

اقتصادی جهان در پایان ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل به شدت کاهش پیدا کرد و همزمان تلاش‌ها برای کنترل درآوردن تورم در جریان بود که این تلاش‌ها در سال ۲۰۲۳ تا حدودی نتیجه داد، ولی بازگشت به وضعیت پیش از همه‌گیری کرونا، به ویژه در کشورهای نوظهور و در حال توسعه، اتفاقی است که در حال حاضر دور از دسترس به نظر می‌رسد. بنا بر آخرین پیش‌بینی صندوق در ماه اکتبر، رشد اقتصاد جهانی از ۳.۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳ درصد و ۲.۹ درصد به ترتیب در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد که برای ۲۰۲۴ حدود ۰.۱ واحد درصد پایین‌تر از پیش‌بینی‌های این نهاد در ژوئیه ۲۰۲۳ است.

پیش‌بینی می‌شود نرخ تورم جهانی نیز از رقم سالانه ۹.۲ درصد در ۲۰۲۲ به ۵.۹ درصد در ۲۰۲۳ و ۴.۸ درصد در ۲۰۲۴ کاهش پیدا کند. بنا بر پیش‌بینی‌ها، تورم هسته (تورم کل



شکل ۵. چشم انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ (پیش بینی رشد)



شکل ۶. تورم قیمت مصرف کننده (درصد تغییر سالانه)

بر اساس سناریوی پایه صندوق بین المللی پول، نرخ تورم با حفظ موضع سفت و سخت بانک های مرکزی، در سال ۲۰۲۴ نیز عقب نشینی خواهد کرد. البته، بسیاری از کشورها در نقطه اوج سیاست های انقباضی پولی خود هستند و در نتیجه انتظار بر این نیست که این موضع سخت گیرانه همچنان ادامه داشته باشد.

با این حال، تسهیل پیش از موعد سیاست های پولی می تواند دستاوردهای ۱۸ ماه گذشته را به باد دهد. البته، با شروع فرایند کاهش تورم و کاهش انتظارات تورمی، می توان به تدریج نرخ بهره اسمی را پایین آورد، به طوری که نرخ بهره حقیقی کاهش پیدا نکند و این عدم کاهش نرخ بهره حقیقی را تا زمان رسیدن به هدف تورمی ادامه داد.

پیش بینی S&P

S&P برای سال جاری میلادی ۱۰ پیش بینی مهم اقتصادی ارائه می دهد که عبارت اند از:

۱- تورم در سال ۲۰۲۴ بیش از سال ۲۰۲۳

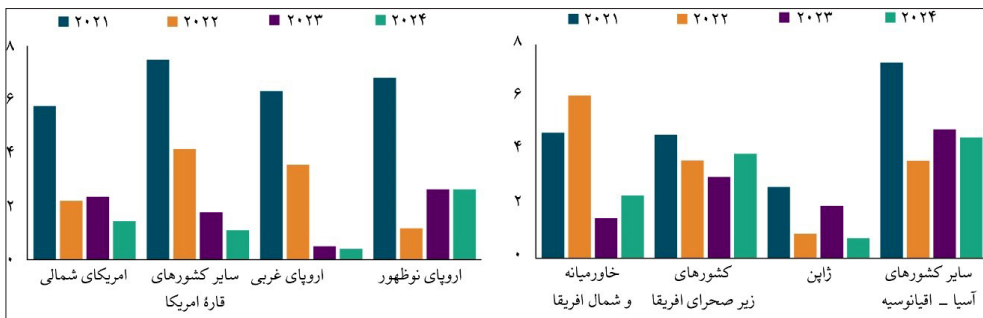
اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نوظهور در سال ۲۰۲۳ از ۴۱ درصد سال ۲۰۲۲ به ۴ درصد در این سال کاهش پیدا کرده، در حالی که افت رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده و از ۲۰۶ درصد در ۲۰۲۲ به ۱۰۵ درصد در ۲۰۲۳ کاهش یافته است. در بین کشورهای توسعه یافته نیز چشم انداز و البته عملکرد ایالات متحده نسبت به اروپا بهتر بوده است. شکل ۵ پیش بینی رشد اقتصاد جهان، کشورهای توسعه یافته، و اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه برای سال ۲۰۲۴ را از دیدگاه صندوق بین المللی پول نشان می دهد.

صندوق بین المللی پول ادامه محدودیت رشد اقتصادی چین بر اثر رکود ساخت وساز در این کشور، امکان گسترش جنگ اوکراین و روسیه و اثر آن در افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی، و نیز تاثیرات نرخ های بهره بالا در ترازنامه بانک ها در کشورهای مختلف و به خطر افتادن ثبات مالی از این ناحیه را، از جمله تهدیدهای اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ می داند.

۵۲



• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •



شکل ۷

رشد تولید ناخالص داخلی
حقیقی (درصد تغییر)

جهان نیز رشد اقتصادی در ۲۰۲۴ کمتر از ۲۰۲۳ پیش بینی می شود. رشد کلی تولید ناخالص حقیقی جهانی نیز در سال ۲۰۲۴ معادل ۲.۳ درصد پیش بینی می شود که پایین تر از رشد برآوردی سال ۲۰۲۳ است که برابر ۲.۷ درصد بود. البته، رشد قوی اقتصادی در برخی از نقاط جهان از جمله آسیا - اقیانوسیه جلوی فرود سخت اقتصادی در این سال را خواهد گرفت.

۳- رشد اقتصادی چین نیز در سال ۲۰۲۴ پایین تر از رشد آن در سال ۲۰۲۳ خواهد بود و رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی آن از ۵.۴ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۴.۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت. البته در سال ۲۰۲۴ بنا بر پیش بینی ها، سیاست های مساعدتی اقتصادی از طرف دولت اجرا شده و البته سقوط بازار مسکن نیز تا حدودی کنترل خواهد شد.

۴- نرخ های بهره سیاستی از اواسط سال ۲۰۲۴ از سوی بانک های مرکزی گسته خواهد شد. با ایجاد اطمینان در مورد اینکه نرخ تورم مصرف کننده به مقادیر هدف گذاری شده، آن برگشته است، در اواسط سال ۲۰۲۴،

کاهش خواهد یافت. کاهش شدید تورم مصرف کننده که در سطح جهانی از اواخر ۲۰۲۲ شروع شده و تا اواسط ۲۰۲۳ ادامه پیدا کرده بود، در اواسط این سال متوقف شد که ناشی از افزایش مجدد قیمت های انرژی و نیز چسبندگی شدید تورم هسته به ویژه در بخش خدمات بود.

اکنون روند نزولی تورم مجدداً سر گرفته شده و انتظار بر این است که در سال ۲۰۲۴ همچنان ادامه داشته باشد. تحلیلگران اطلاعات بازار جهانی S&P پیش بینی می کنند که تورم جهانی سالانه شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۲۰۲۴ به ۴.۷ درصد کاهش یابد که از تورم ۵.۶ درصدی ۲۰۲۳ کمتر بوده و بسیار پایین تر از اوج آن در سال ۲۰۲۲ است که ۷.۶ درصد بود. انتظار بر این است که تورم در سال ۲۰۲۴ در بیشتر نقاط جهان پایین تر از تورم ۲۰۲۳ باشد.

۲- رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۴ در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی کاهش خواهد یافت که البته این پیش بینی با هدف بانک های مرکزی در پایین آوردن تورم به سطح هدف آن سازگار است. در بیشتر مناطق دیگر

جدول ۱. پیش‌بینی‌های رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی برای سال ۲۰۲۴

هند	انگلستان	اتحادیه اروپا	چین	ایالات متحده آمریکا	جهان	
۶,۳	۰,۶	۰,۹	۴,۸	۲,۱	۲,۶	گلدمن ساچز
۶,۴	-۰,۱	۰,۵	۴,۲	۱,۹	۲,۸	مورگان استنلی
۶,۲	۰,۶	۰,۶	۴,۴	۱,۱	۲,۶	مدیریت ثروت جهانی UBS
۶,۲	۰,۱	۰,۳	۴,۴	۱,۲	۲,۶	بارکلیز
۵,۷	۰,۲	۰,۴	۴,۹	۱,۶	۲,۲	جی پی مورگان
۵,۷	۰,۱	۰,۵	۴,۸	۱,۴	۲,۸	بویا گلوبال ریسرچ
۶,۰	۰,۳	۰,۲	۴,۷	۰,۶	۲,۴	دویچه بانک
۵,۷	-۰,۳	-۰,۲	۴,۶	۱,۱	۱,۹	سیتی گروپ



جدول ۱

پیش‌بینی‌های رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی برای سال ۲۰۲۴

سریع اقدامات حمایتی مرتبط با کووید-۱۹ در ظرفیت بازپرداخت بدهی در سال ۲۰۲۴ بسیار اثرگذار باشد. این احتمالاً به افزایش مطالبات غیرجاری (NPL) در بیشتر مناطق جهان منجر خواهد شد. در نتیجه، بانک‌ها احتمالاً موضع محتاطانه‌تری نسبت به وام‌دهی خواهند داشت، به وثیقه بیشتری نیاز دارند و اعتباردهی به وام‌گیرندگان با کیفیت پایین‌تر را محدود می‌کنند. انتظار می‌رود رشد اعتبار در بیشتر کشورها کمتر از روند بلندمدت باشد و در نتیجه رشد اقتصادی را کاهش دهد.

۸- کاهش قیمت خانه‌های مسکونی در اروپای غربی بیش از این باید ادامه یابد. شرایط سخت اعتباری و افزایش هزینه‌های وام، به کاهش قیمت‌ها در بخش مسکن در سال ۲۰۲۴ کمک خواهد کرد. سرعت و شدت اصلاح در بین اقتصادها متفاوت است و به ناترازی‌ها و عدم تعادل‌های انباشته‌شده بازار مسکن در دهه گذشته در هر کشور و همچنین دوره‌های تثبیت نرخ وام مسکن بستگی دارد. ۹- یک تقویم شلوغ انتخاباتی باعث ایجاد عدم اطمینان در سیاست‌ها می‌شود. عوامل ژئوپلیتیکی منبع مهمی از ریسک و عدم اطمینان پیرامون پیش‌بینی‌های اقتصادی ارائه شده در این تحلیل هستند که احتمالاً با برگزاری انتخابات مهم در تعداد بسیار زیادی از کشورها تشدید می‌شوند. کمپین‌های انتخاباتی دستور کار سیاست را در چندین اقتصاد نوظهور مهم، از جمله هند و اندونزی در بهار و مکزیک در اواسط سال، تعیین می‌کنند و انتخابات پارلمان اروپا نیز در ژوئن برگزار خواهد شد. عدم اطمینان در مورد نتیجه انتخابات ایالات متحده، همراه با

سیاست‌های پولی تغییر جهت می‌دهد و کاهش فشارهای قیمتی، از نرخ‌های بهره کاسته خواهد شد. البته، انتظار بر این است که سیاست‌های انقباضی مقداری همچنان از سوی بانک‌های مرکزی ادامه داشته باشد.

۵- پیش‌بینی می‌شود بازارهای نوظهور سیکل‌های تسهیل سیاست پولی را زودتر آغاز کنند. بانک‌های مرکزی که سیاست‌های تسهیل را شروع کرده‌اند، اغلب آنهایی هستند که سیاست‌های انقباضی خود را در مقابله با تورم زودتر شروع کرده بودند و توانسته‌اند انتظارات تورمی را کنترل کنند و البته آثار ثانویه سیاست انقباض پولی را نیز تحت نظر داشته باشند. به عنوان مثال، در آمریکای لاتین، نرخ‌های تورم نسبتاً سریع افت کرده و البته شرایط بازار کار نیز عموماً سخت نیست. پیش‌بینی می‌شود چرخه‌های تسهیلی که هم اکنون در شیلی، برزیل، و پرو در جریان است، در دوره پیش رو ادامه داشته باشد، همچنین، کاهش نرخ‌ها در مکزیک در نیمه اول سال ۲۰۲۴ نیز پیش‌بینی می‌شود.

۶- ارزش دلار آمریکا در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت. این کاهش ارزش با کاهش نسبی رشد حقیقی اقتصاد و تورم ایالات متحده و همچنین افزایش کسری حساب جاری این کشور، که به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به صورت ناپایداری بالاست، تقویت خواهد شد. انتظار می‌رود که ارزش ین در برابر دلار آمریکا در سال ۲۰۲۴ قوی‌تر از بسیاری از هم‌تایان خود افزایش یابد. ۷- باد مخالف مالی در برابر رشد ادامه خواهد داشت. انتظار بر این است که تأثیر باوقفه نرخ‌های بهره بالاتر و تأثیر کاهش

۵۴



اقتصاد

شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲

پیامدهای سیاستی آن، احتمالاً مانعی برای تحقق دقیق پیش‌بینی‌های اقتصادی خواهد بود.

۱۰- انتقال انرژی از رشد در ایالات متحده و کانادا حمایت خواهد کرد. در ایالات متحده و کانادا، ابتکارات آب و هوایی و یارانه‌ها و کمک‌های مربوط به پروژه‌های انرژی سبز از جمله بخش‌هایی است که در سال ۲۰۲۴ به رشد اقتصادی در این کشورها کمک می‌کند و در برابر رکود سد خواهند شد.

خلاصه برخی از پیش‌بینی‌ها در خصوص رشد اقتصادی سال ۲۰۲۴

بنا بر پیش‌بینی بسیاری از بانک‌ها و موسسات اقتصادی بزرگ، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت. البته، رشد اقتصادی ایالات متحده نسبت به منطقه یورو بسیار بیشتر برآورد می‌شود. جدول (۱) خلاصه‌ای از این پیش‌بینی‌ها را در مورد رشد اقتصادی مناطق مختلف ارائه می‌کند.

بنا بر پیش‌بینی این نهادها در سال ۲۰۲۴، رشد اقتصادی هند از چین بیشتر خواهد بود. همچنین، اتحادیه اروپا و انگلستان شاهد رشد اقتصادی بسیار پایینی خواهند بود و حتی برای اقتصاد انگلستان رشد اقتصادی منفی نیز پیش‌بینی شده است. رشد اقتصادی ایالات متحده نیز پایین‌تر از متوسط رشد اقتصاد جهانی است، ولی از رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و انگلستان بالاتر خواهد بود.

جمع‌بندی

به اختصار بنا بر انتظارات و پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۴، الف- رشد اقتصاد جهانی نسبت به ۲۰۲۳ کاهش پیدا خواهد کرد. ب- شدت و ضعف این کاهش رشد در مناطق مختلف جهان متفاوت است، برای

کشورهای آسیا - اقیانوسیه وضعیت بهتری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته پیش‌بینی می‌شود. ج- اقتصاد ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ نسبت به پیش‌بینی‌ها عملکرد بهتری داشته است و پیش‌بینی می‌شود در ۲۰۲۴ با کاهش بیشتر تورم و هم‌زمان واردنشدن به دوره رکود، بتواند فرودی نرم در مسیر مبارزه با تورم داشته باشد. د- ادامه رکود اقتصادی چین در سال ۲۰۲۴ یکی از چالش‌های رشد اقتصاد جهانی به شمار می‌رود. ه- انتخابات در کشورهای مختلف جهان به خصوص ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ می‌تواند بسیاری از پیش‌بینی‌های اقتصادی را در عرصه تحقق با چالش مواجه کند، زیرا سوگیری‌های سیاسی تأثیری انکارناپذیر در شکل‌دادن به روندهای اقتصادی دارند. و- با وجود اینکه بالابردن نرخ‌های بهره جهانی از اواسط سال ۲۰۲۳ در بیشتر کشورهای جهان متوقف شده، انتظار بر این است که بانک‌های مرکزی تا اواسط سال ۲۰۲۴ اقدام به کاهش این نرخ‌های بالا نکنند، زیرا تسهیل زودهنگام سیاست‌های پولی می‌تواند دستاوردهای سیاست‌گذاران پولی در کنترل تورم در ماه‌های گذشته را در معرض خطر قرار دهد. ز- پیش‌بینی رشد اقتصادی برای کشورهای حوزه یورو و نیز انگلستان برای سال ۲۰۲۴ پایین است و این امر در کنار کاهش کلی نرخ رشد اقتصادی جهان در این سال و افت رشد اقتصادی چین، دوزنمای ضعیفی برای بازار نفت ترسیم می‌کند و احتمالاً کشورهای صادرکننده نفت نیز از ناحیه افت قیمت نفت با رکود اقتصادی مواجه خواهند بود.

• این مطلب برگرفته از گزارش ایلناز ابراهیمی و مریم فرجی است که در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی تهیه شده است.

بنا بر محاسبات
OECD، رشد
اقتصادی جهان
در سال ۲۰۲۳
معادل ۲.۹
درصد برآورد
می‌شود و
پیش‌بینی این
است که در سال
۲۰۲۴ این رشد به
۲.۷ درصد افت
کند



پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورها در سال ۲۰۲۴

بنا بر پیش‌بینی هادر سال ۲۰۲۴، رشد اقتصادی هند از چین بیشتر خواهد بود. همچنین، اتحادیه اروپا و انگلستان شاهد رشد اقتصادی بسیار پایینی خواهند بود و حتی برای اقتصاد انگلستان رشد اقتصادی منفی نیز پیش‌بینی شده است. رشد اقتصادی ایالات متحده نیز پایین‌تر از متوسط رشد اقتصاد جهانی است، ولی از رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و انگلستان بالاتر خواهد بود.



روسای بانک‌های مرکزی جهان در آئینه تاریخ (۱۴)

اقتصاددان برجسته کویتی نظام بانکی جهان عرب را متحول کرد

- اصلاح ساختار تورمی و بهبود وضعیت سطح عمومی قیمت‌ها از اهداف ریاست الهاشل در بانک مرکزی کویت بود
- هدف گذاری تورمی بانک مرکزی کویت در دوره ۱۰ ساله ریاست الهاشل، بین ۲،۵ تا ۴،۵ درصد تعیین شد
- محمد یوسف الهاشل جزو معدود بانکدارانی است که توانست در ۵ سال پیاپی از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، به عنوان یکی از ۱۰ بانکدار مرکزی برتر جهان انتخاب شود

۵۶



اقتصاد

● شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ ●

تولد، کودکی و نوجوانی محمد یوسف خانواده کشاورز عرب

محمد یوسف الهاشل، در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۶۱ در محله فقیرنشین المحیمینیه، در شمالی ترین نقطه کویت به دنیا آمد. پدرش عدنان علی یوسف الهاشل، کشاورز و دارای یک نخلستان اجاره‌ای در المحیمینیه بود و مادرش، ام ثلال صبرانی، زنی خانه‌دار بود. محل زندگی خانواده الهاشل، به دلیل فقر مطلق گسترده، امکانات رفاهی و آموزشی نداشت و ام ثلال، به دلیل داشتن سواد مکتبی قرآنی و آگاهی از دانش ریاضیات، به فرزندان خود (۳ دختر و ۴ پسر) و سایر کودکان محله، آموزش می‌داد.

محمد یوسف به عنوان فرزند چهارم خانواده، علاوه بر تحصیل نزد مادر، در نخلستان خانوادگی خود نیز به پدر کمک می‌کرد. هنگامی که محمد یوسف ۸ سال بیشتر نداشت، به صورت تصادفی، مورد توجه یکی از بازرگانان خُرد کویتی که برای خرید رطب، به نخلستان پدری آمده بود، قرار گرفت. محمد در آن روز در حال خواندن اشعاری از شاعران بزرگ عرب بود که بازرگان به استعداد تحصیلی وی پی برد.

با رضایت پدر و مادر، محمد یوسف برای آغاز تحصیلات رسمی، به منطقه شهری المسیمه و به یک مدرسه شبانه‌روزی برده شد و بازرگان متعهد شد که تمامی هزینه‌های مالی تحصیل وی را بپردازد. محمد یوسف الهاشل پس از گذراندن دوران ابتدایی و به دلیل احراز جایگاه شاگرداولی، به دبیرستان نمونه مردمی پادشاهی کویت، در پایتخت این کشور رفت.

حضور در این مدرسه و کسب بالاترین نمرات در دروس مختلف، به ویژه ریاضیات و اقتصاد، مبداء تأثیرگذاری بر آغاز پیمودن مسیر شگرف و درخشان علمی، آکادمیک و اجرایی محمد یوسف شد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

دریافت بورسیه تحصیلی از دولت کویت و آغاز دوران درخشان تحصیلات دانشگاهی

کشف استعداد تحصیلی محمد یوسف توسط آموزگار دوران دبیرستانش و تلاش برای معرفی وی به اداره بورسیه وزارت آموزش عالی این کشور موجب شد که الهاشل یکی از ۴۴ نفری باشد که در سال ۱۹۹۳، موفق به دریافت بورسیه تحصیلی موسوم به "بورسیه پادشاهی کویت برای توسعه میهن" شده و در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر، به دانشگاه ملی کویت راه می‌یابد.

محمد یوسف در سال ۱۹۹۷، با رتبه ممتاز و کسب بالاترین معدل در بین هم‌دوره‌ای‌های خود، برنده جایزه برترین دانشجوی سال ۱۹۹۷ دانشگاه ملی کویت شد و به همین سبب، امکان دریافت بورسیه تحصیلی دیگری برای ادامه مسیر آموزش آکادمیک خود در خارج از این کشور، پیدامی‌کند.

با موافقت مسئولان وزارت آموزش عالی کویت، پذیرش محمد یوسف الهاشل در قالب بورسیه کامل تحصیلی (تحصیل رایگان + دریافت مقرری ماهانه از دولت کویت) برای مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد مالی در دانشگاه اولد دامینیون ایالات متحده، تأیید شد و همین اتفاق، سرآغازی بر شکوفایی مهارت‌های علمی و پژوهشی او در سطح بین‌المللی و جهانی می‌شود (ویکی‌دیتا، ۲۰۲۳).

مسیر موفق تحصیلی و آموزشی محمد یوسف الهاشل به شرح زیر است:

- لیسانس مهندسی کامپیوتر، دانشگاه ملی کویت، ۱۹۹۷-۱۹۹۳
- کارشناسی ارشد اقتصاد مالی، دانشگاه اولد دامینیون (Old Dominion)، ویرجینیا، ایالات متحده، ۲۰۰۰-۱۹۹۸
- کارشناسی ارشد MBA در حوزه مالی، دانشگاه اموری، جورجیا، ایالات متحده، ۲۰۰۱-۲۰۰۰
- دکترای تخصصی امور مالی و بانکی، دانشگاه اولد دامینیون (Old Dominion)، ویرجینیا، ایالات متحده، ۲۰۰۳-۲۰۰۱
- (انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه اولد دامینیون، ۲۰۲۳)
- همچنین محمد یوسف الهاشل در این سال‌ها به جز تحصیلات عالی دانشگاهی، دوره‌های متعدد تخصصی در زمینه‌های مالی، اقتصاد، مدیریت و راهبری و بانکداری نیز گذرانده است:

- دوره "برنامه‌ریزی سیستماتیک مالی"، کالج ویلیام و مری، ویرجینیا، ایالات متحده، ۱۹۹۷
- دوره "مدیریت مالی پیشرفته"، دانشگاه اورث، دنویل، ویرجینیا، ایالات متحده، ۱۹۹۷
- دوره "مباحث جاری در سازوکارهای مالی جهان"، کالج ویلیام و مری، ویرجینیا، ایالات متحده، ۱۹۹۸
- دوره "نگرش سیستمی برای مدیران مالی"، دپارتمان آموزش صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن، آمریکا، ۲۰۰۰
- دوره "راهبری استراتژیک مالی"، دپارتمان

ریاست یوسف
الهاشل در
سمت رییس
بانک مرکزی
کویت، از یکم
آوریل ۲۰۱۲ آغاز
و با تمدید یک
دوره‌ای، در ۳۱
مارچ ۲۰۲۲ به
پایان رسید



محمد یوسف
الهاسل به دلیل
گذراندن بخشی
از دوره‌های
حرفه‌ای و
پیشرفته
آموزشی، به
خوبی نسبت به
طراحی و اجرای
سیاست‌های
پولی بهینه در
جهت دستیابی
به اهداف
مدنظر دولت
کویت، احاطه
داشته است

۵۸



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

آموزش صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن،
آمریکا، ۲۰۰۲

- دوره "مدیریت استراتژیک سازمان‌های متوسط و بزرگ"، دپارتمان آموزش صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن، آمریکا، ۲۰۰۳
- دوره "بانکداری نوین در هزاره سوم"، آکادمی آموزش‌های بانک جهانی، ایالات متحده، ۲۰۰۵
- دوره "بحران‌های بانکی و سیاست‌های پولی بهینه"، آکادمی آموزش‌های بانک جهانی، ایالات متحده، ۲۰۰۶
- دوره "مباحث پیشرفته مالی در مدیریت کسب و کارهای اقتصادی"، مدرسه بازرگانی هاروارد، ۲۰۰۷
- دوره "راهبری بانکداری نوین در جهان"، مدرسه بازرگانی هاروارد، ۲۰۰۹
- دوره "مدیریت استراتژیک برای مدیران بانکی"، مدرسه بازرگانی هاروارد، ۲۰۱۲
- دوره "بانکداری پیشرفته، عبور از بحران"، دپارتمان آموزش صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۹
- دوره "مدیریت پیشرفته بحران‌های مالی و بانکی"، دپارتمان آموزش صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰
- دوره "راهبری جهانی در عصر جدید"، دانشگاه پادشاهی ملک فهد، عربستان سعودی، ۲۰۲۱
- (آکادمی آموزش‌های بانک جهانی، ۲۰۲۳)

فعالیت‌ها و موفقیت‌های محمد یوسف الهاسل در عرصه پژوهشی و آکادمیک

محمد یوسف با توجه به استعداد تحصیلی و علاقه وافر به مباحث علمی و پژوهشی حوزه اقتصاد و مالی، مدتی را به عنوان دستیار آموزشی در دانشگاه اولد دامینیون و اموری، در کنار برجسته‌ترین اساتید رشته اقتصاد و بانکداری، به فعالیت مشغول بود.

همچنین وی مدت کوتاهی را در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۳، به عنوان استاد پژوهشی و مربی آموزشیار در دانشگاه اولد دامینیون، به تدریس دروسی نظیر "اقتصاد پولی"، "اقتصاد مالی"، "مهندسی‌سازی در اقتصاد"، "سیاست‌گذاری بانکی"، "بانکداری نوین"، "بانکداری طبقاتی" و "مباحث جاری در اقتصادکلان مالی" پرداخته است. البته محمد الهاسل هیچ‌گاه به طور مستقیم و تمام‌وقت، پا به حیطه تدریس و پژوهش دانشگاهی نگذاشت. قدرت بالای مدیریت اجرایی و مشغله همزمان حضور در سمت‌های شغلی رده بالا، امکان

فعالیت پُررنگ آکادمیک را از وی گرفت. اما با این حال، محمد الهاسل هیچ‌گاه به طور کامل از این اتمسفر، خارج نشد، به طوری که وی به مدت بیش از ۲۰ سال است که به عنوان استاد غیرموظف و مدعو، در دانشگاه ملی کویت، دانشگاه آمریکایی کویت و آکادمی بازرگانی و کسب و کار دانشگاه هاروارد، به تدریس، پژوهش، برگزاری دوره‌های آموزشی آزاد و راهنمایی رساله‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری در حوزه اقتصاد، امور مالی و بانکداری مشغول است. تخصص محمدیوسف الهاسل چه در عرصه تدریس و چه در امر پژوهش، شاخه‌هایی نظیر "اقتصاد پولی"، "اقتصاد مالی"، "اقتصادکلان مالی"، "بحران‌های بانکی"، "بانکداری سیستماتیک"، "بانکداری اسلامی"، "سیاست‌های پولی و مالی"، "سیاست‌گذاری‌های بانکی"، "بانکداری نوین"، "تامین مالی نوین"، "مدیریت مالی حوزه خلیج فارس" و "مدیریت مالی با نگاه استراتژیک" بوده است.

وی در این سال‌ها، مقالات علمی، یادداشت‌ها و سرمقاله‌های متعددی در مجلات علمی اقتصادی، مالی، بانکداری، نشریات و جراید مطرح جهان، شامل نشریه بانک توسعه اسلامی، نشریه بانک جهانی، نشریه صندوق بین‌المللی پول و نشریه بانک تسویه بین‌المللی، نشریه نهاد پژوهشی شورای همکاری‌های خلیج فارس، فوربس، واشنگتن پست، وال استریت ژورنال، فارن پارلیسی، نیویورک تایمز، فایننشال تایمز و نشریه موسسه مطالعات بانکی خلیج فارس به چاپ رسانده است (بانک توسعه اسلامی، ۲۰۲۳).

همچنین بخش دیگری از کارنامه علمی محمد یوسف الهاسل، به نگارش کتاب‌های تخصصی حوزه اقتصاد، مالی و بانکداری تعلق دارد:

- کتاب "مباحث جاری در اقتصاد مالی"، ۲۰۰۷
- کتاب "اقتصاد مالی برای مدیران غیرمالی"، ۲۰۱۰
- کتاب "مقدمه‌ای بر بانکداری اسلامی"، ۲۰۱۰
- کتاب "رویکردهای فقهی در بانکداری"، ۲۰۱۲
- کتاب "بانکداری نوین جهانی"، مجموعه مقالات، ۲۰۱۴
- کتاب "سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی در هزاره سوم"، ۲۰۱۷
- کتاب "تامین مالی نوین در بانکداری"، ۲۰۲۰

یکی از
مهم‌ترین
اقدامات
محمدیوسف
اله‌اشل
اهتمام ویژه
بر تحکیم
دیپلماسی
اقتصادی با
کشورهای عربی
بود

- کویت، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲
- دریافت مدرک دکترای افتخاری اقتصاد از دانشگاه پادشاهی ملک فهد عربستان سعودی، ۲۰۱۲
- دریافت جایزه "چشم‌انداز رهبری بانکداری جهانی" از اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان عرب به پاس قدردانی از دستاوردهای محمد یوسف اله‌اشل در مدیریت سیاست‌های پولی و نظارتی در دوره ریاست بر بانک مرکزی کویت، ۲۰۱۵
- دریافت مدرک دکترای افتخاری اقتصاد و مالی از دانشگاه ملی کویت، ۲۰۱۶
- انتخاب به عنوان یکی از ۱۰ رئیس برتر بانک‌های مرکزی جهان در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲
- دریافت جایزه برترین رئیس بانک مرکزی در خاورمیانه ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱
- دریافت جایزه برترین بانکدار جهان عرب، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳
- (بانک بین‌المللی خلیج فارس، ۲۰۲۳)

دوران حرفه‌ای کاری و مناصب شغلی محمد یوسف اله‌اشل تا قبل از ریاست بر بانک مرکزی کویت

- کارشناس مالی و اقتصادی، اداره حسابداری و مالی دانشگاه اموری، ایالات متحده، ۲۰۰۴-۲۰۰۶
- کارشناس ارشد دپارتمان طرح‌های اقتصادی، بانک جهانی، ایالات متحده، ۲۰۰۶-۲۰۰۷
- کارشناس ارشد مالی و حسابداری، صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸-۲۰۰۷

- کتاب "آینده بانکداری سرمایه‌داری" ۲۰۲۱
- کتاب "آینده رویکردهای اسلامی در بانکداری" ۲۰۲۲- (آمازون، ۲۰۲۳)

جوایز و افتخارات ملی و بین‌المللی محمد یوسف اله‌اشل در عرصه علمی و اجرایی

- حائز رتبه اول دوره تحصیلی لیسانس تمامی دانشکده‌های دانشگاه کویت و برنده بورسیه تحصیلی اعزام به خارج پادشاهی کویت، ۱۹۹۷
- حائز رتبه اول دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اولد دامینیون و برنده مجدد بورسیه تحصیلی دوره دکتری، ۲۰۰۰
- انتخاب به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه اموری جورجیا در مقطع تحصیلات تکمیلی، ۲۰۰۱
- انتخاب به عنوان برترین دانشجوی دوره MBA مالی از سوی نشریه وال استریت ژورنال، ۲۰۰۱
- دریافت عنوان برترین رساله دکتری در شاخه مالی و بانکداری دانشگاه اولد دامینیون و برنده جایزه ۱۰۰ هزار دلاری این دانشگاه، ۲۰۰۳
- دریافت عنوان فارغ‌التحصیل ممتاز دوره دکتری دانشگاه اولد دامینیون، ۲۰۰۳
- پژوهشگر برتر پویش علمی دوسالانه دانشکده بازرگانی و کسب و کار هاروارد، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰
- انتخاب به عنوان پژوهشگر برتر حوزه بانکداری توسط موسسه ارزیابی علمی دانشکده‌های بازرگانی ایالات متحده (AACSB) برای ۳ سال پیاپی، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰
- دریافت مدال افتخار و نشان لیاقت از امیر

بـر ش

انتخاب یوسف اله‌اشل به عنوان رئیس بانک مرکزی کویت

در مارچ ۲۰۱۲، یک ماه قبل از پایان یافتن دوره مدیریت یوسف السلام ثانی در بانک مرکزی کویت، وزیر اقتصاد و دارایی این کشور در جلسه مشترک با نخست وزیر وقت، رئیس مجلس شورای ملی کویت، اقتصاددانان و نمایندگان احزاب اقتصادی، برای انتخاب فرد جدیدی در جهت احراز این پست مالی مهم در کابینه کویت، به گفتگو پرداخت. جابر مبارک الحمد الصباح، نخست وزیر سابق کویت و عیسی محمدالزید، رئیس وقت مجلس شورای ملی این کشور، محمد یوسف اله‌اشل را با توجه به سابقه بین‌المللی در حوزه اقتصاد، مالی و بانکداری، تحصیلات آکادمیک سطح بالا در دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر جهان و آشنایی به چالش‌های روز و بحران‌های مالی، شایسته‌ترین فرد برای قرار گرفتن در جایگاه ریاست فدرال بانک کویت، اعلام کردند.



- عضو شورای مشورتی فدراسیون بین‌المللی Banqueers جهان عرب، ۲۰۲۲-۲۰۱۳ (بانک تسویه بین‌الملل، ۲۰۲۳ / اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان، ۲۰۲۳)

ریاست ۱۰ ساله محمد یوسف الهاشل بر بانک مرکزی کویت

در مارچ ۲۰۱۲، یک ماه قبل از پایان یافتن دوره مدیریت یوسف السلام ثانی در بانک مرکزی کویت، وزیر اقتصاد و دارایی این کشور در جلسه مشترک با نخست وزیر وقت، رئیس مجلس شورای ملی کویت، اقتصاددانان و نمایندگان احزاب اقتصادی، برای انتخاب فرد جدیدی در جهت احراز این پست مالی مهم در کابینه کویت، به گفتگو پرداخت. جابر مبارک الحمد الصباح، نخست وزیر سابق کویت و عیسی محمد الزید، رئیس وقت مجلس شورای ملی این کشور، محمد یوسف الهاشل را با توجه به سابقه بین‌المللی در حوزه اقتصاد، مالی و بانکداری، تحصیلات آکادمیک سطح بالا در دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر جهان و آشنایی به چالش‌های روز و بحران‌های مالی،

- مدیر امور اقتصاد بین‌الملل وزارت اقتصاد و دارایی کویت، ۲۰۰۹-۲۰۰۸
- رئیس هیات مدیره انستیتوی مطالعات بانکی خلیج فارس، ۲۰۱۰-۲۰۰۹
- معاون مالی و بانکی وزارت اقتصاد و دارایی کویت، ۲۰۱۲-۲۰۱۰
- عضو هیات مدیره سازمان سرمایه گذاری عمومی کویت، ۲۰۱۲-۲۰۱۰
- نماینده تام‌الاختیار بانکداران عرب در صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵-۲۰۱۲
- رئیس هیات مدیره شورای پولی خلیج فارس، ۲۰۱۸-۲۰۱۵
- رئیس کمیته اجرایی (۲۰۲۲-۲۰۱۶) و رئیس هیات مدیره (۲۰۲۲-۲۰۲۰) بنیاد بین‌المللی پولی اسلامی جهان عرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس (IILM)، ۲۰۲۲-۲۰۱۶
- عضو هیات مدیره موسسه خدمات مالی اسلامی (IFSB)، ۲۰۲۲-۲۰۱۲
- عضو شورای عالی نفت، ۲۰۲۲-۲۰۱۲
- عضو گروه مشاورین منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) شورای ثبات مالی جهان عرب (FSB)، ۲۰۲۲-۲۰۱۲

۶۰



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •



یکی از
مهم‌ترین
اقدامات
الهاشل در
جایگاه ریاست
بانک مرکزی
کویت، تغییر در
وضعیت
شاخص‌های
کلان اقتصادی
بود

و سایر شاخص‌های مرتبط بوده است. محمد یوسف الهاشل به دلیل گذراندن بخشی از دوره‌های حرفه‌ای و پیشرفته آموزشی و داشتن جایگاه‌های شغلی در نهادهای مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک تسویه بین‌الملل، به خوبی نسبت به طراحی و اجرای سیاست‌های پولی بهینه در جهت دستیابی به اهداف مدنظر دولت کویت، احاطه داشته است.

چالش اول، سر و سامان دادن به وضعیت نرخ تورم در دوره ۱۰ ساله مدیریت خود بود. محمد یوسف در بدو ورود خود به بانک مرکزی، در اولین کنفرانس خبری به اصحاب رسانه اعلام کرد که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های ما در این دوره از مدیریت بر بانک مرکزی، اصلاح ساختار تورمی و بهبود وضعیت سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود. وی با اشاره به اوضاع تورم اقتصاد کویت در ۳۰ سال گذشته اشاره کرد که ما همواره با تورم‌های یا بسیار پایین یا بسیار بالا روبرو بوده‌ایم که هر دو اینها برای اقتصاد رو به رشد کویت، بسیار زهرآگین خواهد بود. لذا ما قصد داریم که سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی در این حوزه را، دوباره بازطراحی کنیم. در همین راستا، هدف‌گذاری تورمی بانک مرکزی کویت در این دوره ۱۰ ساله بین ۲.۵ تا ۴.۵ درصد تعیین شد و الهاشل توانست با اجرای بسته سیاست پولی جدید مشتمل بر رویکردهای سرمایه‌افزا و مولد تولید و با ارائه تسهیلات بلندمدت با نرخ بازپرداخت صفر به صنعتگران، فعالان حوزه‌های استارت‌آپی، خدماتی و فناوریانه، با گردش صحیح جریان پول در جامعه، نرخ تورم را در میزان میانگین ۲.۷ درصدی نگه دارد که در تاریخ اقتصادی این کشور، امری بی‌سابقه محسوب می‌شود (گلوبال فایننس، ۲۰۲۳).

مسئله بعدی، وضعیت شاخص قیمت‌تولیدکننده و شاخص قیمت مصرف‌کننده است. این دو مولفه، همواره دچار نوسانات سینوسی و گاهی شدید در اقتصاد کویت بوده که همین امر، به ویژه پس از بحران جهانی انرژی و نفت در آغاز هزاره جدید و در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، کنترل قیمت‌نهادهای تولیدی و مصرفی را با مشکل عدیده، روبرو کرد. محمد یوسف الهاشل، در اکتبر ۲۰۱۲، با ارائه یک دستورالعمل اجرایی جدید در قالب ۱۶ بند سیاستی، به آشفته‌گی بازار این دو شاخص مهم پایان بخشید. با اقدامات تیم اجرایی الهاشل، هر دو مولفه،

شایسته‌ترین فرد برای قرارگرفتن در جایگاه ریاست فدرال بانک کویت، اعلام کردند. با رویکرد مثبت وزیر اقتصاد و دارایی کویت و سایرین حاضر در جلسه، توافق بر سر انتخاب محمد یوسف الهاشل، انجام شد. بدین ترتیب ریاست یوسف الهاشل در این سمت از یکم آوریل ۲۰۱۲ آغاز و با تمدید یک دوره‌ای، در ۳۱ مارچ ۲۰۲۲ به پایان رسید. دوره ریاست طولانی مدت وی در بانک مرکزی کویت مقارن با حضور بن‌برنکی، جنت‌یلن و جروم پاول در صدر نهاد فدرال رزرو ایالات متحده بوده است (بانک مرکزی کویت، ۲۰۲۳).

اقدامات و چالش‌های محمد یوسف الهاشل در مسند ریاست بانک مرکزی کویت

• **بهبود چشمگیر وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی کویت در دوره محمد یوسف الهاشل**
یکی از مهم‌ترین اقدامات الهاشل در جایگاه ریاست بانک مرکزی کویت، تغییر در وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی این کشور از جمله نرخ تورم، نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، شاخص قیمت مصرف‌کننده



یکی از مهم‌ترین
اقدامات
اله‌اشل
اهتمام ویژه
بر تحکیم
دیپلماسی
اقتصادی کویت
با کشورهای
عربی بود

۶۲



• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

طی ۱۰ سال یک روند صعودی منظم و قابل مدیریت را طی کردند (کویت تایمز ژورنال، ۲۰۲۲)

موضوع چالش برانگیز بعدی، وضعیت تولید ناخالص داخلی و همچنین شرایط مولفه خالص صادرات این کشور در زمان مدیریت اله‌اشل است. اقتصاد کویت در طول بیش از ۵۰ سال، درآمد سرشاری از طریق منابع انرژی خدادادی و استخراج نفت و گاز به دست آورده بود و به همین سبب، همواره تولید ناخالص داخلی بالا و صادرات قابل توجهی را تجربه کرد. اما اله‌اشل، رویکرد متفاوتی به این موضوع داشت. وی معتقد بود که با پایان یافتن منابع تغذیه سوخت‌های فسیلی، اقتصاد داخلی کویت به یکباره دچار فروپاشی مطلق خواهد شد. لذا محمدیوسف اعلام کرد که برای جلوگیری از این موضوع، می‌بایست وابستگی اقتصادی به نفت و گاز را کاهش داده و به سراغ فراهم کردن زمینه‌های توسعه کسب و کارهای نوآورانه و مبتنی بر فناوری روز جهان برویم. در همین راستا، در ژانویه ۲۰۱۳، طرح جامع ۳۱۰ صفحه‌ای خود با عنوان "تحول فراگیر در اقتصاد ملی" را به نمایندگان مجلس شورای ملی کویت و دفتر نخست وزیری تحویل داد. این طرح، شامل پیاده‌سازی سیاست‌های تشویقی و حمایتی و تعیین تسهیلات بهینه و بودجه‌های مناسب برای توسعه بستر رشد اقتصاددانش بنیان و فناوری‌ها و تحقیقات آینده‌پژوهانه در این حوزه بوده است. با تصویب جزئیات این طرح در پارلمان کویت و تأیید کابینه دولت، اجرای بندهای سیاستی این برنامه تحول ملی، از آگوست ۲۰۱۳ آغاز و همچنان نیز به عنوان میراث گرانبهای دوران ریاست اله‌اشل، ادامه دارد که توانسته تغییری بنیادین در وضعیت دو شاخص مهم تولید ناخالص داخلی کویت و مولفه خالص صادرات این کشور، ایجاد کند (گلوبال فایننس، ۲۰۲۲).

• تحکیم دیپلماسی اقتصادی کویت با اقتصادهای عربی و کشورهای حاشیه خلیج فارس

یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات محمدیوسف اله‌اشل که در دوره‌های قبلی ریاست بر بانک مرکزی کویت بی‌سابقه بوده است، اهتمام ویژه بر تحکیم دیپلماسی اقتصادی با کشورهای عربی بود. وی معتقد بود در صورتی که کویت بتواند معاهده‌ها، خطوط سوآپ و تفاهم‌نامه‌های پولی خوبی با کشورهای جهان عرب داشته باشد، چنینی اقدامی در ارتقا

سطح شاخص‌های کلان اقتصادی این کشور و تقویت پول ملی کویت در مقابل ارز مرجع جهانی، موثر خواهد بود. به همین دلیل، اله‌اشل در طول دوره مدیریت ۱۰ ساله خود، بارها و بارها با روسای بانک مرکزی و وزرای اقتصاد و دارایی و صنعت و بازرگانی عربی دیدار و گفتگو داشت. راه‌اندازی اتحادیه پولی حاشیه خلیج فارس، راه‌اندازی سوآپ ارزی با قطر و عمان، تلاش برای بهبود وضعیت صندوق پولی جهان عرب (AMF) و امضای تفاهم‌نامه پولی کویت - قطر، از جمله اقدامات محمدیوسف اله‌اشل در این حوزه بوده است (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۱۹).

• محمدیوسف اله‌اشل، مبتکر برگزاری کنگره علمی کمیته‌های فقهی بانک‌های مرکزی جهان

یوسف اله‌اشل در بدو ورود به بانک مرکزی کویت، پیشنهاد تشکیل یک دبیرخانه برای برگزاری کنفرانسی سالانه موسوم به "کنگره علمی کمیته‌های فقهی بانک‌های مرکزی جهان" را داد. وی هدف خود را از این پیشنهاد، ارتقاء سطح تصمیمات فقهی بانکی در بانک‌های مرکزی دارای شورای فقهی (مانند جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های جهان عرب) و شناساندن ابعاد مختلف پویایی و کارایی بانکداری اسلامی به جهانیان اعلام کرد. به همین منظور، با موافقت وزارت اقتصاد و دارایی کویت، این کنگره علمی سالانه از دسامبر ۲۰۱۳ تا به امروز، به صورت منظم برگزار شده و هر ساله میزبان حضور شریعت‌دانان برجسته بین‌المللی، کارشناسان صنعت مالی اسلامی و اعضای هیات علمی دانشکده‌های فقه اقتصاد اسلامی کشورهای مختلف و اعضای هیات‌های شریعت کشورهای جهان عرب است. عموماً در این کنفرانس موضوعات مهم بسیاری از جمله مشارکت در تأمین مالی دارایی‌های ثابت مبتنی بر فقه اسلامی، بحث جریمه‌های تاخیر و دیرکرد در انعقاد قراردادهای بیع یا مشارکت، بحث اخذ کارمزد از خدمات بانکی، بحث در نظر گرفتن بهره‌های بانکی در تسهیلات و... مطرح شده و کارگاه‌های مختلف با موضوعاتی نظیر ممیزی شرعی در صکوک و اشکال بدیع در وقف و موارد دیگر، برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس و مقامات بانکی و مالی کشورهای عضو این کنگره علمی معتقدند که این اقدام محمدیوسف اله‌اشل، به توسعه صنعت بانکداری اسلامی، کمک شایانی کرده

است. همچنین وزیر اقتصاد و دارایی وقت کویت در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد که ابتکار برگزاری این کنفرانس توسط الهاشل موجب شد که ما شاهد رشد چشمگیر و افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مالی اسلامی در کویت، منطقه و جهان باشیم (نشریه بنکر، ۲۰۲۲).

انتخاب محمد یوسف الهاشل به عنوان برترین سکنداران بولی جهان، خاورمیانه و جهان عرب

محمد یوسف الهاشل جز معدود بانکدارانی است که توانسته در ۵ سال پایانی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، به عنوان یکی از ۱۰ بانکدار مرکزی برتر جهان انتخاب شده و از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، در ۳ سال پایانی، عنوان برترین رئیس بانک مرکزی در خاورمیانه و از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ و باز هم در ۳ سال پایانی، جایزه برترین بانکدار جهان عرب را تصاحب کند. در ارتباط با انتخاب بهترین بانکداران مرکزی جهان هر ساله، دو نشریه معتبر بین‌المللی، یعنی "نشریه بنکر" و "نشریه گلوبال فایننس"، برترین روسای بانک‌های مرکزی جهان را طی یک روند دقیق، انتخاب می‌کنند. مبتنی بر این فرآیند، برجسته‌ترین سیاست‌گذاران پولی دنیا بر مبنای مدیریت مطلوب برای دستیابی به رشد با ثبات و حفظ تعادل اقتصاد کشورها مشخص می‌شوند. بهینه‌سازی فرآیندهای بانکی در مواجهه با بحران، تثبیت تورم در نزدیکی نرخ هدف، اهمیت به نوآوری و تکنولوژی و تلاش برای دسترسی به جریان سرمایه آزاد، عمده‌ترین معیارهای مورد توجه این دو نشریه برای انتخاب روسای برتر بانک‌های مرکزی است. لذا از این منظر، یوسف

الهاشل، یکی از رکوردداران بانکی جهان محسوب می‌شود (رویترز، ۲۰۲۳).

فعالیت‌ها و جایگاه‌های شغلی محمد یوسف الهاشل پس از خروج از بانک مرکزی کویت

- مشاور ارشد هلدینگ مکینزی اند کامپنی (معتبرترین شرکت مشاور مدیریت جهانی)، ۲۰۲۲ تا به امروز
- عضودائم هیات مدیره پژوهشگاه مطالعات اقتصادی بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۲۲ تا به امروز
- مشاور رئیس بانک مرکزی کویت، ۲۰۲۲ تا به امروز
- انتخاب مجدد به عنوان رئیس هیات مدیره شورای پولی خلیج فارس، ۲۰۲۲ تا به امروز
- مشاور ارشد رئیس اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان عرب، ۲۰۲۲ تا به امروز
- مشاور بانک جهانی در امور اقتصادی جهان عرب، ۲۰۲۲ تا به امروز
- پژوهشگر پیوسته مدرسه بازرگانی هاروارد، ۲۰۲۲ تا به امروز
- استاد مدعو دانشگاه ملی کویت، ۲۰۲۲ تا به امروز
- استاد آکادمی آموزش‌های بانک جهانی، ۲۰۲۲ تا به امروز
- نماینده اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان عرب در صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۳ تا به امروز
- مشاور رئیس بانک مرکزی عربستان سعودی، ۲۰۲۳ تا به امروز
- مشاور صندوق بین‌المللی پول در امور اقتصادی خاورمیانه، ۲۰۲۳ تا به امروز
- (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۲۳ / اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان، ۲۰۲۳)

الهاشل در بدو ورود به بانک مرکزی کویت، پیشنهاد تشکیل یک دبیرخانه برای برگزاری کنفرانسی سالانه موسوم به "کنگره علمی کمیته‌های فقهی بانک‌های مرکزی جهان" را داد



الهاشل در بین رکوردداران بانکی جهان

هر ساله، دو نشریه معتبر بین‌المللی، یعنی "نشریه بنکر" و "نشریه گلوبال فایننس"، برترین روسای بانک‌های مرکزی جهان را طی یک روند دقیق، انتخاب می‌کنند. مبتنی بر این فرآیند، برجسته‌ترین سیاست‌گذاران پولی دنیا بر مبنای مدیریت مطلوب برای دستیابی به رشد با ثبات و حفظ تعادل اقتصاد کشورها مشخص می‌شوند. بهینه‌سازی فرآیندهای بانکی در مواجهه با بحران، تثبیت تورم در نزدیکی نرخ هدف، اهمیت به نوآوری و تکنولوژی و تلاش برای دسترسی به جریان سرمایه آزاد، عمده‌ترین معیارهای مورد توجه این دو نشریه برای انتخاب روسای برتر بانک‌های مرکزی است. لذا از این منظر، یوسف الهاشل، یکی از رکوردداران بانکی جهان محسوب می‌شود.



اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز در بانک ملی اتیوپی

- رئیس کل تازه منصوب شده بانک ملی اتیوپی، Mamo Mihretu، اولویت‌های استراتژیک خود را برای اصلاح اقتصاد اتیوپی، تمرکز بر دستیابی به ثبات قیمت و همچنین ثبات نرخ ارز خارجی اعلام کرد
- در میان مدت تا بلندمدت، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بخش خدمات مالی در اتیوپی رشد سریع و مداومی را تجربه می‌کند
- در بلندمدت ایجاد یک بورس اوراق بهادار موثر در اتیوپی پتانسیل ایجاد فرصت‌های قابل توجهی را دارد



بخش بانکداری
اتیوپی که به
سرعت در
حال رشد
است همچنان
با تعدادی از
آسیب‌های
احتمالی مواجه
است

با وجود این، دولت اهمیت ایجاد یک بازار سرمایه محلی را درک کرده و برنامه‌هایی برای راه‌اندازی بورس اوراق بهادار جدید در سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ دارد که رشد و توسعه این بخش را تسهیل می‌کند.

صنعت بانکداری در اتیوپی در حال حاضر دستخوش دگرگونی قابل توجهی است که با فرآیند آزادسازی و گنجانیدن نهادهای خارجی مشخص شده است. این تغییر پس از یک دوره طولانی مقررات سخت‌گیرانه صورت می‌گیرد. با وجود نبود صنعت مدیریت دارایی، بانک‌ها در اتیوپی همچنان نقش مهمی در بخش خدمات مالی این کشور ایفا می‌کنند و طیف وسیعی از محصولات مالی را ارائه می‌دهند. در سال‌های اخیر، این بخش نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از رشد را نشان می‌دهد، که پیش‌بینی می‌شود در میان مدت تا بلندمدت با سرعتی سریع و ثابت ادامه یابد. پیش‌بینی می‌شود که دارایی‌های بانکی تا سال ۲۰۲۷ بیش از دو برابر و تا سال ۲۰۳۲ چهار برابر شود که منعکس‌کننده مسیر مثبت این بخش است. بانک‌های محلی در اتیوپی، رشد وام‌دهی قابل توجهی را نشان داده‌اند. این بانک‌ها نسبت وام‌های غیرعملکردی پایینی را حفظ کرده‌اند و سطوح مطلوبی از سهام عادی را به نمایش گذاشته‌اند. برآوردها حاکی از آن است که رشد وام مشتری در اتیوپی همچنان بالا باشد و پس از تخمین ۲۸ درصدی در سال ۲۰۲۲، در سال ۲۰۲۳ به میزان ۲۹.۴ درصد رشد کند.

بخش بیمه در اتیوپی با وجود قوانین سختگیرانه و ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی، رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. تحولات اخیر در صنعت بیمه این کشور به گسترش آن کمک می‌کند. جمعیت رو به رشد اتیوپی نقش مهمی در این رشد ایفا کرده، زیرا جمعیت از ۱۱۴ میلیون نفری در سال ۲۰۲۰ به ۱۲۰.۳ میلیون در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. با نگاهی به آینده، انتظار می‌رود که هر دو بخش بیمه عمر و غیرعمر در میان مدت رشد ثابتی داشته باشند و این دو رقم نسبت به سال گذشته رشد کند.

با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته در تجارت آنلاین و کارگزاری، بخش مدیریت دارایی در اتیوپی با موانع قابل توجهی در درجه اول به دلیل عدم وجود بازار داخلی سرمایه در کشور چالش بزرگی است، زیرا در حال حاضر هیچ بستری برای معامله سهام یا اوراق بهادار با درآمد ثابت

بخش مالی اتیوپی با وجود پتانسیلی که دارد، از نظر تاریخی کوچک و از لحاظ مالی ضعیف بوده است و بانک‌ها به عنوان ارائه‌دهندگان اصلی خدمات مالی خدمت می‌کنند. با این حال، تحولات اخیر نشان‌دهنده تغییرات مثبت و فرصت‌های رشد در این بخش است. در میان مدت تا بلندمدت، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بخش خدمات مالی در اتیوپی رشد سریع و مداومی را تجربه می‌کند. این پتانسیل رشد توسط عواملی مانند اقتصاد رو به رشد کشور و جمعیت قابل توجهی که تحت پوشش بانکی و بیمه ضعیف هستند، پشتیبانی می‌شود. با این حال، این بخش‌ها مشمول مقررات سنگینی از جمله قوانین سختگیرانه در مورد مشارکت سرمایه خارجی هستند. این مقررات، پتانسیل بخش‌های جمعیت را برای پاسخگویی به نیازهای جمعیت تحت بانک و بیمه ضعیف محدود می‌کند.



ماه مه ۲۰۲۲، دولت برنامه‌های خود را برای راه‌اندازی بورس اوراق بهادار اتیوپی اعلام کرد که انتظار می‌رود ظرف دو سال آینده نهایی شود. هدف اولیه این بورس تسهیل جذب سرمایه برای شرکت‌های کوچک و متوسط و تسهیل خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی کلیدی است. بورس کالای اتیوپی در حالی که منتظر تأسیس یک بورس جدید است، نقش یک پلتفرم تجاری متمرکز برای کالاهای کشاورزی در این کشور را ایفا می‌کند. با گذشت زمان، بورس کالای اتیوپی فعالیت‌ها و دامنه خود را گسترش داده است. در کوتاه‌مدت، این تحولات ممکن است چالش‌هایی را برای بازار سرمایه محلی ایجاد کند. با این حال، در بلندمدت ایجاد یک بورس اوراق بهادار موثر در اتیوپی، پتانسیل ایجاد فرصت‌های قابل توجهی را دارد.

شاخص ریسک صنعت بانکداری اتیوپی

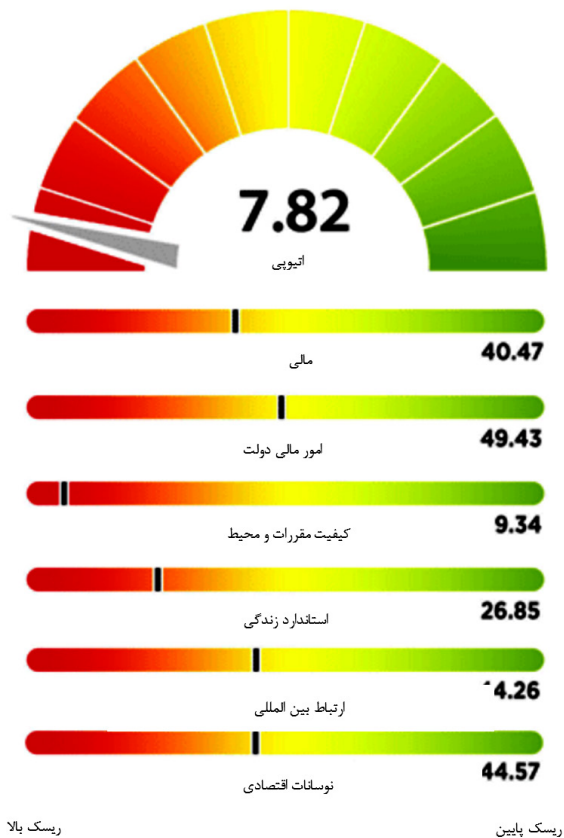
شاخص ریسک صنعت بانکداری اتیوپی (BIRI) امتیاز ۷۰۸۲ (از ۱۰۰ امتیاز ممکن) در سه ماهه اول ۲۰۲۳ بازتابی از ریسک بالا مرتبط با عواملی مانند استانداردهای پایین زندگی، بدتر شدن معیارهای بخش مالی و سیستم‌های نظارتی توسعه نیافته است. این امر بر این واقعیت تأکید می‌کند که بخش بانکداری اتیوپی که به سرعت در حال رشد است، همچنان با تعدادی از آسیب‌های احتمالی مواجه است. شاخص ریسک اتیوپی از میان ۱۲۲ کشور، در جایگاه ۱۱۷ قرار دارد که نشان‌دهنده افزایش ریسک در این بخش است.

امتیاز BIRI برای اتیوپی نشان‌دهنده بخش بانکی است که در سال‌های اخیر به سرعت در حال رشد بوده، اما با خطرات خارجی و نظارتی قابل توجهی مواجه است. اتیوپی یک بازار کم درآمد با جمعیت غیربانکی بالا است که به نمره استاندارد زندگی پایین منجر می‌شود و چشم‌انداز کوتاه‌مدت را برای بخش بانکی محدود می‌کند. امتیاز کلی ۷۰۸۲ برای اتیوپی در سه ماهه اول ۲۰۲۳ کمتر از امتیاز ۱۱۰۳۵ در سه ماهه چهارم ۲۰۱۹ است که نشان می‌دهد ریسک‌ها در طول سه سال گذشته همراه با بی‌ثباتی داخلی افزایش یافته است.

رشد وام در اتیوپی در سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ بالا خواهد ماند

پیش‌بینی می‌شود که رشد وام به دلیل سه عامل اصلی به صورت افزایشی باقی بماند.

شاخص ریسک صنعت بانکداری



وجود ندارد. با این وجود، دولت اتیوپی با پیگیری فعالانه توسعه بازارهای سرمایه محلی، گام‌های فعالی برای رسیدگی به این موضوع برداشته است. تلاش آنها در درجه اول بر اجرای چارچوب‌های نظارتی و اقدامات تأمین مالی برای ایجاد بورس داخلی متمرکز است. معرفی سهام یا سرمایه‌گذاری‌های با درآمد ثابت، پایه و اساس یک بخش مدیریت دارایی قوی و بادوام را در کشور ایجاد می‌کند. اتیوپی در حال حاضر بورس اوراق بهادار عملیاتی ندارد. با این حال، تحولات اخیر حاکی از پیشرفت قابل توجهی در جهت ایجاد بازاری است که بتواند سرمایه بیشتری را جذب کند و فرصت‌های تأمین مالی ضروری را برای شرکت‌های محلی فراهم کند. در اواسط

صنعت
بانکداری در
اتیوپی در
حال حاضر
دستخوش
دگرگونی
قابل توجهی
است که با
فرآیند آزادسازی
و گنجاندن
نهادهای
خارجی
مشخص شده
است

است. پیش بینی می شود که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۲۰۲۴ به ۶٫۸ درصد افزایش یابد و اقتصاد از بهبود روابط با کمک کنندگان بین المللی و کاهش تورم که درآمدهای واقعی را تقویت می کند، سود خواهد برد، روندی که از تقاضای اعتبار نیز حمایت می کند. انتظار بر این است که سرمایه گذاری خارجی در بخش بانکی به ارائه خدمات بانکی و بانکداری همراه در مناطق خارج از پایتخت که در حال حاضر ۴۰ درصد از شعب بانکها در آن مستقر هستند کمک کند که این امر باعث رشد وامها نیز می شود. پیش بینی می کنیم که دارایی های بانکی در سال ۲۰۲۴ به ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. با این وجود، این میزان هنوز کمتر از میانگین جهانی دارایی های بانکی است که بیش از ۱۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می شود، و نشان می دهد که چگونه رشد در بخش بانکداری اتیوپی از پایه پایین گرفته شده است.

با این وجود، لازم به ذکر است که خطرات برای این بخش همچنان باقی است. اگرچه کیفیت دارایی احتمالا در ماه های آینده بهبود می یابد، اما خاطرنشان می شود که بانکها همچنان باید بخش قابل توجهی از درآمد خود را به عنوان ذخایر زیان وام کنار بگذارند و توانایی آنها برای اعطای اعتبار به طور گسترده تر را کاهش دهد. داده های به روز وام های غیرجاری داخلی (NPL) در دسترس نیست و صندوق بین المللی پول تخمین می زند که این وامها ۵۰٫۴ درصد از کل در سال ۲۰۲۱ را تشکیل می دهند. انتظار بر این است که رقم واقعی می تواند بالاتر از این باشد. احتمالا در طول جنگ داخلی در سال های ۲۰۲۰-۲۰۲۲ و در بحبوحه تاثیر همه گیری کووید-۱۹، وام های کاهش یافته به میزان قابل توجهی افزایش خواهند یافت.

تهدید بی ثباتی بیشتر داخلی نیز می تواند بهبودی مورد انتظار در این بخش را از مسیر خارج کند. وقوع بالقوه خشونت گسترده یا درگیری نظامی در منطقه آمهارا، اگرچه دیدگاه اصلی این گزارش نیست، خطرات منفی برای این بخش به همراه دارد. برنامه های دولت فدرال برای انحلال نیروهای امنیتی منطقه ای آمهارا منجر به اعتراض هایی در این منطقه تا آوریل ۲۰۲۳ شده است. اگر این اعتراضات به یک درگیری محافظت شده بین مقامات فدرال و نیروهای امنیتی منطقه تبدیل شود،

اولا، به نظر می رسد رشد تولید ناخالص داخلی واقعی طبق پیش بینی ها از ۴٫۴ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۶ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یابد. پس از توافق صلح بین دولت فدرال و جبهه آزادی بخش خلق تیگری (TPLF) در نوامبر ۲۰۲۲، فعالیت اقتصادی به روال عادی خود باز خواهد گشت. بهبود وضعیت امنیت داخلی و همچنین کاهش جزئی تورم که همچنان بالاست، از تقاضای برای وام های مصرفی و تجاری در ماه های آینده حمایت می کند. این روند با حرکت NBE برای نصف کردن نسبت های ذخیره بانکها به ۵ درصد از سه ماهه دوم ۲۰۲۲ پشتیبانی می شود و توانایی بانکها برای وام دادن را بهبود می بخشد.

دوم، از سرگیری خدمات بانکی در مناطقی که تحت تاثیر درگیری تیگری قرار گرفته اند، دامنه خدمات وام بانکی را افزایش می دهد. درگیری بین دولت فدرال اتیوپی و TPLF فعالیت اقتصادی در شمال را از نوامبر ۲۰۲۰ تا نوامبر ۲۰۲۲ محدود کرد و حساب های بانکی این منطقه در این دوره مسدود شد و بسیاری از شعب بانکها مجبور به تعطیلی شدند. در فوریه ۲۰۲۳، مقامات فدرال ۹۰ میلیون دلار برای کمک به بازگشایی خدمات بانکی در منطقه ارسال کردند که پس از آن بانک تجاری اتیوپی خدمات بانکی را در دسامبر ۲۰۲۲ از سر گرفت. در نهایت، نفوذ ضعیف بانکی فرصت های فراوانی را برای رشد اعتبار فراهم می کند. در حالی که داده های به روز در دسترس نیست، بیشتر تخمین ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۲۱ حدود ۶۵ درصد از جمعیت اتیوپی فاقد بانک بودند. این امر پتانسیل قابل توجهی را برای رشد بخش مذکور که باید توسط اقدامات دولت برای آزادسازی بخش و افزایش نفوذ بانکداری تلفن همراه در کشور حمایت شود، ارائه می دهد. دولت در سپتامبر ۲۰۲۲ برنامه هایی را برای آزادسازی این بخش از طریق باز کردن آن به رقابت خارجی اعلام کرد و از آن زمان به بانک های خارجی اجازه داده است تا ۳۰ درصد از وام دهندگان اتیوپی را در اختیار داشته باشند. از آوریل ۲۰۲۳، دومین بانک بزرگ کنیا (بانک KCB) در حال مذاکره برای به دست آوردن سهام در چندین وام دهنده اتیوپی بود، و احتمالا اقدامات مشابهی در ماه های آینده دنبال خواهد کرد.

پیش بینی ها حاکی از افزایش نرخ رشد وام به ۳٫۱ درصد در سال ۲۰۲۴ است. این نشان دهنده بهبود بیشتر شرایط اقتصادی

پیش بینی های بخش بانکی (اتیوپی ۲۰۲۰-۲۰۲۶)					
شاخص	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵
نسبت وام به سپرده	۵۵،۵۶	۵۹،۹۱	۶۴،۶۰	۷۰،۸۷	۷۹،۲۷
نسبت وام به دارایی	۳۷،۹۹	۴۰،۳۲	۴۱،۰۸	۴۳،۴۳	۴۸،۵۸

نگاه اجمالی ریسک بخش بانکی				
ضعیف	زیربهبوده	کافی	خوب	عالی
		X		
		X		
			X	
	X			
	X			
		X		
		X		



جدول ۱

پیش بینی های بخش بانکی



جدول ۲

نگاه اجمالی ریسک بخش بانکی

مالی باعث می شود رشد سپرده از رشد وام بیشتر باشد. تعداد شعب بانکها در کشور از ۶۸۱ شعبه در سال ۲۰۱۰ به ۹۵۰۷ شعبه در سه ماهه سوم ۲۰۲۲ افزایش یافته و ادامه این روند باعث افزایش سپرده گذاری در سال های بعد می شود. علاوه بر این، سپرده های تقاضا، پس انداز و مدت دار به ترتیب ۳۲ درصد، ۶۰،۹ درصد و ۷۰،۱ درصد از کل سپرده ها را در سه ماهه سوم ۲۰۲۲ تشکیل می دهند. ماهیت کم بازده این سپرده ها باعث می شود، هزینه تامین مالی بخش بانکی پایین بماند.

• **کفایت سرمایه:** نسبت های کفایت سرمایه همچنان زیاد است. سرمایه ردیف اول این بخش تا پایان سال ۲۰۱۹ حدود ۱۷۰۷ درصد از دارایی های موزون شده با ریسک بود که بسیار بالاتر از ۷ درصد نیاز بازل بود.

• **ظرفیت حمایتی حاکمیتی:** کسری های مالی مداوم دولت، به دلیل سرمایه گذاری عمومی در مقیاس بزرگ، بر ظرفیت حمایتی حاکمیتی کشور تأثیر می گذارد. کسری بودجه در دهه آینده ادامه خواهد یافت و دولت احتمالاً از بانک های دولتی، بانک تجاری اتیوپی و بانک توسعه اتیوپی در صورت بروز بحران مالی حمایت خواهد کرد.

• **ساختار مالکیت:** دو بانک دولتی بزرگ اتیوپی سهم قابل توجهی از سپرده ها و وام های جدید را در اختیار دارند. در سه ماهه سوم ۲۰۲۲ بانک های خصوصی ۴۹ درصد از کل وام ها و بانک های دولتی ۵۱ درصد را به خود اختصاص داده اند. در بلندمدت، پیش بینی می شود که بانک های خصوصی همچنان به افزایش سهم خود از وام ها و سپرده ها ادامه دهند، زیرا

می تواند یک بار دیگر فعالیت های تجاری و خدمات بانکی در مناطق آسیب دیده را مختل کند. همچنین احتمالاً تمایل خارجی ها برای سرمایه گذاری در بخش بانکداری اتیوپی را کاهش دهد.

ساختار بخش بانکداری اتیوپی

• **کیفیت دارایی:** بانک ملی اتیوپی داده های مربوط به NPL ها را منتشر نمی کند. طبق گزارش صندوق بین المللی پول، نسبت NPL ها به کل وام ها در پایان سال ۲۰۲۱ (آخرین داده های موجود) ۵،۴ درصد بود. با این حال، این شامل NPL های بانک توسعه اتیوپی (DBE)، بانک سیاست دولتی است که تا اواسط سال ۲۰۱۹ حدود ۳۴ درصد گزارش شده است. نسبت NPL در بانک DBE در پایان سال ۲۰۱۹ به ۵۵،۵ درصد رسید.

• **قرار گرفتن در معرض نوسان نرخ ارز:** انتظار بر این است که سطوح پایین ذخایر ارزی که در حال حاضر تخمین زده می شود کمتر از یکماه پوشش واردات باشد و سطح ریسک نرخ ارز را افزایش دهد. در طول سه ماهه آینده، NBE احتمالاً مدیریت ارز خود را کاهش خواهد داد و ما فکر می کنیم که بانک در نهایت ارزش ارز را در سه ماهه چهارم ۲۰۲۳ بین ۱۵-۲۰ درصد کاهش خواهد داد. NBE در گزارش سالانه ۲۰۲۰-۲۰۲۱ خود تخمین زد که ۳۲،۲ درصد از کل وام های ارزی در اتیوپی را تشکیل می دهد. آنگاه به وام به ارز خارجی دارند، ممکن است در بازپرداخت این وام ها با مشکل روبرو شوند.

• **ساختار تامین مالی:** نسبت وام به سپرده پایین خواهد ماند، زیرا افزایش نفوذ بخش



پیش بینی نسبت های کلیدی (اتیوپی ۲۰۲۱-۲۰۳۲)											
شاخص	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵	۲۰۲۶	۲۰۲۷	۲۰۲۸	۲۰۲۹	۲۰۳۰	۲۰۳۲
نسبت وام به سپرده	۵۵،۵۶	۵۷،۳۶	۶۱،۸۵	۶۷،۸۵	۷۵،۸۹	۷۷،۸۱	۸۰،۱۰	۸۲،۴۷	۸۴،۹۱	۸۷،۴۱	۹۲،۶۵
نسبت وام به دارایی	۳۷،۹۹	۳۸،۶۰	۳۹،۳۳	۴۱،۵۸	۴۶،۵۱	۴۷،۸۸	۴۹،۲۹	۵۰،۷۵	۵۲،۲۵	۵۳،۷۹	۵۷،۰۲

این بانک ها به گسترش خود در کشور ادامه می دهند. این امر به دلیل سیاست دولت در قفل کردن سرمایه گذاری خارجی در این بخش محدود شده است. با این حال، پارلمان در ژوئیه ۲۰۱۹ قانونی را تصویب کرد که به اتباع خارجی اتیوپیایی الاصل اجازه می دهد تا سهام بانک های محلی را خریداری کنند و در سه ماهه چهارم ۲۰۲۲ قانونی ارائه شد که موسسات مالی خارجی را قادر می سازد در این بخش سرمایه گذاری کنند.

• **ارزیابی نهاد نظارتی:** بخش بانکداری تجاری توسط NBE تنظیم می شود که موظف به ارائه مجوزها و نظارت بر این بخش است. بانک های خارجی به طور سنتی اجازه فعالیت در کشور را ندارند، اگرچه این امر در سال های اخیر با باز شدن بخش به روی سرمایه گذاری خارجی از سه ماهه چهارم ۲۰۲۲ تغییر کرده است. از زمانی که در سال ۲۰۱۵ تغییر مقررات مبنی بر اینکه بانک های بخش خصوصی باید ۲۷ درصد از پرتفوی خود را در اوراق قرضه دولتی سرمایه گذاری کنند حذف شد، محیط بانک های بخش خصوصی بهبود یافته است.

وضعیت رقابتی و انحصاری در نظام بانکی اتیوپی

بخش بانکداری اتیوپی از آزادسازی اخیر و ادغام بهتر با اقتصاد جهانی سود برده است. در حال حاضر، این بخش از رشد سریع جمعیت، نفوذ کم بانکی و افزایش درآمد خانوارها سود می برد. براساس آمار بانک جهانی، تعداد شعب بانک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در اتیوپی در سال ۲۰۰۴ حدود ۰،۸ بود. با این حال، بانک ملی اتیوپی (NBE) گزارش داد که تا سال ۲۰۲۰ به ۶،۳ شعبه بانکی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر (آخرین داده های موجود) افزایش یافته است. در همین حال، کل دارایی های بانکی بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ بیش از چهار برابر شد در عین حال، محدودیت برای مشارکت خارجی همچنان باقی خواهد ماند.

سایر داده های بانک جهانی نیز نشان می دهد که گستره خدمات مالی در اتیوپی در حال

بهبود است. در نتایج نظرسنجی جهانی فیندکس (Findex) ۲۰۱۷ بانک جهانی، آخرین مورد موجود، که نرخ های شمول مالی را در سطح جهانی دنبال می کند، مشخص شد که درصد بزرگسالان اتیوپیایی که دارای حساب بانکی بودند از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۳۵ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است. این نظرسنجی همچنین سایر زمینه های رشد را از پایه بسیار پایین نشان داد: مالکیت کارت نقدی از یک درصد در سال ۲۰۱۴ به ۴ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت، در حالی که اتیوپیایی هایی که حساب پول موبایلی دارند از صفر درصد به ۰،۳ درصد در مدت مشابه افزایش یافت. در هر دو مورد، این کشور به مراتب از بازار بزرگ تر آفریقای شرقی کنیا عقب مانده است.

در حالی که سطوح کمتر از متوسط مشارکت مالی مردم اتیوپی مانعی برای بانک های تجاری و ارائه دهندگان خدمات مالی است که به دنبال گسترش فعالیت های خود در این بازار هستند، آنها همچنین فرصت قابل توجهی برای رشد بلندمدت ارائه می دهند. اتیوپی دارای یکی از بزرگ ترین جمعیت در سن کار (که در حال حاضر حدود ۵۲،۷ میلیون نفر تخمین زده می شود) از ۴۸ بازار جنوب صحرای آفریقا است که نشان دهنده پتانسیل قابل توجهی برای توسعه بخش بانکی است. این امر تا حدی ناشی از افزایش خدمات بانکداری تلفن همراه است و دولت به تدریج بازار پول موبایل را به روی تازه واردان باز می کند.

یک محدودیت ساختاری کلیدی درازمدت، محدود شدن به بازیگران خارجی بخش بانکداری تجاری اتیوپی بوده است. در سال ۲۰۱۶، این کشور محدودیت های مربوط به عملیات بانک های خارجی را کاهش داد و به بانک های خارجی اجازه داد دفاتر ارتباطی در این کشور باز کنند تا به تسهیل خطوط اعتباری برای مشاغل خارجی فعال در اتیوپی کمک کنند و به آنها در تجارت فرامرزی مشاوره دهند. در ژوئیه ۲۰۱۹، پارلمان همچنین لایحه ای را برای باز کردن بخش بانکی به روی مهاجران اتیوپیایی تصویب کرد که به آنها اجازه می دهد

بیشتر
تخمین‌ها
حاکم از آن
است که تا سال
۲۰۲۱ حدود
۶۵ درصد از
جمعیت اتیوپی
فاقد بانک
بودند

در بانک‌ها و مشاغل محلی سرمایه‌گذاری
کنند.
با این حال، تا سپتامبر ۲۰۲۲ بود که محدودیت
مالکیت خارجی بانک‌های محلی کاهش
یافت. در آن ماه دولت موارد زیر را اعلام کرد:
• بانک‌های خارجی می‌توانند تا ۳۰ درصد از
بانک‌های موجود اتیوپی را خریداری کنند.
• برای افراد خارجی و سرمایه‌گذاران
غیربانکی خارجی هر کدام ۵ درصد دیگر مجاز
خواهد بود، و حداکثر سهمی که یک بانک
محلی می‌تواند به خارجی‌ها بفروشد به ۴۰
درصد می‌رسد.
• بانک‌های خارجی می‌توانند یک شعبه یا
دفتر نمایندگی در اتیوپی راه‌اندازی کنند و
می‌توانند ۱۰۰ درصد مالکیت آن را در اختیار
بگیرند.

بر اساس گزارش بانک ملی اتیوپی، تا پایان ماه
۲۰۲۲، ۲۷ بانک در این کشور وجود داشت.
بانک زمزم که اولین نهادی بود که مجوز
فعالیت بانکداری اسلامی را در کشور دریافت
کرد و در ژوئن ۲۰۲۱ به طور رسمی فعالیت خود
را آغاز کرد. دومین بانک اسلامی به نام "هجری
بانک" از جمله ورودی‌های اخیر هستند. در
اکتبر ۲۰۲۱، بانک Goh Betoach به طور رسمی
درهای خود را به عنوان یک بانک وام مسکن
جدید باز کرد، در حالی که بانک Siinquee
توسط یک شرکت تامین مالی خرد پس از اینکه
INBE اجازه چنین انتقالی را داد، تشکیل شد.

آخرین تحولات بخش بانکی اتیوپی

- از ماه مه ۲۰۲۳، بانک ملی اتیوپی، اولین
مجوز پول موبایل خارجی خود را صادر کرده
است.
- از فوریه ۲۰۲۳، رئیس کل تازه منصوب بانک
ملی اتیوپی، Mamo Mihretu، اولویت‌های

استراتژیک خود را برای اصلاح اقتصاد اتیوپی،
تمرکز بر دستیابی به ثبات قیمت و همچنین
ثبات نرخ ارز خارجی اعلام کرده است.

• گروه بانک استاندارد آفریقای جنوبی،
بزرگترین وام‌دهنده آفریقا از نظر دارایی است
که در حال بررسی ورود به بخش بانکداری
اتیوپی است. این بانک منتظر است تا NBE
روند اعطای مجوز بانک‌های بین‌المللی در
اتیوپی را آغاز کند که پیش‌بینی می‌شود ظرف
۱۲ ماه انجام شود.

• در نوامبر ۲۰۲۲، Mastercard اعلام کرد
که کارت‌های نقدی، اعتباری و پیش‌پرداخت
در اتیوپی پذیرفته خواهند شد. این به دنبال
ایجاد مشارکت بین غول خدمات مالی و دو
شرکت مالی اتیوپیایی، EthSwitch (سوئیچ
ملی پرداخت اتیوپی) و بانک ارومیا است. فاز
اول این معامله امکان استفاده از کارت‌ها را
برای برداشت ارز از دستگاه‌های خودپرداز
بانک ارومیا فراهم می‌کند، در حالی که فاز
بعدی مردم را قادر می‌سازد تا کالاهای و خدمات
را با کارت‌های پرداخت مسترکارت پرداخت
کنند.

• در سپتامبر ۲۰۲۲، شورای وزیران اتیوپی
سیاستی را تصویب کرد که به بانک‌های خارجی
اجازه می‌دهد برای اولین بار در این کشور
فعالیت کنند. سقف دارایی‌های بانک‌های
خارجی فردی در بانک‌های موجود اتیوپی
۳۰ درصد تعیین شده است، در حالی که هیچ
محدودیتی برای مالکیت شعبه یا نمایندگی
تازه تاسیس شده در این کشور توسط یک بانک
خارجی وجود ندارد.

نظارت بانکی در اتیوپی

بخش بانکی اتیوپی به شدت توسط بانک ملی
اتیوپی (NBE) تنظیم می‌شود که هم به عنوان

ب‌رش



گسترش بانکداری خصوصی در اتیوپی

دو بانک دولتی بزرگ اتیوپی سهم قابل توجهی از سپرده‌ها و وام‌های جدید را در اختیار
دارند. در سه ماهه سوم ۲۰۲۲ بانک‌های خصوصی ۴۹ درصد از کل وام‌ها و بانک‌های
دولتی ۵۱ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در بلندمدت، پیش‌بینی می‌شود که
بانک‌های خصوصی همچنان به افزایش سهم خود از وام‌ها و سپرده‌ها ادامه دهند، زیرا
این بانک‌ها به گسترش خود در کشور ادامه می‌دهند. این امر به دلیل سیاست دولت در
قفل کردن سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش محدود شده است.

۷۰



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

پیش بینی ها
حاکمی از افزایش
نرخ رشد وام
به ۳۱٫۱ درصد
در سال ۲۰۲۴
است. این
نشان دهنده
بهبود بیشتر
شرایط
اقتصادی است



"دستورالعمل های حاکمیت شرکتی بانک" است که توسط NME در سال ۲۰۱۵ صادر شد، که همه بانک ها باید به عنوان بخشی از الزامات مجوز خود به آن پایبند باشند. هدف از این دستورالعمل ها، اطمینان از مدیریت صحیح و محتاطانه بخش بانکداری اتیوپی و حفظ ایمنی و سلامت بخش های بانکی و مالی است. بانک های تجاری اتیوپی در حال حاضر فقط ملزم به رعایت الزامات نسبت کفایت سرمایه بازل یک هستند. با این حال، طی سال های اخیر، NBE نیازمندی های سرمایه را افزایش داده و مانع ورود تازه واردان به بخش بانکداری خصوصی شده است. از آوریل ۲۰۲۱، حداقل سرمایه مورد نیاز برای راه اندازی یک بانک جدید ۵۰۰ میلیون بیر است. با این حال، بر اساس برنامه دوم رشد، بانک های عامل موظف بودند از ۱۲ آوریل ۲۰۲۱ سرمایه پرداخت شده را به ۵ میلیارد بیر افزایش دهند، در حالی که قبلاً ۲ میلیارد بیر افزایش یافته بود. در آگوست ۲۰۲۱، NBE در تلاشی برای مهار تورم بالا، حداقل نسبت ذخیره نقدی مورد نیاز بانک ها را به ۱۰ درصد افزایش داد.

سیاست گذار پولی تلاش می کند تا برخی از قوانین را عملیاتی کند و در سال ۲۰۲۱ دستورالعمل جدیدی را منتشر کرد تا به اشخاص غیرمقیم اتیوپی اجازه دهد حساب های ارز خارجی داشته باشد. هدف از این اقدام، جذب سرمایه خارجی بیشتر در غیاب بازار سرمایه داخلی است.

بانک مرکزی و هم به عنوان تنظیم کننده این بخش عمل می کند. مقررات عموماً توسط فعالان بازار، موسسات بین المللی و دولت های خارجی اجرا شده، اما محدودکننده در نظر گرفته می شوند. با این حال، عوامل سیاسی در برخی تصمیمات نظارتی نقش داشته اند. در سال ۲۰۱۱، بانک بین المللی هورن توسط دولت منحل شد، که با توجه به جنگ اتیوپی و اریتره، ادعا کرد که اکثریت سهام داران این بانک اریتره ای هستند. دارایی های این بانک توسط بانک تجاری اتیوپی جذب شد.

بانک های خصوصی از سال ۱۹۹۴ اجازه ورود به این کشور را داشته اند. مالکیت خارجی بانک ها برای سال ها ممنوع بود، اگرچه تعدادی از بانک های خارجی دفاتر نمایندگی خود را افتتاح کردند که از سال ۲۰۱۶ تحت ابتکار تجارت و بیمه آفریقا مجاز بود. در سپتامبر ۲۰۲۲، مقررات کاهش یافت و این به بانک های خارجی اجازه داد تا ۳۰ درصد در بانک های فعلی اتیوپی سهام داشته باشند و شعبه ها یا دفاتر نمایندگی ۱۰۰ درصدی خود را باز کنند. بانک ها همچنان از فعالیت مستقیم مشاغل بیمه منع می شوند و NBE سرمایه گذاری بانک ها در مشاغل غیربانکی را محدود کرده است، از جمله خرید املاک و مستغلات که برای تسهیلات خود نیست. بانک ملی اتیوپی همچنین معامله مستقیم با اوراق بهادار را ممنوع کرده است. سایر مکانیسم های اتخاذ شده برای بهبود نظام نظارتی بر بخش بانکداری تجاری شامل



اثر رسانه بر تشدید انتظارات تورمی

بمباران اخبار منفی برای ایجاد اختلال در بازار!

- اثبات اثرگذاری رسانه بر بازارها، کارکرد رسانه را از اطلاع رسانی به ابزاری برای ایجاد اختلال در بازارها تبدیل کرد
- تولید و پمپاژ اخبار منفی، به روش رایج کشورهای صاحب رسانه‌های جهانی برای برهم زدن بازار کشورهای هدف تبدیل شده است
- کاهش چشمگیر نرخ رشد نقدینگی، نشان می‌دهد سیاست‌های پولی بانک مرکزی برای کنترل تورم، تا حد بسیار زیادی موفق بوده است

حمید کمار

پژوهشگر اقتصادی



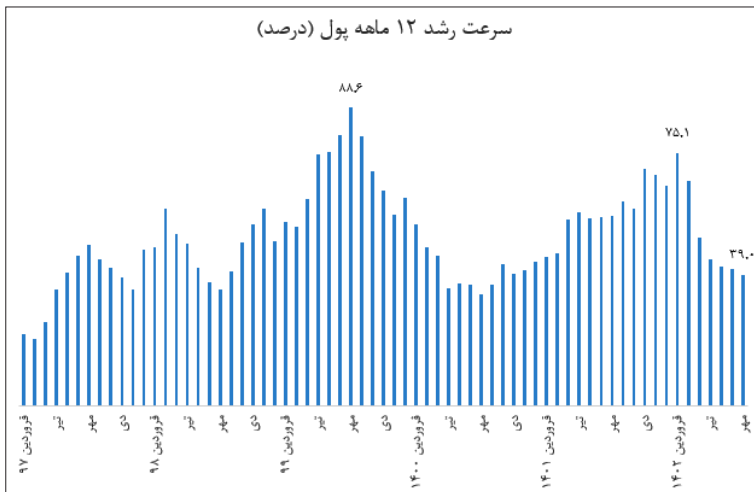
۷۲



اقتصادنا

● شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ ●

سرعت رشد ۱۲ ماهه پول (درصد)



نمودار ۱

سرعت رشد ۱۲ ماهه پول

هستم". اینها جملاتی است که حدود دو ماه پیش رئیس کل بانک مرکزی در یک گفتگوی مفصل بر زبان آورد. جملاتی که به خوبی نشان می‌دهد چالش اصلی سیاست‌گذار پولی در حل مسئله تورم، نه متغیرهای پولی، بلکه انتظارات تورمی است. بررسی روند شاخص‌های پولی، راز نگرانی محمدرضا فرزین از انتظارات و تبدیل آن به مهم‌ترین چالش وی برای حل مسئله تورم را آشکار می‌کند.

در ادبیات مرسوم اقتصادی، انتظارات تورمی را با تحولات حجم پول و به بیان دیگر با میزان سیالیت نقدینگی می‌سنجند. طبق آمارهای اعلامی بانک مرکزی، سرعت رشد پول در فروردین ماه امسال به ۷۵.۱ درصد رسیده بود. این عدد حاکی از آن است که نقدینگی در فروردین ماه سال جاری به تورمی‌ترین وضعیت خود در دو سال اخیر رسیده بود، به طوری که با وجود کاهش نرخ رشد، توان تورم‌زایی بالایی داشت. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد، انتظارات تورمی جامعه تا حد زیادی معلول نرخ ارز بوده و بارش نرخ ارز، انتظارات تورمی تشدید می‌شود. در چنین شرایطی، رشد نرخ ارز در اواخر سال ۱۴۰۱ و اوایل ۱۴۰۲، عامل مهمی در شکل‌گیری و تشدید انتظارات تورمی بود.

افزایش سرعت گردش پول و تبدیل آن به پول داغ، موضوعی است که در ادبیات رایج اقتصادی هم از آن به عنوان عامل تشدید تورم یاد می‌شود، موضوعی که کشور در ماه‌های پایانی سال گذشته و دو ماه نخست سال جاری تجربه کرد. به بیان

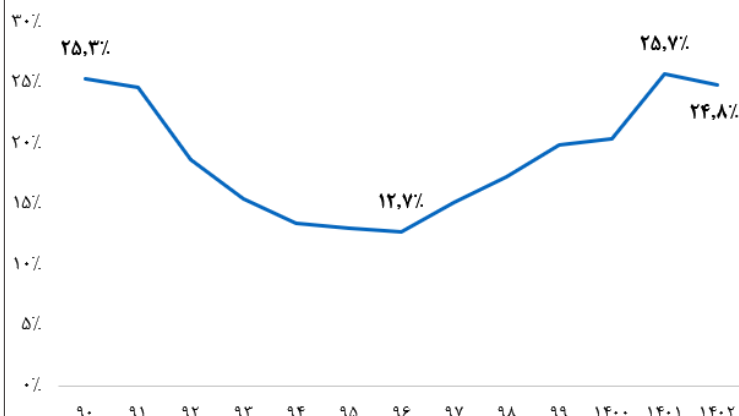
مهم‌ترین عامل موثر بر تورم در میان مدت و بلندمدت به گواه بسیاری از کارشناسان و تئوری‌های اقتصادی، رشد نقدینگی است. جدیدترین آمارهای اعلامی بانک مرکزی نشان می‌دهد سرعت رشد نقدینگی در آذرماه سال جاری به ۲۷ درصد کاهش یافته است. این رقم در حالی محقق شده که در مهر ماه سال ۱۴۰۰ یعنی در آغاز دولت سیزدهم، نرخ رشد نقدینگی به ۴۲.۸ درصد رسیده بود. بررسی تاریخچه شاخص رشد نقدینگی نشان می‌دهد این میزان کاهش رشد نقدینگی، تاکنون بی‌سابقه بوده است.

مانع باقی‌مانده در مسیر کاهش تورم

کاهش چشمگیر نرخ رشد نقدینگی، نشان می‌دهد سیاست‌های پولی بانک مرکزی برای کنترل تورم، تا حد بسیار زیادی موفق بوده است. با این حال تورم کنونی به دو دلیل تطابق چندانی با کاهش رشد نقدینگی ندارد. دلیل اول آن است که تأثیرگذاری رشد نقدینگی بر تورم، معمولاً با وقفه اتفاق می‌افتد. بنابراین می‌توان انتظار داشت اثر کاهش رشد نقدینگی بر تورم از سال آینده بروز کند. علت دوم اما همان چیزی است که رئیس کل بانک مرکزی از آن به عنوان مهم‌ترین دغدغه خود یاد می‌کند. انتظارات! "همچنان فضای انتظارات جامعه تورمی است، ولی متغیرها تحت کنترل هستند. من از جانب متغیرها نگران نیستم، اما نگران انتظارات



سهم پول از نقدینگی



نمودار ۲

سهم پول از نقدینگی

بدیهی است بازگشت اعتماد از دست رفته طی سال‌های اخیر، به سادگی و در کوتاه‌مدت ممکن نیست. شاید بر همین اساس است که رئیس کل بانک مرکزی، انتظارات را سخت‌ترین مانع در مسیر کاهش تورم می‌داند. بازگشت انتظارات به وضعیت عادی، نیازمند تغییر باور جامعه و فعالان اقتصادی است، باوری که طی نیم قرن اخیر در جهت مخربی شکل گرفته و اکنون اصلاح آن به سادگی ممکن نیست.

بانک مرکزی به ویژه در دو سال اخیر، اقدامات مختلفی برای مهار مولفه‌های اصلی موثر بر تورم اجرا کرده است. اصلاح نرخ‌های سود در کنار پیگیری سیاست احتیاطی کنترل رشد ترازنامه شبکه بانکی و همچنین افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها، از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی در حوزه پولی برای مهار رشد نقدینگی به عنوان سوخت اصلی تورم بوده است. با این حال این اقدامات هر چند تاکنون توانسته دستاوردهای مهمی از جمله کاهش نرخ رشد نقدینگی به ۲۶,۹ درصد در مرداد داشته باشد، اما نتوانست انتظارات تورمی را به وضعیت عادی بازگرداند.

بر همین اساس، بانک مرکزی برای مدیریت انتظارات تورمی، نرخ ارز را هدف قرار داد. از مهم‌ترین اقدامات دولت و بانک مرکزی که به طور خاص به منظور مدیریت بازار ارز و برطرف کردن التهاب این بازار اجرا شد، می‌توان به عرضه ارز در صرافی‌ها و بانک‌ها، عرضه سکه در بورس کالا، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا با هدف ایجاد مرجعیت قیمت، افزایش حجم معاملات رسمی و سهولت دسترسی متقاضیان بازار ارز و طلا و تامین

دیگر، با وجود کاهش سرعت رشد نقدینگی، رشد چشمگیر حجم پول و افزایش سهم آن از کل نقدینگی، باعث افزایش تورم شد. بررسی روند تورم ماهانه، اثر مشهود پدیده پول داغ بر تورم را نمایان می‌کند.

آمارها نشان می‌دهد به جز تورم بالای خرداد ۱۴۰۱ که ناشی از حذف ارز ترجیحی بوده، تورم ماهانه در دیگر ماه‌ها، همسو با شدت گرفتن سرعت گردش پول، بالا رفته است. افزایش سرعت گردش پول، نشانه‌ای از تشدید انتظارات تورمی است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده مهم‌ترین عامل شکل‌گیری انتظارات تورمی، رشد نرخ ارز در بازار غیررسمی است. از قضا نرخ ارز بازار غیررسمی در ماه‌های پایانی سال گذشته و اوایل سال جاری، روندی صعودی به خود گرفت. این وضعیت سبب بروز پدیده پول داغ در کشور شد تا جایی که سهم پول از نقدینگی به ۲۶ درصد نزدیک شد.

انتظارات تورمی کنونی در جامعه، مسئله‌ای نوپدید نیست. سال‌ها ماندگاری تورم بالا در اقتصاد کشور، ناتوانی دولت‌ها در حل مسئله تورم، جهش‌های مکرر نرخ ارز به ویژه در ۵ سال اخیر و بسیاری مسائل دیگر، عواملی است که باعث بروز بی‌اعتمادی جامعه به سیاست‌گذار اقتصادی شده و رهگذر این بی‌اعتمادی، انتظارات تورمی به بدترین وضعیت خود طی دهه‌های اخیر رسیده است. در چنین شرایطی، تعدیل انتظارات تورمی عملاً به معنای بازگرداندن اعتماد عمومی به سیاست‌گذار اقتصادی و به ویژه سیاست‌گذار پولی و ارزی، یعنی بانک مرکزی است.

۷۴



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

با توجه به
اثرگذاری
رسانه‌ها بر
شکل دهی
انتظارات
موضوع تأثیر
رسانه‌ها بر
شاخص‌های
اقتصادی و
همچنین تقویت
یا تضعیف
سیاست‌ها
موضوعی
پذیرفته شده در
تمام دنیاست

توجه به اثرگذاری رسانه‌ها بر شکل دهی انتظارات، موضوع تأثیر رسانه‌ها بر شاخص‌های اقتصادی و همچنین تقویت یا تضعیف سیاست‌ها، موضوعی پذیرفته شده در تمام دنیاست.

بر همین اساس، مطالعات مختلفی بر روی اثرگذاری اخبار بر شاخص‌های اقتصادی و بازارها انجام شده است. یکی از مشهورترین محورهای مطالعاتی، مقایسه اثر اخبار خوب و اخبار منفی بر بازارهاست. مطالعات متعدد محققان اقتصادی طی سال‌های گذشته، "اثر نامتقارن اخبار خوب و بد بر بازارها" را اثبات کرده است. این مطالعات نشان می‌دهد اثرگذاری اخبار بد بر بازارها، به مراتب بیشتر از اخبار خوب است. اثبات اثرگذاری رسانه بر بازارها، کارکرد رسانه را از اطلاع‌رسانی به ابزاری برای ایجاد اختلال در بازارها تبدیل کرد. بر همین اساس تولید و پمپاژ اخبار منفی، به روش رایج کشورهای صاحب رسانه‌های جهانی برای برهم ریختن بازار کشورهای هدف تبدیل شد.

ایران طی سال‌های اخیر یکی از مشهورترین قربانیان این نوع اخبار بوده است. تاسیس و تأمین مالی رسانه‌های متعدد برای پمپاژ گسترده اخبار منفی، سیاستی است که کشورهای متخاصم طی دهه‌های گذشته علیه ایران به کار گرفته اند. یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های این رسانه‌ها، بی‌ثبات‌سازی بازارهای مختلف از جمله بازار ارز از طریق انتشار اخبار منفی و همچنین شکل دهی و تشدید انتظارات تورمی است. ترسیم چشم‌انداز سیاه از آینده اقتصاد و بی‌اعتبارسازی سیاست‌گذار اقتصادی، روش رایج برخی رسانه‌های خارجی و داخلی برای دامن زدن به انتظارات تورمی و سپس تبدیل این انتظارات به تورم جدید در کشور است. انگیزه‌های سیاسی و جناحی، باعث همراهی رسانه‌های داخلی با این جریان شده و به تشدید انتظارات دامن می‌زند.

ارز مورد نیاز واردات کالاهای اساسی در سامانه نیما، انطباق نقشه ارزی و تجاری کشور در جهت مدیریت مطلوب جریان منابع و مصارف ارزی و غیره اشاره کرد.

در این میان البته گشایش‌های سیاسی به ویژه در روابط با کشورهای منطقه، نقش موثری در کاهش فوری هیجانات و انتظارات ایفا کرد و به سیاست‌گذار فرصت داد تا سیاست‌های خود را در محیط مناسب‌تری اجرا کند. گشایش‌هایی که البته بخشی از آن نتیجه رویکرد دولت سیزدهم در اولویت قرار دادن همسایگان و همچنین پیگیری جدی دیپلماسی اقتصادی در بانک مرکزی بود. این گشایش‌ها در نهایت موجب فروکش کردن فوری بخش زیادی از انتظارات تورمی بود و مقدمه‌ای برای کاهش نوسانات قیمتی بازارهای مختلف از جمله بازار ارز شد. در عین حال، با وجود بهبود انتظارات تورمی طی چند ماه اخیر اما هنوز هم انتظارات تورمی به وضعیت عادی بازنگشته و همچنان بی‌ثبات است تا جایی که رئیس کل بانک مرکزی از آن به عنوان مانع کاهش تورم یاد می‌کند. در چنین شرایطی، تنها تداوم ثبات و آرامش در بازارهاست که می‌تواند به فروکش کردن تدریجی انتظارات تورمی کمک کرده و در نهایت مسیر را برای تک‌رقمی شدن تورم باز کند.

نقش رسانه‌ها در کنترل یا تشدید انتظارات تورمی

ده‌ها سال است که تأثیر انتظارات در جهت دهی به شاخص‌های اقتصادی اثبات شده است. بر همین اساس، بروز انتظارات مثبت یا منفی با فاصله زمانی مشخصی بر شاخص‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد. انتظارات همچنین می‌تواند باعث خنثی شدن سیاست‌های اقتصادی شود. نظریه انتظارات عقلایی، بر همین موضوع تأکید دارد. با



اثر نامتقارن اخبار خوب و بد بر بازارها

مطالعات متعدد محققان اقتصادی طی سال‌های گذشته، "اثر نامتقارن اخبار خوب و بد بر بازارها" را اثبات کرده است. این مطالعات نشان می‌دهد اثرگذاری اخبار بد بر بازارها، به مراتب بیشتر از اخبار خوب است. اثبات اثرگذاری رسانه بر بازارها، کارکرد رسانه را از اطلاع‌رسانی به ابزاری برای ایجاد اختلال در بازارها تبدیل کرد. بر همین اساس تولید و پمپاژ اخبار منفی، به روش رایج کشورهای صاحب رسانه‌های جهانی برای برهم ریختن بازار کشورهای هدف تبدیل شد.



چگونه رسانه‌ها بر انتظارات تورمی تأثیر می‌گذارند؟

- اخبار منفی می‌تواند بردرک افراد از تورم و انتظارات تورمی آنها نقش مهمی داشته باشد
- انتشار اخبار منفی می‌تواند منجر به بی‌توجهی مردم نسبت به رویدادهای حقیقی و واقعی در سطح اقتصاد کلان شود

امیر حسین موسوی

پژوهشگر اقتصادی

۷۶



اقتصاد

● شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ ●

تورمی جامعه‌است، اما به موازات آن رسانه‌ها نیز نقش مهمی در افزایش یا کاهش سطح انتظارات تورمی جامعه دارند. به بیان دیگر، می‌توان عنوان کرد رسانه‌ها همچون شمشیری دولبه این امکان را دارند که از یکسو با مخابره اخبار مثبت و نمایش واقعی تحولات اقتصادی، چهره حقیقی از شاخص‌های اقتصادی ارائه دهند تا عموم جامعه و فعالان اقتصادی در فضای شفاف

یکی از عوامل مهم در مهار تورم، کنترل سطح انتظارات تورمی است و یکی از مولفه‌های اثرگذار بر میزان انتظارات تورمی جامعه در کنار متغیرهای بنیادی مانند تحولات بخش حقیقی اقتصاد و شاخص‌های اقتصاد کلان، لنگرهایی است که تغییرات آنها انتظارات تورمی را تغییر می‌دهد. نرخ ارز یا نرخ سود بانکی دو لنگر مرسوم در اقتصاد برای افت و خیز انتظارات

نرخ ارز یا نرخ
سود بانکی دو
لنگر مرسوم در
اقتصاد برای
افت وخیز
انتظارات تورمی
جامعه است

نقش کمتری در افزایش التهابات دارند. در همین راستا گزارش جانبدارانه رسانه‌ها نیز از برخی تحولات که آن را به شکل اغراق آمیز به صورت منفی گزارش دهد و یا ضریب بیش از اندازه به اخبار بد نسبت به اخبار خوب نیز منجر به بیش واکنش نسبت به آن رویداد در ذهن عموم جامعه خواهد شد.

قدرت انتشار اخبار بد در تشدید انتظارات تورمی

اخبار منفی در رسانه‌ها که وضعیت کلی اقتصادی را پوشش می‌دهند ممکن است به عنوان پیش‌بینی‌کننده معنادار پویایی انتظارات تورمی و تصورات تورمی فعلی آنها عمل کند. این اخبار می‌تواند ناشی از اخبار مربوط به جهش نرخ ارز باشد، یا پیش‌بینی‌های سوگیرانه نسبت به بروز یک بحران اقتصادی و ارائه تصویری مخالف تحولات واقعی اقتصاد باشد. اگر اقتصاد دوران سختی را تجربه کند که در آن مردم از آینده دست‌مزد‌ها، شغل‌ها و قیمت‌های محصولات مختلف حتی در یک افق میان‌مدت مطمئن نباشند، مردم نسبت به رویدادها، تحولات اقتصادی و اخبار مختلف حساسیت بیشتری خواهند داشت و اخبار اقتصادی در صدر اخبار پیگیری شده توسط مردم قرار می‌گیرد و حتی ممکن است واکنش بیش از حدی نسبت به برخی از این اخبار نشان دهند. در این شرایط احتمالاً بخش قابل توجهی از مردم نیز هنگام تصمیم‌گیری‌های مالی جدی یا خرید کالا و محصولات در آینده به چنین اخباری اعتماد می‌کنند. درک نحوه فهم جامعه از تورم و منطق پشت تصمیمات برای خرج کردن یا پس‌انداز شاید یکی از وظایف کلیدی بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم باشد و این یک فرآیند تئوریک انتزاعی نیست، بلکه کاملاً به صورت حقیقی میزان تورم تا حد زیادی به انتظارات تورمی بستگی دارد. اما مردم بر چه اساسی تصمیم‌گیری می‌کنند؟ دو مکتب فکری وجود دارد که پاسخ متفاوتی به این سوال می‌دهند. مکتب اول معتقد است که مردم تصورات خود را از تورم بر اساس خرید روزانه خود شکل می‌دهند، به این معنی که تصورات آنها از قیمت‌های آینده بر اساس قیمت‌های خرده‌فروشی دیروز است. به طور متعارف، این انتظارات ممکن است "عقب‌نگر" یا سازگار نامیده شوند. چنین الگوهای رفتاری مصرف‌کننده در ده‌ها مقاله به خوبی توصیف و اثبات شده است. به عنوان مثال، یک مقاله منتشر شده در سال ۱۹۸۱ اشاره می‌کند که پس از افزایش قیمت در سوئد، انتظارات تورمی زنان بسیار بالا بود، زیرا زنان معمولاً خریداران اصلی خانواده‌ها هستند. تقریباً ۴۰ سال بعد، در سال ۲۰۱۹، تحقیقات مبتنی بر داده‌های ایالات متحده نشان داد که خرید غذای شخصی مصرف‌کنندگان، منبع اصلی اطلاعات افراد در مورد

اقدام به تصمیم‌گیری کنند، یا با دمیدن در تور انتظارات تورمی و ارائه تحلیل‌های سوگیرانه نسبت به تغییرات شاخص‌های اقتصادی، پمپاژ اخبار منفی و عملیات‌های روانی، سطح انتظارات تورمی جامعه را افزایش دهند.

رسانه‌ها در فروکش کردن انتظارات تورمی نقش مهمی دارند و ارائه تصویر صحیح از فضای اقتصاد در اتمسفر رسانه‌ای، پیش‌بینی‌پذیری را افزایش و نااطمینانی‌های مالی و اقتصادی را کاهش می‌دهد. در نتیجه ارائه این تصویر شفاف، عوامل اقتصادی قادر خواهند بود تا انتظاراتشان را مطابق با مقاصد مقام سیاست‌گذار شکل دهند و همین امر منجر به موفقیت اجرای سیاست‌های مختلف پولی و ارزی بانک مرکزی یا مالی دولت خواهد شد.

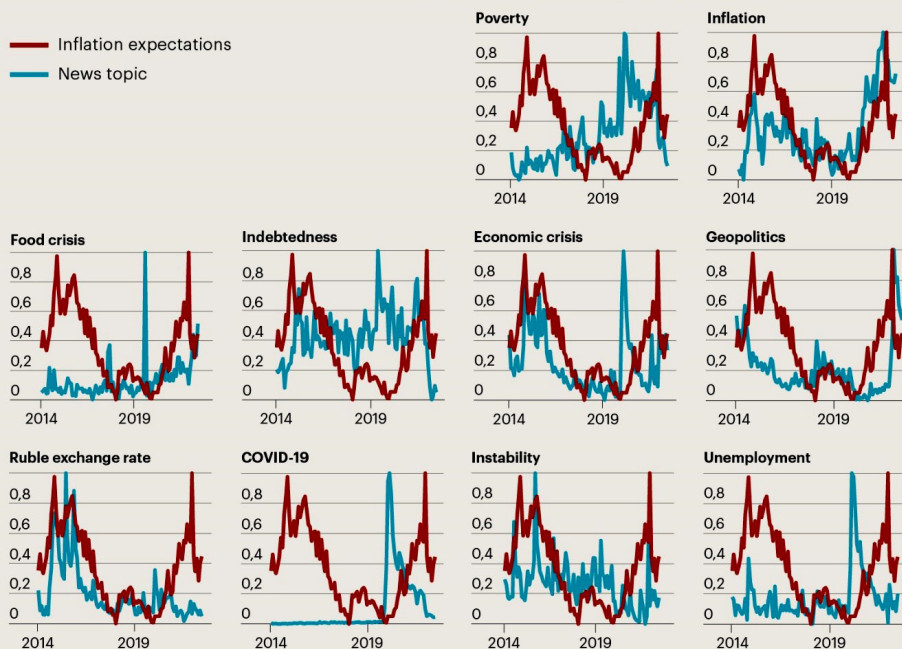
مهار انتظارات تورمی همواره یک چالش کلیدی برای بانک‌های مرکزی به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. فرآیند شکل‌گیری انتظارات تورمی برای درک پویایی اقتصاد کلان و طراحی سیاست‌بهینه اهمیت بالایی دارد. رسانه‌ها در فرآیند شکل‌گیری انتظارات نقش مهمی دارند، زیرا بیشتر مردم اطلاعات خود را از گزارش‌های خبری به دست می‌آورند. برای مثال عموم جامعه اطلاعات اقتصادی خود را عمدتاً از تلویزیون، کانال‌ها و صفحات رسانه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری و روزنامه‌ها به دست می‌آورند. بنابراین، رسانه‌ها ممکن است بر نحوه تغییر انتظارات تورمی مردم تأثیر بگذارند، همانطور که رسانه‌ها برای مثال بر رفتار رای‌دهی مردم تأثیر می‌گذارند. در واقع، استفاده از گزارش‌های خبری به عنوان منبع اطلاعات اقتصادی، انتخابی منطقی از سوی مردم است، زیرا این گزارش‌ها روشی کم‌هزینه، ساده‌تر و قابل دسترسی‌تر برای کسب اطلاعات ارائه می‌کنند. مشخصاً رفتار رسانه‌ها با اخبار اقتصادی بر نحوه واکنش مردم به آن تأثیر می‌گذارد و مولفه مشترکی برای پردازش اطلاعات در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. بنابراین گزارش‌های رسانه‌ها و خط خبری کلی آنها نقش مهمی در فرآیند شکل‌گیری انتظارات دارد.

شکل‌گیری روند انتظارات تورمی توسط رسانه‌ها

مطالعات متعددی این موضوع را تأیید کرده‌اند که رسانه‌ها در تعیین سطح انتظارات تورمی نقش مهمی دارند. همچنین در کنار تعدد انتشار مطالب، در افزایش یا کاهش سطح انتظارات تورمی، لحن ارائه گزارشات و آمارها توسط رسانه‌ها نیز اهمیت بالایی دارد. گزارش‌های رسانه‌ای با لحن نامطلوب، انتظارات مصرف‌کنندگان را تشدید می‌کنند و اخباری که افزایش تورم را به صورت خنثی ترویج می‌دهند،

Topic time series and household inflation expectations

— Inflation expectations
— News topic



ECONS

Source: compiled by the authors

ژئوپلیتیک، نرخ ارز روبل، همه‌گیری کووید-۱۹، بی‌ثباتی داخلی و بیکاری. پس از آن، فرکانس ظاهر شدن هر یک از موضوعات در اخبار روسیه را تخمین زده و سری زمانی به دست آورده است.

طبق نمودار صفحه قبل شباهت‌های خاصی بین تعدادی از آنها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، روند انتظارات تورمی به طور محسوسی با روند اخبار مربوط به تورم، بحران اقتصادی، نرخ مبادله روبل و ژئوپلیتیک مرتبط است. در نهایت می‌توان گفت اخبار منفی می‌تواند بردرک افراد از تورم و انتظارات تورمی آنها نقش مهمی داشته باشد. مهم‌ترین اخبار مربوط به خود تورم، شاخص‌های اقتصادی، قیمت‌های کلیدی مختلف و تغییرات نرخ ارز است. این موضوعات ممکن است بیشترین اثر را در تهییج یا فروکش کردن انتظارات تورمی جامعه بگذارد و ممکن است پیمای این اخبار منفی به راحتی به بی‌توجهی مردم نسبت به رویدادهای حقیقی و واقعی در اقتصاد منجر شود.

تورم بوده است. مکتب دیگر معتقد است که انتظارات کارگزاران منطقی است. در سال ۱۹۹۵، رابرت لوکاس اقتصاددان، جایزه نوبل اقتصاد را برای توسعه تئوری انتظارات منطقی دریافت کرد. لوکاس اعتقاد داشت که فعالان اقتصادی تمایلی ندارند که منفعلانه منتظر تغییرات در جهت اقتصادی باشند. از اوایل دهه ۲۰۰۰، اقتصاددانان به طور قابل ملاحظه‌ای توجه بیشتری به نقش رسانه‌های جمعی در درک تورم نشان دادند. در سال ۲۰۰۳، کریستوفر کارول، استاد اقتصاد در دانشگاه جانز هاپکینز، یک مدل را پیشنهاد کرد که بر اساس آن نظرات در مورد تورم آینده مانند یک "ویروس" در محیط اطلاعاتی پخش می‌شود. به عنوان یک مصداق اگر الگوهای خبری را در مورد انتظارات تورمی خانوارها در کشور روسیه ترسیم کنیم نتایج جالبی می‌توانیم بگیریم. (منبع: FOM) در این مطالعه فهرستی از ۱۰ موضوع با توزیع احتمال کلمات برای هر بحث تهیه شده است: فقر، تورم، بحران‌های غذایی، بدهی، بحران اقتصادی،



نمودار سری زمانی اخبار منفی و انتظارات تورمی در روسیه

۷۸



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •



سیاست تثبیت اقتصادی نرخ تورم را کاهش می دهد

دکتر فرشاد حیدری،
رئیس موسسه آموزش
عالی بانکداری با حضور
در موسسه مطبوعاتی
بازار پول و ارز، از
بخش های مختلف
این موسسه (هفته نامه
تازه های اقتصاد، ایبنا،
مرکز رصد و پایش،
مرکز تولید محتوا و
انتشارات) بازدید و با
خبرنگاران و کارکنان
موسسه پیرامون
نحوه تولید و انتشار
محتوای رسانه های
گفتگو کرد. حیدری،
در گفتگو با خبرنگاران،
افزود: بانک مرکزی
در یکسال گذشته به
خوبی توانست سیاست
تثبیت اقتصادی را
اجرای کند که در ادامه
می توانیم شاهد کاهش
ناترازی بانک ها و مهار
تورم باشیم.

۷۹



• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •





**بازدید
مدیرعامل
شرکت
رتبه بندی
اعتباری ایران
از موسسه
بازارپول و ارز**

دکتر رضا قاسم پور، مدیرعامل شرکت رتبه بندی اعتباری ایران در بازدید از موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز بانک مرکزی، با نحوه تولید محتوای فعالیت بخش های مختلف این موسسه (هفته نامه تازه های اقتصاد - ایپنا - انتشارات - مرکز تولید محتوا، مرکز رصد و پایش و...)، آشنا و از نزدیک در جریان عملکرد این موسسه قرار گرفت.

۸۰



اقتصاد

• شماره ۳۰ - بهمن ۱۴۰۲ •

